

آیین بودا

تألیف:
بردلی هوکینز



ترجمه:
محمد رضا
بدیعی



هawkins, Bradley K.

هاوکینز، برادلی، ۱۹۵۰ - م.

ایین بودا / تألیف بردلی هاوکینز؛ ترجمه محمدرضا بدیعی. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.

۱۳۸۰ ص.

ISBN 978-964-00-0779-2

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيبا

عنوان اصلی: Budhism

چاپ سوم: ۱۳۸۷

۱. بودا و بودیسم. الف. بدیعی، محمدرضا، مترجم. به عنوان.

۲۹۴/۳

۸۰-۲۵۶-۳

BQ7185/۵۲۹

كتابخانه ملي ايران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۰۷۷۹-۲



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

ایین بودا

© حق چاپ: ۱۳۸۰، ۱۳۸۷، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نویت چاپ: سوم

تألیف: بردلی هاوکینز

ترجمه: محمدرضا بدیعی

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان این سینا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰

کاغذ: تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۲۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره گامبیوتی، اقتباس کلی و جزئی (بهجز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیوه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر منوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

عنوان		صفحة
پیشگفتار	.	۹
مقدمه	.	۱۱
دینهای جهان	.	۱۱
آشنایی: سه سرلوحه	.	۱۹
تره واده: طرز انصباط	.	۱۹
ذن: شیوهٔ مراقبه	.	۲۹
واجره یانه: راه و رسم مناسک	.	۳۵
ریشه‌های آیین بودایی	.	۴۳
آیین هندی در زمان بودا	.	۴۳
آیین برهمتی	.	۴۴
جنبیش سرامنه	.	۴۷

۵۲	جایین‌ها
۵۳	بودا و پیامش
۵۴	زندگی بودا
۵۹	شاگردان بودا
۶۰	کانون هنر: تصویر بودا
۶۳	راه بودایی
۶۹	تکامل تاریخی اولیه آیین بودا
۶۹	تکامل آیین بودا در جنوب آسیا
۷۳	پیدایش آیین بودایی ماهایانا
۷۷	هیئت مبلغان بودایی و انتشار آیین بودایی در شرق آسیا
۸۴	آغاز آیین بودا در ژاپن و کره
۸۷	تبت و پیدایش آیین بودایی واجره‌یانه
۹۲	افول آیین بودایی در هند
۹۵	کانون هنر: نقش فزاینده بودیساتوا
۹۹	آیین بودایی مدنون - راههای بسیار، هدف واحد
۹۹	میراث مشترک
۱۰۱	تره‌واده: انضباط زندگی و تولید شایستگی
۱۰۳	راهب شدن
۱۱۱	ذن: طریق تهی بودن
۱۱۵	واجره‌یانه: روش مناسک رازورزی
۱۲۰	سرزمین پاک: موهبت نجات بخشی امیده بوتسو
۱۲۵	آیین بودایی و تعارض با دینیان مدنون
۱۲۶	آیین بودایی و هویت ملی در سری لانکا
۱۲۸	تجربه سری لانکایی جدید
۱۳۳	آیین بودایی و استعمار در جنوب شرقی آسیا

آیین بودایی و گریز از دنیای مدرن در جنوب شرقی آسیا	۱۳۷
حالت ایدا و اذیت آیین بودایی در چین	۱۴۱
آیین بودایی در کره و ژاپن امروزی	۱۴۲
آیین بودایی و نابودی یک فرهنگ در تبت	۱۴۴
کاشت گلهای تازه: آیین بودایی در اروپا و ایالات متحده	۱۴۷
آیین بودایی در قرن بیست و یکم - شراب کهن در میانی نو	۱۰۹
رویارویی با تعارضهای یک جهان در حال تغییر	۱۵۹
پیام جاودانی بودا	۱۶۰
ترکیب فرهنگی در آیین بودایی غربی	۱۷۱
فهرست جشنواره‌ها	۱۷۵
واژه‌نامه	۱۷۹

مؤلف مطالعه کتابهای فهرست شده زیر را به خوانندگان خود توصیه می‌کند ... ۱۸۹

شاید در اینجا یادآوری این نکته مناسب باشد که خواننده چه کتابی را برای مطالعه در دست دارد. این کتاب یک کلید است، کلیدی برای گنجینه‌های یکی از کمترین و جذاب‌ترین دینهای عالم انسانی. بدین لحاظ، کتاب مزبور به قصد آشنا ساختن خواننده با یک طرح کلی مختصر از فلسفه، تاریخ و (مهمنتر از همه) «فضا»‌ای آیین بودایی تدوین شده است. اما در میان کلیدهای فراوانی که وجود دارد این کتاب صرفاً نخستین کلید برای این گنجینه کلان است. از آنجاکه خواننده در آغاز کار است و تازه می‌خواهد درباره این آیین به مطالعه پردازد و آیین بودایی پس از گذشت ۲۵۰۰ سال به نحوی چشمگیر تغییر و تکامل پیدا کرده است، پرداختن و بررسی هر موضوع خاص مربوط به این آیین برای چنین خواننده‌ای باید لزوماً موجز و مختصر باشد. خوشبختانه، خواننده‌ای که تمایل داشته باشد ژرفتر در این اقیانوس بودایی غور کند، تقریباً از نظر منابع مفصل‌تر

درباره هر موضوع قابل تصور و جالب، کمبودی نخواهد داشت. بودایان ضربالمثلی با این مضمون دارند که بعد از اینکه مردم ماه را رؤیت کرده باشند، دیگر استفاده از انگشت اشاره لزومی ندارد. مؤلف امیدوار است که این پیشکش مختصر مانند همان انگشت اشاره باشد در آغاز سیر و سفر خواننده برای کشف یکی از نجیب‌ترین فراورده‌های روح بشری.

بردلی هوکینز، مارس ۱۹۹۸

مقدمه

دینهای جهان

شهروند و دانشجوی آگاه، به یک شناخت کلی و معتبر درباره جهان کوچک و در عین حال بغيرنجمان نیازمند است. پنجاه سال پیش، شما می‌توانستید در قبال دینهای جهان بی‌توجه باشید. اما اکنون ما آگاه‌تر شده‌ایم و می‌توانیم دریابیم که دینها و ایدئولوژیها نه تنها به تمدن شکل می‌دهند، بلکه مستقیماً بر رویدادهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. این کتابهای کوچک، رهنمودهای موجز، جامع‌الاطراف، و آموزنده را درباره دینهای جهان در دسترس می‌گذارند و درحالی‌که داریم به هزاره نو قدم می‌گذاریم با خواندن یک جلد از آنها، با چشم‌انداز مذهبی در حال تغیر آشنا شویم.

در حال حاضر ما فقط نمی‌خواهیم [درباره واقعیتها] آگاهی پیدا کنیم، بلکه می‌خواهیم توسط زندگی و اعتقادهای گوناگون و دینهای غالباً غامض جهان معاصر برانگیخته شویم و به هیجان آییم. این

ضرب المثلهای سرخپوستان امریکا: «هرگز درباره یک نفر بسی آنکه کفشهایش را پوشیده و فرسنگی را پیموده باشی داوری مکن.» برای کمک بیشتر به شما در کار تحقیقی تان، نام شمار سودمندی از کتابهای مرجع در پایان کتاب قید شده است. هر کتاب در بر دارنده یک نمودار ترتیب رویدادهای تاریخی از لحاظ زمانی، نقشه، واژه‌نامه، راهنمای تلفظ، فهرست جشنواره‌ها، شرح هامش‌ها، و نمایه است، و برگزیده‌ای از تصویرها، نمونه‌هایی از هنر مذهبی، نمادها، و اعمال و عادات مرتبط با زمان معاصر را نشان می‌دهند. در میان فصلهای هر کتاب، focus box‌ها با تفصیل بیشتر به بررسی ارتباط میان دین و برخی از جنبه‌های هنر - خواه نقاشی، تندیس‌سازی، معماری، ادبیات، رقص یا موسیقی - می‌پردازد.

امیدوارم شما این کتابهای موجز را خوشایند و روشنگر تشخیص دهید. می‌گویند ایجاز عصارة خرد است، این امر در ضمن ممکن است به آنچه ما در وهله نخست برای آشنایی با موضوعات فرهنگی و معنوی به آن نیازمندیم، منتج شود.

نینین اسمارت

سنته باربره، ۱۹۹۸

آشناسازیهای خردمندانه و قابل دسترس به شما برای کشف غنای هر سنت - اطلاع یافتن از تاریخچه، درک اعتقادها و اعمال عبادی، و همچنین آگاهی از تأثیر آن بر جهان معاصر - امکان می‌دهد. این کتابها توسط گروهی از افراد ممتاز و، روی هم رفته، پژوهندگان جوان که نماینده نسل جدیدی از نویسندهای مزبور، با توجه به تأثیرهای سیاسی و تاریخی دین، عرضه کردن جتبه معنوی آن به صورتی نغز و جذاب بوده است. بنابراین خواه شما صرفاً علاقه‌مند به شناخت توصیفی یک دین باشید، خواه علاقه‌مند به تحقیق درباره پیام معنوی آن، مطالعه این کتابهای موجز را ارزشمند خواهید یافت.

تأکید این کتابها بر عصر جدید است، زیرا که هر سنت دینی خودش را به رغم تجربه‌های تلغی و تکان‌دهنده دو قرن اخیر، یا بیشتر از دو قرن، تغییر داده است. استعمار، صنعتی شدن، ملت‌گرایی، احیای دین، دینهای نو، جنگهای جهانی، انقلابها، و دگرگونیهای اجتماعی بر دین بی تأثیر نبوده‌اند. و باعث شده‌اند تا نیروهای دینی یا ضد دینی جهان ما را تغییر شکل دهند. فناوری مدرن در بیست و پنج سال گذشته - از بوئینگ ۷۴۷ تا شبکه رسانه‌های بین‌المللی - جهان ما را بسیار کوچک نموده است.

ما در این کتاب با انسان عصر جدید آشنا می‌شویم که به مثابه نمونه‌ای از بسیاری از تحولات بوقوع پیوسته در خلال چند قرن گذشته است. در عین حال هر کدام از این کتابها ارائه‌دهنده شناختی ارزشمند درباره جنبه‌هایی مختلف از دین - آموزه‌ها، روایتها، سازمانها، مناسک، و تجربه‌ها - است. راجع به این جنبه‌ها، هر کتاب دیدگاهی شفاف درباره سنت عرضه می‌کند و شما را قادر می‌سازد تا از آنچه به یک مذهب مشخص اختصاص دارد، آگاهی پیدا کنید. به مصدق یکی از

بعد از میلاد	رویداد
۵۰ تقریباً	بازرگانان آسیای مرکزی آیین بودایی را در شمال چین اشاعه می‌دهند؛ نخستین دوره ترجمه متنهای بودایی به زبان چینی شروع می‌شود.
۱۰۰ تقریباً	Kaniska چهارمین نماینده آخرین شورای عمومی بودایی توسط تشکیل می‌شود.
۲۰۰ تقریباً	آیین بودایی توسط بازرگانان در جنوب شرقی آسیا اشاعه می‌یابد.
۳۰۰ تقریباً	آیین بودایی کمک در چین به صورت یک مذهب مهم در می‌آید. نفوذ آیین بودایی در کره شروع می‌شود.
۴۰۲	زایر چینی Fa - hsian برای دستیابی به متون بودایی به هند سفر می‌کند؛ دو میان دوره ترجمه متون بودایی خارجی به زبان چینی آغاز می‌شود.
۵۲۸	ورواد آیین بودایی از کره به ژاپن.
۶۳۰	زایر چینی Hsuan - tsang به هند سفر می‌کند.
۷۵۰ تقریباً	آیین بودایی رسماً در تبت استقرار می‌یابد؛ اوایل نصح گیری مکتب واجرہ یانه.
۷۵۰ تقریباً	احداث معبد بوربودور ^۱ در اندونزی.
۸۰۰ تقریباً	آیین بودایی چن [= ذن] و سرزمین پاک در چین در شمار مکتبهای مهم فرار گرفته؛ استقرار مکتبهای شینگون و Tendai در ژاپن.
۱۰۵۰ تقریباً	آیین بودایی توهاده در برمه رسمیت می‌یابد؛ سایر نحله‌های

قبل از میلاد	گاهشماری رویدادهای آیین بودایی
۵۶۰	تاریخ سنتی تولد بودا.
۵۳۱	کناره‌گیری بودا از زندگی شاهزادگی و پارسا شدن زی.
۵۲۵	بودا به روش نگری نابل می‌شود و شروع به موقعه می‌کند.
۴۸۰	تاریخ سنتی مرگ بودا.
۴۸۰ تقریباً	نخستین شورای بودایی در Rajagriha در Bihar؛ متنهای وینده و سوترا را استانده می‌کنند.
۳۸۶	دو میان شورای بودایی در Vaisali برگزار می‌شود؛ نخستین دو دستگی در نظام بودایی.
۲۴۴	تشکیل سومین شورای بودایی توسط آشوکا؛ قوانین شریعت آیین بودایی توهاده‌ای تدوین می‌گردد.
۲۴۰ تقریباً	آیین بودایی به سری لانکا راه می‌یابد.
۱۰۰ تقریباً	اوایل نصح گرفتن آیین بودایی ماهایانا.
۵۰ تقریباً	نخستین کتابهای مقدس در سری لانکا نوشته می‌شوند.

انگلیسی می‌کند.	
پارلمان بین‌المللی ادیان در شیکاگو، مردم امریکا را با آیین بودایی آشنا می‌کند.	۱۸۹۳
جامعة بودایی امریکا برای تعلیم دادن ذن در نیویورک سیتی تأسیس می‌شود.	۱۹۲۱
جامعة بودایی ملی‌گرای شدیداً افراطی Shoshu Nichiren Soka Gakkai در ژاپن تأسیس شد؛ این جامعه همچنان فعال است.	۱۹۳۱
کلیساهاي بودایی امریکا برای یکی کردن گروههای مختلف بودایی سرمیں پاک امریکای شمالی ایجاد شدند.	۱۹۴۴
کمونیست‌ها در چین به قدرت رسیدند؛ آغاز سرکوبی آیین بودایی.	۱۹۴۹
دوهزار و پانصد میلیون سال آیین بودایی با گرد همایی عده کثیری از مردم در برمه جشن گرفته شد.	۱۹۵۰
نخستین گروههای ذن در امریکا شروع به فعالیت کردند.	۱۹۵۰ تقریباً
بی.آر. آمبدکار به احیای آیین بودایی در هند اقدام می‌کند.	۱۹۵۶
نبردهایی که در جنوب شرقی آسیا جریان داشت، باعث توجه افکار عمومی مردم امریکا به آیین بودایی شد؛ نخستین معلمان آیین بودایی تروهادهای به امریکا آمدند.	۱۹۶۵ تقریباً
شروع انقلاب فرهنگی چین؛ در این انقلاب بسیاری از گنجینه‌های آیین بودایی چینی نابود شدند.	۱۹۶۷
نخستین معلمان مکتب واجره‌یانه در امریکا شروع به تدریس کردند.	۱۹۶۸
خمرهای سرخ در کامبوج به قدرت رسیدند؛ بسیاری از	۱۹۷۵

آیین بودایی در سرتاسر جنوب شرقی آسیا به اوج شکوفایی خود می‌رسیدند.	۱۸۷۳
احداث حومه Sakyapa در نیت؛ شروع جنبش اصلاحی در آیین بودایی واجره‌یانه.	۱۱۷۵
مکتب رینترای ذن در ژاپن استقرار می‌یابد.	۱۲۰۰
مهاجمان مسلمان در هند بعد از یک دوره طولانی ضعف و فترت ضربه مهلكی بر آیین بودایی می‌زنند.	۱۲۰۰ تقریباً
مکتب سرمیں پاک (جودو) آیین بودایی در ژاپن مستقر می‌شود.	۱۲۴۰
مکتب Soto از آیین بودایی ذن در ژاپن ایجاد می‌شود.	۱۲۵۰
مکتب سرمیں پاک حقیقی (شین جودو) آیین بودایی در ژاپن به وجود می‌آید.	۱۳۰۰
آیین بودایی تروهاده در تایلند به صورت آیین رسمی در می‌آید؛ بعد از این کامبوج نیز فوراً از این آیین تبعیت می‌کند.	۱۳۶۰
آیین بودایی تروهاده در لائوس مستقر می‌شود.	۱۴۵۰
تسونگ کاپا مکتب گلوگپای واجره‌یانه را بناد می‌کند؛ این مکتب بر آیین بودایی واجره‌یانه تسلط می‌یابد و توسط دالاین لاما رهبری می‌شود.	۱۴۷۰
مهاجران چینی و ژاپنی آیینهای مختلف بودایی را به هاوایی و بخش غربی ایالات متحده انتقال می‌دهند.	۱۸۸۰
هنری استیل الکوت اقدام به احیای آیین بودایی در سریلانکا می‌کند.	۱۸۸۱
انجمان نسخه‌های خطی زبان پالی تأسیس می‌شود و اقدام به ترجمه متون مقدس آیین بودایی تروهاده به زبان	

راهیان بودایی به قتل رسیدند.	
گرایش‌های ملی گرایانه در میان برخی از راهیان بودایی در سری لانکا به گسترش جنگ داخلی در این کشور کمک کرد.	۱۹۸۰ تقریباً

۱

آشنایی: سه سرلوحه^۱

تره واده^۲: طرز انصباط

جزیره زیبای سری لانکا در جنوب شرقی آبهای ساحلی هند قرار گرفته است. سرزمینی سرسبز و گرم‌سیری که فقط چند درجه‌ای با خط استوا فاصله دارد. در این سرزمین نشانه‌های آین بودایی را در همه جا می‌توان دید. در پایتختهای باستانی واقع در شمال، که اکنون به صورت شهرهایی کم جمعیت درآمده‌اند، آنه راده پوره^۳ و پلونارو وا^۴، ویرانه‌های بزرگ به جا مانده، گواه بر دلستگی و ایمان پادشاهان پیشین سری لانکا به آین بودایی است. در پلونارو وا، پیکره‌های عظیم بودا که از سنگ تراشیده شده‌اند مانند پیام‌آورانی خاموش از تاریخ گذشته، امروز نیز همچنان از

1. Three vignettes.

2. Theravada.

3. Anuradhapura.

4. Polonnaruwa.

در بر دارنده اثری از بودا - یکی از دندانها یش - باشد. در آن طرف دریاچه، بعد از مالیگاو، مالواتا^۱، صومعه بزرگ مرکزی سیام نیکایا^۲، قرار گرفته است، که بزرگترین صومعه گروه مجرد راهبان بودایی جزیره محسوب می شود. نه خیلی دور، در قسمت دیگر شهر صومعه مهم دیگری در کاندی دیده می شود. این صومعه نامش آسگیری^۳ است، که صومعه ای است مهم و دومن گروه بزرگ راهبان را در خود جا داده است. در سراسر شهر و در نواحی روستایی پیرامون آن، وجود شمار زیادی زیارتگاه های کوچک و اقامتگاه های رهبانی، مؤید دلستگی عامه مردم به ریشه ها و بنیادهای مذهبی خویش است.

اما همه بناهای بودایی در سری لانکا قدمت تاریخی ندارند. در حدود پنج یا شش مایلی جنوب کاندی، در میان کوه ها، یک بنای نو، متعلق به جامعه بودایی دیده می شود. از این محل، که در شیب تند کوهی بنا شده است، به عنوان مرکزی برای تجمع مردم محلی و هم برای جلب توجه خارجیانی که می خواهند نمونه ای از فرهنگ بودایی را ملاحظه کنند، استفاده می شود. مانند تمام بنیادهای بودایی تره واده، محل مزبور به سیاح خارجی دو تصویر ظاهرآً متناقض از آئین بودایی عرضه می دارد. در یک سو، زیارتگاه های مخصوص بودا، مجلل، رنگارنگ، و متکلفند و از سوی دیگر، راهبانی که در گوش و کنار این مکان دیده می شوند در نهایت سادگی زندگی می کنند. با این همه، این تصویرهای متناقض می توانند برای به وجود آوردن یک کل منسجم در جهان بینی تره واده ای در نظر گرفته شوند. بودایی ها معتقدند که هم خود زندگی یک تجربه رضایت بخش نیست و هم بعد از اینکه می میریم به کرات در جهان متولد

1. Malvatta.

2. Siyam Nikaya.

3. Asgiri.

حرمت و تقدس برخوردارند. اما آئین بودا، صرفاً یک اثر مرده از گذشته ای باشکوه نیست. امروز هم در سری لانکا، نزدیک به ۷۵ درصد جمعیت این جزیره از دستورهای بینانگذار آئین بودا، سیدارتا گوتاما، پیروی می کنند، همان طور که همه بودایی ها از اوایل پیدایش این آئین، در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد تا به حال عمل کرده اند. افزون بر این، بسیاری از سری لانکایی ها می خواهند با ورود به سانگه^۱ - انجمن راهبان و راهبه های بودایی - بیشتر از پیش از دین خود تبعیت کنند. اکنون، راهبه های رسمی بودایی در سری لانکا وجود ندارند، اما همیشه وضع چنین نبوده است. آئین بودایی، از قدیم به خاطر طرز نگرش مثبتش نسبت به زنان مورد توجه بوده است، و زنان در بیشتر دوران تاریخ این آئین تقریباً پایه پای مردان در پی روشنگری^۲ بوده اند.

از دیدگاه سری لانکایی ها، آئین بودایی یک دین زنده است که برای آنها زندگی کاملی را تدارک می بیند. این موضوع در هیچ کجا بیش از کاندی^۳، پایتحت پادشاهی مستقل پیشین سری لانکا، قبل از آنکه این کشور زیر سلطه بریتانیا در ۱۸۱۵ درآید، آشکار نیست. کاندی، شهری که در پناه دره ای عمیق در وسط منطقه ای کوهستانی بنا شده است، از دیر زمان به عنوان مرکز آئین بودا در سری لانکا مورد توجه بوده است. علاقه و دلستگی کاندی ها به آئین بودا به هرجا که شخص نگاه کند نمایان است. در کرانه دریاچه مرکزی اش دو محل از مقدس ترین مکانهای بودایی سرزمین سری لانکا قرار دارند.

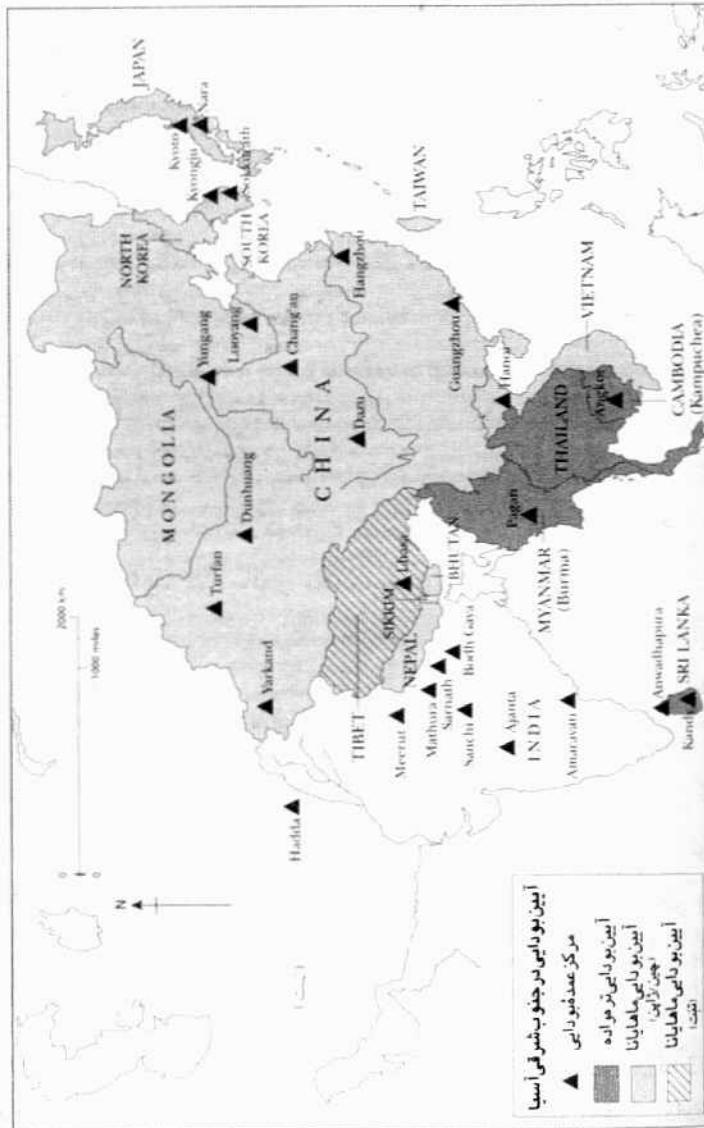
در یک طرف این دریاچه دالادا مالیگاو^۴، معبد دندان، واقع شده است، علت این نامگذاری آن است که گمان می کنند معبد مزبور

1. Sangha.

2. Enlightenment.

3. Kandy.

4. Dalada Maligawa.



می شویم. این چرخه مرگ و تولد مجرد، سامسارا^۱ نامیده می شود. زیارتگاه های مجلل فراوانی که وقف بودا شده اند، به خاطر بزرگداشت این آموزگار بزرگ که به موجودات بشری راه برون شدن از رنج سامسارا را نشان داد، به وجود آمده اند.

بر سردر ورودی صومعه، شخص نخست سنگ بزرگ تاق را مشاهده می کند که مرز میان قلمرو دنیوی روزمره همیشگی و قلمرو مقدس صومعه را مشخص می کند. بجز یک سنگ بالای در که بر روی آن تصویر چرخی با هشت پره حکاکی شده است، هیچ گونه علامت شاخص دیگری این مرز را مشخص نمی کند. به تعبیری، این علامت ساده در بر دارنده کل آموزش بوداست. هشت پره چرخ، بر جاده ای هشت جانبه^۲ که بودا آن را به عنوان راه رسیدن به رهایی از رنجهای جهان روزمره تبلیغ کرد، دلالت می کند. توبی چرخ نمایانگر نیروانی^۳ است، هدفی که همه بودایی ها برای رسیدن به آن تلاش می ورزند. نیروانی چیزی توصیف ناپذیر است و از جهانی که ما آن را تجربه می کنیم، بسیار متفاوت است. اما، در واقعی ترین مفهوم، نیروانی عبارت است از صلح ابدی.

عالی ترین صومعه فراز تپه زیارتگاه اصلی محسوب می شود که به بودا اختصاص یافته است. در مدخل این زیارتگاه، در هوای خنک نیمه تاریک، شخصی بر سکو نشسته است. داخل زیارتگاه فقط از چند پنجره کوچک که در بالای دیوارهای اتاق تعییه شده اند، نور به درون می تابد و هوا را روشن می کند، چند عدد شمع هم در محراب می سوزند. به طور غیر ارادی، همه گفت و گوها متوقف می شوند. در تالار هر چیزی را به نحوی قرار داده اند که باعث آرامش ذهن شود و توجه زائران را به سوی پیکره اصلی بودا جلب کند.

1. Samsara.

2. Eightfold Path.

3. Nirvana.

دیوارها باز هم تصویرهای دیگری به چشم می‌خورند که به‌طور مشروح مراحل زندگی و آموزش بودا را نشان می‌دهند. در غالب اوقات، تنها کسانی که در مراسم برگزاری پوجای روزانه حضور دارند، راهبانی هستند که در همین جا به سر می‌برند. این قاعده در روزهای اول ماه نو [هلال] و روزهای آخر ماه [ابدر] تغییر می‌کند. این‌گونه روزها، در سری لانکا روزهای پویا^۱ نامیده می‌شوند، اینها روزهای مقدس تراواده‌ای به شمار می‌آیند، و بسیاری از روستاییان به راهبان می‌پیوندند و در مراسم عبادی آنها شرکت می‌کنند.

درست در پایین زیارتگاه، صومعه‌های دیگری وجود دارند. در طرف راست، بنایی بزرگ مشاهده می‌شود که از آن به جای یک مدرسه استفاده می‌کنند. در اینجا، برای آموزش اصول آئین بودایی به کودکان، کلاس‌هایی به‌طور منظم دایرند. همچنین در اینجا، کلاس‌هایی برای آموزش به خارجیان علاقه‌مند به آئین بودایی وجود دارند. موقعی که از این بنا برای آموزش درس‌های دینی استفاده نمی‌شود، از کلاس‌های آن، به جای یک مدرسه عادی استفاده می‌کنند. این ارتباط میان آئین بودا و آموزش و پرورش از همان بدی پیدایش این آئین برقرار بوده است. از سایر بناها برای خوابگاه مهمانان، دفترهای اداری، و آشپزخانه استفاده می‌شود. این آشپزخانه یک نوع بدعتگذاری است.

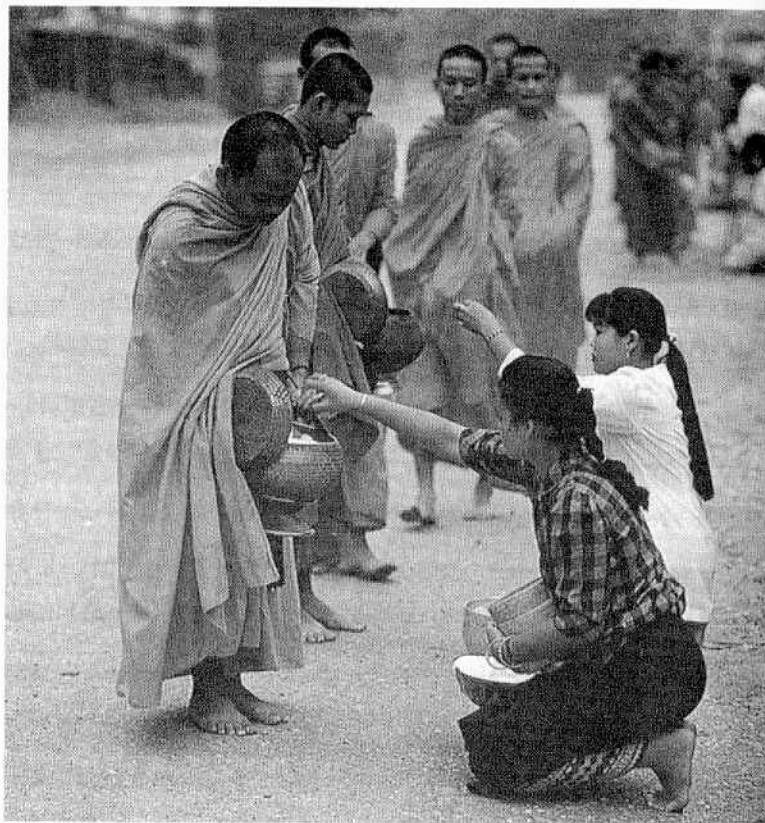
به‌طور سنتی، راهبان بودایی تره‌وادایی، با سرهای از ته تراشیده و رداهای نارنجی، در حدود ساعت نه با مدداد از صومعه بیرون می‌آمدند و در روستاهای نزدیک، خانه به خانه می‌رفتند و غذای روزانه خود را گذاشته می‌کردند. این غذاها در کاسه‌های بزرگی که هر راهب یکی از آنها

1. Poya days.

این پیکره بودا در حدود پانزده پا ارتفاع دارد. ساختن پیکره بودا با قامی چنین بلند، به این سبب نیست که بودایی‌ها واقعاً معتقدند که او این اندازه بلند قامت بوده است، بلکه این امر به‌طور نمادین برای نشان دادن عظمت فضایل بود است. اما این پیکره متعلق به شهر پلونارووا از سنگ عادی و ساده تراشیده نشده است. در این پیکره مجموعه‌ای از رنگهای جالب، انواع نارنجی، سیاه، سرخ، سبز، مشاهده می‌شود و از همه این رنگها برای خلق تصویر یک موجود زنده به‌نحوی مطلوب استفاده شده است. تمام پیکره‌های دیگر نشان‌دهنده نخستین شاگردان بودا هستند که پیکره اصلی را در میان گرفته‌اند، پیکره‌های اخیر نیز مانند پیکره بودا با رنگهای شاد رنگ‌آمیزی شده‌اند، به‌طوری که در نگاه اول مانند موجوداتی زنده به‌نظر می‌رسند که در زمان و مکان منجمد شده‌اند.

درست در برابر پیکره بودا، محراب قرار گرفته است. نظر به اینکه پوجای^۱ روزمره مختص پیشکش کردن هدایا در اینجا برگزار می‌شود، روی میز محراب ظرفهای پر از میوه، دسته‌های گل، و تنگ آب قرار داده‌اند. این آئین برگزاری نمادین پیشکش کردن هدایا که بر قربانی کردن حیوانات (یا حتی انسان) ترجیح داده شده است، به‌نظر می‌رسد که توسط بودایی‌ها ابداع شده باشد و از سوی آنها به آئین هندو، دین دیگر بزرگ هند، راه یافته است. هدف از برگزاری چنین مراسمی، دادن رشوه با آرام ساختن یک مخدای خشمگین نیست، بلکه عرض سپاس و ستایش به یک آموزگار مقدس است. در هر دو جانب محراب شمعدانهایی برای روشن کردن شمع که به منزله هدیه‌های نمادین روشنایی است، قرار داده‌اند. بوی ملایم و مطبوع دودزای بخور در همه‌جا پیچیده است. در اطراف

1. Puja.



راهبان تره‌واهه‌ای از رهگذران صدقه می‌گیرند. مردم عادی، با حمایت از راهبان، برای زندگی این دنیا و زندگیهای دنیاهای بعدی، از شایستگی برخوردار می‌شوند.

راه تدارک دیدن ضروریات زندگی راهبان از جمله خوراک، پوشاسک، و دارو بود. مراقبه فعالیتی بود که فقط راهبان به آن می‌پرداختند. اکنون در

را به وسیله یک تسمه پارچه‌ای به شانه‌اش می‌آویخت، جمع می‌شد. راهبان بعد از گردآوری خوراکشان، به صومعه مراجعت می‌کردند و قبل از ظهر به صرف ناهار می‌پرداختند، زیرا بر حسب قوانین رهبانی خوردن هر نوع غذای سفت دیرتر از آن موقع، غدغن است. امروزه، با ورود دانشجویان خارجی، راهبان در این صومعه خاص، تصمیم گرفتند آشپزخانه‌ای ایجاد کنند. اما، آنها غذا را خودشان طبخ نمی‌کنند. انجام دادن این کار همچنان ممنوع است. تقریباً، زنان ساکن روستا برای افتخار پیدا کردن در پختن غذای راهبان با هم رقابت می‌کنند. از دیدگاه بوادیه‌های عادی و غیرروحانی، بخشیدن اشیا به راهبان یا خدمت کردن به آنان، راهی است مطمئن برای حصول شایستگی و برخوردار شدن از یک تولد دوباره بهتر.

پایین‌تر از دامنهٔ تپه، دور از هیاهو و جنب و جوش محبوطه اصلی، اقامتگاه واقعی خود راهبان قرار دارد. هر راهب کلبهٔ مخصوص به خود را دارد. راهب در این کلبه، یک تختخواب، یک میز و صندلی، و تقریباً چند جلد کتاب دارد. نحوهٔ گذران زندگی روزمرهٔ راهب، معمولاً به وظایفی که به او محول شده است، بستگی دارد. در کشورهای تره‌واهه^۱، راهبان معمولاً به طور غیررسمی به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخستین گروه، راهبان روستایی‌اند که شغل اصلی شان آموزش و برآوردن نیازهای بوادیه‌های عادی و غیرروحانی است و گروه دوم، راهبان جنگلند، که گروه بسیار کوچکی است. فعالیت اصلی گروه اخیر، به مراقبه نشستن است. تا همین اواخر، مراکزی که مخصوص آموختن مراقبه به مردم عادی باشد، وجود نداشت. فعالیت عمدهٔ اشخاص عادی، کسب شایستگی از

1. Theravada countries.

بحث شده است - (جنیانه)^۱ در مرحله اول دستیابی به آرامش روانی (ساماتا)^۲، و در آخرین مرحله مهم، مراقبه خردمندانه (ویپاسنه)^۳ که به روش نگری و خاتمه یافتن تولد مجدد منتهی می‌شود.

ذن^۴: شیوه مراقبه

با در نظر گرفتن اهمیت همیشگی مراقبه، شکفت آور نیست که راهبان در دیگر قسمتهای قلمرو بودایی، فنون مراقبه‌ای متناسب با مقتضیات جوامع خاص خود را پدید آورده‌اند. یکی از بنیادی‌ترین این مکتبها، شکلی است از آین بودا که در غرب تحت اصطلاح کلی ذن مشهور است. از بعضی جهات، یک صومعه بودایی ذن، احساسی نسبت به مراقبه دارد که به نحوی چشمگیر با آنچه به صومعه بودایی تره‌واده تعلق دارد، شیوه است. در مورد مفهوم آرامش و هدف اصلی، احساس یکسانی وجود دارد، اما از بسیاری جهات دیگر، یک فرق واقعی نیز وجود دارد؛ حتی راهبان متفاوت به نظر می‌رسند. مانند سایر خویشاوندان تره‌واده‌ای خود، آنها هم سرشان را از ته می‌تراشند، اما به جای پوشیدن رداهای نارنجی، این راهبان، رداهایی به رنگ سیاه بر تن می‌کنند که بیشتر با آب و هوای سردتر شمال شرقی آسیا متناسب‌اند.

یک مثال مناسب از هر دو این شباهتها و تفاوت‌های میان راهبان سری لانکایی و ژاپنی را در صومعه مرکزی سوتو^۵ ذن ایهی - جی^۶ می‌توان

1. Jnana.

3. Vipasyana.

5. Soto.

2. Samatha.

4. Zen.

6. Eihei - ji.

کشورهای تراواده، نهضتی در جهت مراقبه غیرحرفه‌ای^۷ نیز به وجود آمده است، و مراکزی برای آموختن شیوه‌های مراقبه به مردم عادی تأسیس شده است.

در حالی که مرکز کاندیانی^۸ اصلاً به عنوان یک گوشة عزلت برای راهبان جنگلی در نظر گرفته نشده است، برخی از ساکنانش از این نوع سبک زندگی تعیت می‌کنند. این به آن معناست که آنها تا جایی که ممکن است از ارتباط با جهان کناره‌گیری می‌کنند. از این‌رو، راهبی که می‌خواهد این مسیر خاص را برگزیند، می‌باید سبک زندگی اش را از بین و بن دگرگون سازد. او از معاشرت با خانواده و دوستانش می‌پرهیزد، و در سراسر سال از رفتن به مجتمع عمومی، جز برای شرکت جشن در چند مراسم آینی خودداری می‌ورزد. این محدودیتها یک هدف مشخص دارند: رسیدن به نیروانا. برای نیل به چنین هدفی، راهبان عقیده دارند که باید یک زندگی توأم با انضباط داشته باشند. این انضباط از قوانین اخلاقی و رفتاری که حدود ۲۵۰۰ سال پیش از سوی بودا وضع شدند و بعداً در نخستین مجموعه مقدس - وینه‌یه^۹ - سه جلدی آین بودا به رشتہ تحریر درآمدند، نشئت می‌گیرد.

این انضباط بنیان اساسی عمل دینی راهبان است. صرفاً بعد از تسلط بر جسم و جان و به واسطه زندگی توأم با انضباط است که راهبان می‌توانند به نحوی مؤثر به مراقبه بنشینند. اما، یادگیری به مراقبه نشستن، سهول و آسان نیست. راهبان باید ساعتهای بسیاری را برای کامل کردن فن مراقبه‌گری خود صرف کنند. رساله جامع ویژه‌ای درباره این فن به رشتہ تحریر درآمده است. در رساله مزبور از هشت مرحله گام به گام معرفت

1. Lay meditation.

3. Vinaya.

2. Kandyan.

شده، قرار داده‌اند.

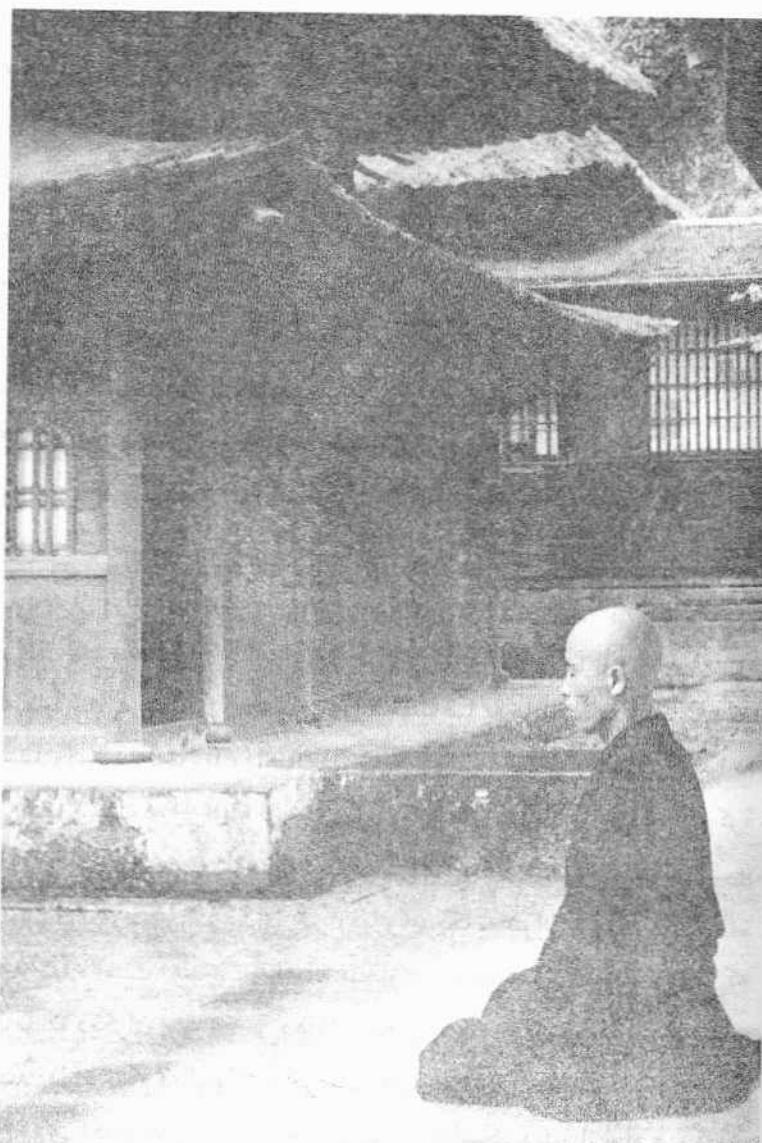
این سادگی بی‌پیرایه برای ایجاد یک فضای ساکت و آرام که برای به مراقبه نشستن مناسب است، در نظر گرفته شده است. بسیاری از راهبانی که دورهٔ آموزشی را در صومعه طی می‌کنند، فقط مدت زمان نسبتاً کوتاهی در آنجا به سر خواهند برد. در ژاپن مجاز بودن راهبان برای ازدواج مرسوم شده است، این امر در اکثر مذاهب آئین بودا جایز نیست. همچنین برای پسران، به اirth بردن موقعیت و مقام پدران خویش به عنوان رؤسای معبد‌های ذن محلی پراکنده، در سراسر ژاپن به صورت سنت درآمده است. اما برای تحقق یافتن چنین امری، آنها باید اثبات کنند که به حد معینی از مهارت در مراقبه نایل آمده‌اند. رسیدن به چنین حدی مستلزم گذراندن دو یا سه سال دورهٔ آموزشی در محیط رهبانی است. فقط چند نفری از راهبان تمام زندگی‌شان را به جست‌وجو برای رسیدن به روش‌نگری و سراسر عمرشان را به اقامت و ماندن در صومعه اختصاص می‌دهند.

برنامهٔ زمان‌بندی شدهٔ دورهٔ آموزشی در ایهی - جی برای شخص علیل‌المزاج مناسب نیست. راهبان در کشورهای تره‌واده‌ای، تمایل دارند که محل زندگی مجزای خاص خود را داشته باشند؛ در صومعه‌های ذن، راهبان معمولاً در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند. راهبان پیش از طلوع آفتاب از خواب بیدار می‌شوند و با آب سرد استحمام می‌کنند، سپس به اتاق زیارتگاه می‌روند و مراسم نیایش صحیح‌گاهی را برگزار می‌کنند. بسیاری از اروپاییان و امریکاییان گمان کرده بودند که ذن آیینی فاقد مناسک عبادی و کتب مقدس است. علت این امر آن بود که قدیمی‌ترین نویسنده‌گانی که به زبان اروپایی دربارهٔ ذن مطالبی نوشته‌اند، بر مراقبه توجه کرده‌اند، اغلب در ارتباط با همین موضوع است که آنها از سایر

مشاهده کرد. این صومعه در ۱۲۴۳ م. توسط دگن استاد کبیر ذن ژاپنی بنیاد نهاده شد. صومعه مزبور که در میان کوه‌های منزوى و پر فراز و نشیب پوشیده از جنگل غرب ژاپن بنا شده، هنوز هم به سبب سختی دورهٔ آموزشی انضباطی اش مورد توجه است. شخص می‌تواند تأثیر نمایانی را که ذن بر درون گرایی^۱ داخلی خود معماری صومعه نهاده است، ملاحظه کند. ایهی - جی با دیواری سفید که فقط یکی دو در دارد و به طور نویتی بسته و کلون شده‌اند، محصور گردیده است. اما موقعی که شخص به درون صومعه رخست و رود پیدا می‌کند، یک دنیای جدید کامل به روی او گشوده می‌شود.

مانند بیشتر صومعه‌های سنتی ژاپنی، ایهی - جی در پیرامون یک ردیف حیاط بنا شده است. این حیاطها اغلب دارای باغچه‌هایی کوچک‌ند، که یا در آنها درخت و گل و گیاه کاشته‌اند یا به طور نمادین به وسیلهٔ کنار هم چیدن انتزاعی قطعه‌های سنگ و شن تزیین شده‌اند. اتاقها را به وسیلهٔ حایلهایی از کاغذ برنج^۲ از هم مجزا شده‌اند و کف‌شان را با تاتامی^۳، حصیری که بوی خاصی در اتاق ایجاد می‌کند، مفروش کرده‌اند. این اتاقها معمولاً فاقد مبلمان هستند، و فقط چند تشكیل دارند. در شب، موقعی که رختخوابها را از کمدهای دم دست بیرون می‌آورند و بر زمین پهن می‌کنند، از همین اتاقها به جای خوابگاه استفاده می‌کنند. یگانه تزیین اتاق ممکن است یک تاقچه کوچک دیواری باشد که در آن تصویری را که با مرکب ترسیم شده، آویخته باشند، یا ممکن است یک ضرب المثل پرمغز آئین ذن باشد که به وسیلهٔ قلم مویی لطیف با مرکب خوشنویسی شده است. در برابر اینها یک گلدان کوچک را با چند گل بدقت آراسته

1. Introspection.
2. Rice paper.
3. Tatami.



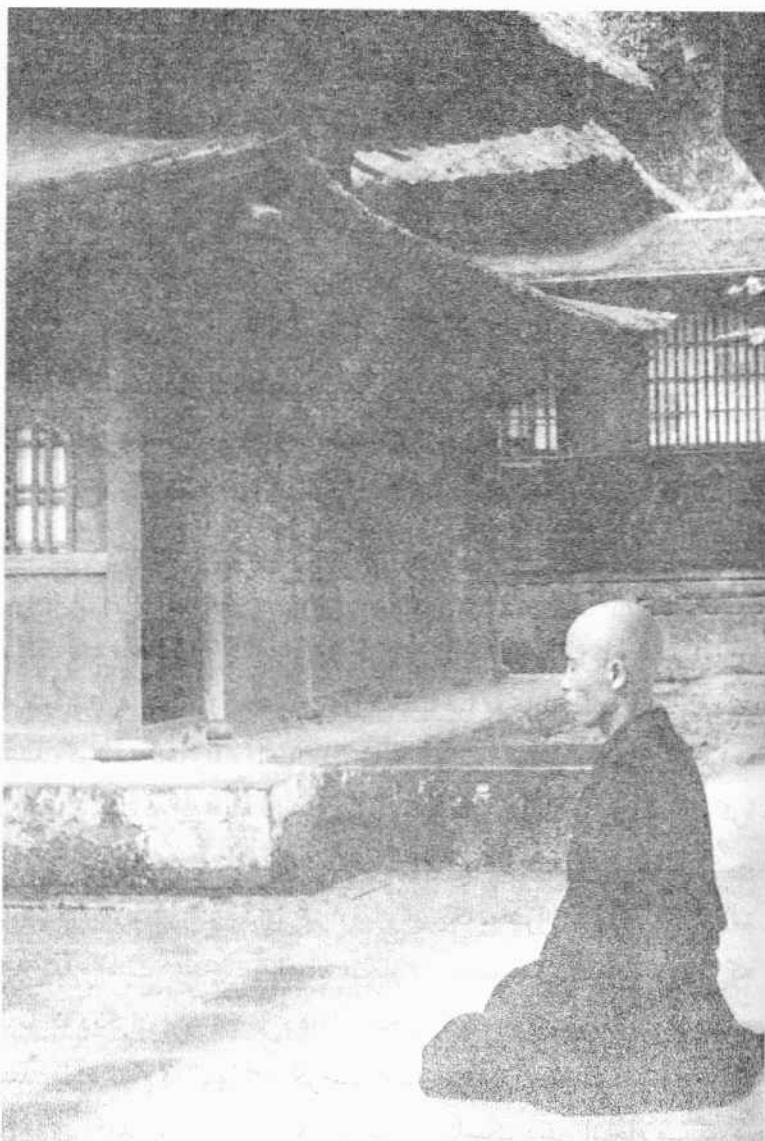
راهبان ذن برای رسیدن به «آگاهی» مناسک تجویز شده را برگزار می‌کنند، حالت «توجه» که تمرکز فکر را افزایش می‌دهد و برای نیل به هدف روشن نگری محدود است.

جنبه‌های آیین ذن غافل مانده یا توجهی نشان نداده‌اند. در واقع، همان طور که در دیگر مکتبهای آیین بودا معمول است، ذن دارای مناسک پیچیده و متنوع فراوانی است که برای بزرگداشت و ادائی احترام نسبت به بودا در نظر گرفته شده‌اند.

اما کارورزان واقعی ذن، از تمام این اعمال برای ژرفتر ساختن مراقبه خود استفاده می‌کنند. موقعی که یک راهب ذن به حمام می‌رود، یا مشغول خوردن غذاست، یا آماده رفتن به بستر است، هر کدام از این اعمال، یکی از مناسک مقرر شده به شمار می‌اید. در واقع، سراسر زندگی راهب ذن با این‌گونه مناسک مشخص می‌شوند. باید به خاطر داشت که این مناسک به خودی خود مهم تلقی نمی‌شوند، بلکه به آنها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف نگاه می‌کنند. هدفان، مانند قاعدة انضباط راهبان تره‌واده‌ای، عبارت است از برانگیختن توجه راهب به طوری که او هشیارانه نسبت به هر کاری که انجام می‌دهد، واقف و آگاه باشد. این «توجه کردن» را هشیاری می‌نامند و همواره در آیین بودا به عنوان یکی از راههای اولیه رسیدن به روشن نگری مورد نظر بوده است.

بعد از نیایش صبحگاهی، راهبان ایهی - جی، نخست لحظاتی را به مراقبه می‌پردازند که بین یک تا یک و نیم ساعت طول می‌کشد. اولین چیزی که مراقبه‌کنندگان فرا می‌گیرند، حالت نشستن صحیح برای مراقبه است. این حالت، نشستن روی زمین به صورت چهار زانوست که به حالت نیلوفر آبی^۱ شهرت دارد. با نشستن بر یک بالشتک، سُرین بالا می‌آید که در نتیجه آن، پشت صاف می‌ایستد و سر حالتی افراشته به خود می‌گیرد و دستها هم روی دامن قرار می‌گیرند.

1. Lotus position.



راهبان ذن برای رسیدن به «اگامی» مناسک تجویز شده را برگزار می‌کنند، حالت «توجه» که تمرکز فکر را افزایش می‌دهد و برای نیل به هدف روشن‌نگری مفید است.

جبهه‌های آینین ذن غافل مانده یا توجهی نشان نداده‌اند. در واقع، همان طور که در دیگر مکتبهای آینین بودا معمول است، ذن دارای مناسک پیچیده و متنوع فراوانی است که برای بزرگداشت و ادائی احترام نسبت به بودا در نظر گرفته شده‌اند.

اما کارورزان واقعی ذن، از تمام این اعمال برای ژرفتر ساختن مراقبه خود استفاده می‌کنند. موقعي که یک راهب ذن به حمام می‌رود، یا مشغول خوردن غذاست، یا آماده رفتن به بستر است، هر کدام از این اعمال، یکی از مناسک مقرر شده به شمار می‌آید. در واقع، سراسر زندگی راهب ذن با این‌گونه مناسک مشخص می‌شوند. باید به خاطر داشت که این مناسک به خودی خود مهم تلقی نمی‌شوند، بلکه به آنها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف نگاه می‌کنند. هدف‌شان، مانند قاعده انصباط راهبان تره‌واده‌ای، عبارت است از برانگیختن توجه راهب به‌طوری که او هشیارانه نسبت به هر کاری که انجام می‌دهد، واقف و آگاه باشد. این «توجه کردن» را هشیاری می‌نامند و همواره در آینین بودا به عنوان یکی از راههای اولیه رسیدن به روشن‌نگری مورد نظر بوده است.

بعد از نیایش صبحگاهی، راهبان ایهی - جی، نخست لحظاتی را به مراقبه می‌پردازند که بین یک تا یک و نیم ساعت طول می‌کشد. اولین چیزی که مراقبه کنندگان فرا می‌گیرند، حالت نشستن صحیح برای مراقبه است. این حالت، نشستن روی زمین به صورت چهار زانوست که به حالت نیلوفر آمی^۱ شهرت دارد. با نشستن بر یک بالشتک، سُرین بالا می‌آید که در نتیجه آن، پشت صاف می‌ایستد و سر حالتی افراشته به خود می‌گیرد و دستها هم روی دامن قرار می‌گیرند.

1. Lotus position.

آنها، بعد از صرف صبحانه، تا اواسط بعدازظهر، موقع صرف کردن غذای بعدی، به تمرين مراقبه بیشتری تن در می دهند. آنگاه، آنها برای محافظت از صومعه و اشیای محدود متعلق به خود از همدیگر جدا می شوند. در پایان روز نزدیک به غروب، دعا و نیایش دیگری برگزار می شود. بعد از آین، راهبان مجازند بخوابند، یا اگر مایل باشند، به مراقبه مخصوص به خود در شب ادامه دهنند.

واجره یانه^۱: راه و رسم مناسک

همه مکبهای بودایی مراقبه را به عنوان جوهر اصلی اعمال دینی شان تلقی می کنند. اما هر مكتب تعريف خاص خودش را در مورد ویژگیهای برگزاری مناسک دینی دارد. این امر تا همین اواخر در نیویورک سیتی مشخص نبود. اگر میل دارید، مادیسن اسکور گاردنز^۲ را که مالامال از جمعیت است، مجسم کنید؛ یک منظره نامعمول نیست، زیرا که گاردنز غالباً پر است از طرفداران بازی بیس بال یا کسانی که برای تیم ها کی روی یعن مورد علاقه خود ابراز احساسات می کنند. اما اکنون در روی زمین گاردنز هیچ گونه تیم ورزشی به چشم نمی خورد، فقط مردی دیده می شود که بر سکوی بلندی نشسته است و ردا یی به رنگ روشن برتن کرده است. در اطراف او عده ای دیگر در حالی که لباسهایی با ظرافتی کمتر پوشیده و کلاههای بلند پردار زردرنگی بر سر نهاده اند، دیده می شوند. این افراد با صدایهای بم، به خواندن سرود و نواختن آلات موسیقی نامتعارف

مراقبه ذن دو روش اساسی دارد: روش نخست، که در مكتب سوتو عمل می شود، عبارت است از تخلیه کردن ذهن و رسیدن به یک حالت مراقبه ای ژرف؛ این امر از راه فتونی مانند توجه کردن شخص به تنفس خوبیش انجام می گیرد. اگر شخص عمیقاً به اندازه کافی به درون این حالت مراقبه ای نفوذ کند و دستور کارورزان سوتورا راعایت کند، به ادراک حقیقی طبیعت واقعیت و از این رهگذر به روشن نگری خواهد رسید. روش دوم، که در مكتب دینزایی^۳ عمل می شود، دارای هدف یکسان است. این مكتب از سوتو در استفاده اش از گوآن ها^۴ متفاوت است. یک گوآن نوعی معما است که به نظر می رسد پاسخ منطقی نداشته باشد. فایده این تمرين، استفاده از گوآن برای گذشتن از منطق مادی ثنوی^۴ و رسیدن به شناخت طبیعت حقیقی واقعیت است.

بعد از مراقبه، راهبان سرانجام می توانند چیزی بخورند. رژیم غذایی در یک صومعه ذن به گیاهخواری گرایش دارد. برخلاف راهبان تره واده، که مجازند به شرطی که حیوانی را مخصوصاً به خاطر آنها ذبح نکرده باشند، گوشت بخورند، راهبان ذن نباید پروتئین حیوانی مصرف کنند؛ به این دلیل است که این همه بر خوردن پروتئین های گیاهی مانند آنچه در کره سویا وجود دارد و همانگی مناسب انواع غذاهای مختلف تأکید می شود. این نوع رژیم غذایی در اروپا و امریکا به عنوان رژیم غذایی سالم رایج شده است. همچنین راهبان مجاز نیستند، دست کم در موقعی که دارند به دیگران آموزش می دهند، سیگار بکشند یا نوشابه الکلی مصرف کنند. مانند تمام فعالیتهای دیگرشان، غذا خوردن و تمیز کردن پس از آن، به نحوی آگاهانه، و توأم با راعایت آیین و مناسک دینی انجام می گیرد.

1. Rinzai.

2. Koans.

3. Riddle.

4. Dualistic mundane logic.

به سوی روش نگری بر یک رشته از دوران زندگیها^۱ تدریجی انجام می‌پذیرد، متمایز می‌سازد. مکتب تبّتی معتقد است که یک نفر می‌تواند به روش نگری در یک دوران زندگی نایل آید، به شرط اینکه برای دل به دریا زدن حتمی آماده شده باشد. در آئین بودایی تبّتی، واجره‌یانه، بر روش نگری ناگهانی، نامی دیگر اطلاق شده است: روش صاعقه^۲.

پاگشایها صورت ویژه‌ای از آئین بودایی تبّتی به شمار می‌آیند، سنتی که با کمک آن مکتب مزبور پیشرفت کرد، قترة^۳ بود. تتره‌گرایی مبتنی بر این بود که اگر شخص می‌خواهد به سوی نیروها پیشرفت کند، پاگشایی توسط یک گورو^۴ یا معلم برای پرداختن به اعمال مذهبی ویژه و درک برخی از متون مقدس برای وی ضروری است. بوداییان تبّتی معتقدند که هرچه پیشرفت روحانی گودو عالی‌تر باشد، تأثیر پاگشایی بیشتر است. چون اکنون دلایی لاما رهبر روحانی آئین بودایی تبّتی است، عده‌زیادی از مردان و زنان برای دیدن مراسم پاگشایی اش به نیویورک سفر می‌کنند. بیشتر افراد شرکت‌کننده در مناسک کالاچاکرا، قصد پرداختن به عمل عبادی جدی و سمت سانگه پیدا کردن را ندارند. تقریباً آنها معتقدند که پاگشایی در زندگی آینده به بار خواهد نشست و شرایطی را به وجود می‌آورد که به روش نگری منجر خواهد شد. از یک جهت، پاگشایی تضمین زندگی آینده است.

کسانی که می‌خواهند تجربه بودایی خود را عمیق‌تر سازند، با استفاده از کتاب درسی و انجام دادن اعمالی که از راه این پاگشایی برایشان امکان‌پذیر می‌شود، از قبل برای نیل به این هدف مدتی در حال آماده شدن بوده‌اند. از این‌رو، تحقق هدف مزبور مستلزم اعمال مقدماتی است.

1. Series of lifetimes.

2. The Way of the Thunderbolt.

3. Tantra.

4. Gura.

مشغولند. اما این نوعی کنسرت راک عجیب و غریب نیست، این رسمی ترین مناسک مکتب گلوجپای^۵ (اجره‌یانه) هم نامیده می‌شود آئین بودا، مناسک پاگشایی کالاچاکرا^۶ است، و توسط مقدس‌ترین راهبان بودایی - دلایی لاما^۷ - به مرحله اجرا درمی‌آید.

در برابر دلایی لاما، که برسکوی بلند نشسته است، یک تصویر بزرگ که به طرزی پر زحمت با بسیاری از شنهای رنگی گوناگون درست شده است، قرار دارد. ساختن این تصویر ممکن است چند هفته وقت بگیرد، زیرا دانه‌های شن به دفعات باید یک یا دو دانه در هر بار، توسط راهب - هنرمندان^۸ که سراسر عمرشان را برای مهارت پیدا کردن در کشیدن این نقشه پیچیده صرف می‌کنند، در جای خود چیده شوند. این تصویر مانده^۹ کالاچاکرا نامیده می‌شود. تصویر مزبور بر حسب آنچه بودایی‌های واجره‌یانه درک کرده‌اند، نشان‌دهنده یک نوع نقشه راه کل جهان است. هدف این نقشه کمک به راهنمایی فرد به سوی نیروهاست.

بوداییان تبّتی معتقدند که چون افراد انسانی از استعدادها و توانایی‌های گوناگون برخوردارند، هر فرد باید مجموعه‌ای از فنون گوناگون را برای رهایی یافتن از چرخه تولد و مرگ مورد استفاده قرار دهد. مانند همه مکتبهای بودایی دیگر، مراقبه به عنوان یک ایزار عمدۀ در این جستجو [برای یافتن فنون گوناگون] تلقی می‌شود. اما بوداییان تبّتی در عین حال معتقدند که روش نگری می‌تواند از راه قدرت مناسک عبادی حاصل آید. این نگرش دوگانه، آئین بودایی تبّتی را از دیگر مکتبهای بودایی که حس می‌کنند مناسک همواره بعد از مراقبه قرار دارد، و اینکه پیشرفت

1. Gelugpa.

3. Dalai Lama.

5. Mandala.

2. Kalachakra.

4. Monk - artists.

می شود. این امر به وسیله استفاده ممتد از نمادها امکان پذیر است. در اینجا، مانده دارای اهمیت اصلی است. حتی ماده‌ای که از آن مانده ساخته شده است به صورت نمادین نشان‌دهنده طبیعت موقت هستی انسان



راهبان تبتی در حالی که کلاههای زرد بر سر نهاده‌اند. مراسمی را در Quezhang Lamasery چین برگزار می‌کنند.

است. در پایان مراسم، مانده منهدم می‌شود و شن به درون دریا یا رود افکنده می‌شود، تا هرگز دوباره مورد استفاده قرار نگیرد. این امر بر طبیعت گذرای سامسارا تأکید می‌کند.

همچنین بسیاری دیگر از نمادها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تمرینهای اصلی از یک مکتب تبتی به یک مکتب تبتی دیگر فرق می‌کند، اما چند تمرین برای همه آنها مشترک است، نخستین آنها تسليم^۱ است. در این مورد کارآموز در برابر یک زیارتگاه بودا بر کف زمین کاملاً دراز می‌کشد و آنگاه دوباره کاملاً روی پاها یاش بلند می‌شود. این تمرین باید صدهزار بار انجام پذیرد.

همچنین این صدهزار بار تمرین انجام شده، یک هدیه نمادین است که برای همه موجودات زنده - نه فقط انسان - سودمند است. همین امر در مورد مانته^۲ یا ورد مقدسی که کارورز از حفظ می‌خواند، صادق است. انجام دادن تمام این اعمال ضروری تلقی شده‌اند، هرگاه کارورز بخواهد پایه اصلی تهذیب اخلاقی و روحی را ایجاد کند، نیازمند تلاش برای گام نهادن در جاده دشوار و خطرناک واجره‌یانه است. پاگشایهای فراتر که به دنبال این اعمال مقدماتی می‌آیند، به کارورز برای پرداختن به روش‌های ویژه مراقبه امکان می‌دهند. غالباً این روش‌ها مستلزم استفاده از مانته‌های ویژه‌اند - ورد‌های رازورانه، یا فنون مخصوص تجسم یک ییدام^۳ خاص یا خدای نگهبان به عنوان تمرکز برای به مراقبه پرداختن کارورز.

عنصر عبادی آیین بودایی تبتی، مخصوصاً در مراسم کالاچاکرا مشهود است. همه‌چیز در این مراسم برای ارتباط دریافت‌کننده در پاگشایی در نظر گرفته شده است. قبل از نفی بدن، آیین بودایی تبتی به کاربرد کامل بدن، به مثابه ابزاری برای رستگاری باور دارد؛ بخور خوشبو، رنگهای روشن و نقش و نگارهای تو در تو، صدای بم و آهنگین سازها و همسایی گروهی راهبهها، از تمام اینها برای آهسته سوق دادن ذهن کارورز از جهان محسوسات به قلمروهای متعالی حقیقت استفاده

1. Prostration.

2. Mantra.

3. Yidam.

استخوانها را جمع کرده و بعد از تمیز کردن، آنها را یا دفن می‌کنند یا از آنها برای ساخت اشیای مذهبی استفاده می‌کنند. در نظر تبّتی‌ها، دادن بدن شخص مرده به عنوان غذا به دیگر جانوران زنده و ساختن اشیای مذهبی از استخوانهای وی، یک عمل سخاوتمندانه بزرگ است که از همه لحاظ دارای منفعت است.

دالایی‌لاما و بسیاری از راهبان، درجی‌ها^۱ و گانته‌ها^۲ را در دست می‌گیرند و با آنها حرکات نیایشی دست را که مودراها^۳ نامیده می‌شوند، اجرا می‌کنند. درجی‌ها عصاها را کوچکی با دو سر مشابه هستند، معمولاً ساخته شده از مفرغ، که مظهر تیرهای آذرخش^۴ هستند. به نوبت، این تیرهای آذرخش، مظهر روش ماهرانه - یعنی عمل استفاده از همه جنبه‌های هستی انسان برای نیل به روش نگری - و هم در بر دارنده ماهیت تباہی ناپذیر و ابدی واقعیتند. گانته‌ها، زنگهای دستی اند که در دست دیگر نگه داشته می‌شوند و مظهر خردند که کارورزان برای پرورش دادن آن می‌کوشند. دیگر نمادها نیز در آینین بودایی تبّتی دیده می‌شوند، یکی از آنها پوربه^۵، یا خنجر مناسک، است، که به طور نمادین برای قطع کردن جهالت کاربرد دارد. همچنین در بعضی از مناسک از فنجانهایی که از جمجمه انسان و تروپت‌هایی که از استخوان ران انسان ساخته شده‌اند، استفاده می‌شود. اینها ممکن است در نظر مردم اروپا یا امریکا عجیب و غریب یا حتی مشمیزکننده جلوه‌گر شوند، اما قضیه این طور نیست. مانند همه بودایی‌ها، تبّتی‌ها نیز باور دارند که تمام انسانها یک رشته تولد مجدد را متتحمل می‌شوند. بنابراین، مرگ نه یک رویداد بی‌نظیر است و نه شخص باید از آن برتسد. بدینی که پس از مرگ باقی می‌ماند نیز دارای هیچ اهمیتی نیست. اگر از آن به نحو خوبی استفاده شود، آنگاه صاحب قبلی اش از چنین طرز کاربردی سود خواهد برد. یک مثال خوب در این مورد دفن رو باز^۶ است. در این حالت، بدن متوفی قطعه قطعه می‌شود و برای استفاده لاشخوران در فضای باز قرار می‌گیرد. بعد از اینکه گوشتها خورده شد،

1. Dorjes.

3. Mudras.

5. Phurba.

2. Ghantas.

4. Lightning bolts.

6. Sky burial.

ریشه‌های آیین بودایی

آیین هندی در زمان بودا

برای درک اینکه چگونه اعمال و اعتقادهای مطرح شده در فصل پیش به وجود آمدند، ما باید در وهله نخست از پیشرفت تاریخی آیین بودایی آگاهی پیدا کنیم. آیین بودایی، مانند دینهای دیگر، در یک مکان و زمان خاص آغاز شد، و ریشه‌هایش در شکلها و اندیشه‌هایی قرار دارند که بخشی از محیطی بودند که آیین مزبور در آن نضج گرفت. از این رو، لازم است که تکامل دین در هند مورد بررسی قرار گیرد. هند کشوری است بسیار وسیع که از ماقی قاره آسیا به وسیله کوههای سر برافراشته و اقیانوسها مجزا شده است، وجود این ویژگیها بر آب و هوایش تأثیر گذاشته‌اند. هند همان سرزمینی است که با نام اقلیم باد موسمنی با سه فصل متمایز، فصل گرم، فصل سرد، و فصل بارانی، مشهور گشته است.

دور دست زبان انگلیسی امروزی است، زبانی که به مرور زمان در هند به صورت زبان سنسکریت، زبان مقدس هندوئیسم، تحول پیدا کرد. آریان‌ها که طایفه‌هایی نیمه چادرنشین و گله‌دار بودند، کشاورزان بومی را که پیش از ورودشان در سرزمین هند می‌زیستند، به زیر سلطه خود درآوردند. جامعه آریان به سه گروه عمده تقسیم شده بود: روحانیان، چنگجویان، و مردم معمولی. تقسیم‌بندی اجتماعی با عنوان نظام کاست^۱ شهرت داشت. هر گروه عهده‌دار وظیفه‌ای ویژه برای انجام دادن در جامعه بود و در دوره‌های بعدی، موقعی که نظام استحکام بیشتری یافت، نمی‌توانست با افراد وابسته به دیگر گروه‌ها ازدواج کند یا حتی غذا بخورد. این امر بویژه در مورد غیرآریان‌های شکست‌خورده مصدقاق داشت. این مردم غیرآریان، چهارمین کاست را تشکیل دادند. دین تخصص خاص طبقه روحانی، برهمن‌ها، بود که به عنوان عالی‌ترین کاست‌ها تلقی می‌شدند. کهترین سند مذهبی، ریگ ودا^۲، که از آریان‌ها به دست ما رسیده است، معلوم می‌دارد که مذهب آنان حالتی استان نداشته است، بلکه این دین از ماهیتی پویا برخوردار بوده که همراه با زمان تغییر می‌یافته و تکامل پیدا می‌کرده است.

در آغاز، به نظر می‌رسد آریان‌ها معتقد به یک مذهب بسیار ساده بوده‌اند که عنصر کلیدی آن قربانی کردن بوده است. باور شده بود که خدایان، مانند ایندرا^۳ پادشاه سلحشور خدایان و آگنی^۴ خدای آتش، مظهر نیروی طبیعت هستند. آریان‌ها معتقد بودند که خدایان، کم یا بیش، به وسیله همان چیزهایی که باعث تهییج انسانها می‌شوند به هیجان می‌آیند. بنابراین، قربانی کردنها به عنوان نوعی معامله سوداگرانه تلقی

1. Caste.
3. Indra.

2. Rig Veda.
4. Agni.

در طی فصل بارانی که تقریباً از ماه مه تا اکتبر به درازا می‌کشد، بارش سنگین باران، سفر کردن در نواحی روستایی را سخت محدود می‌کند. افزون بر این، هند به وسیله رشته‌کوهها و رودهایی که آن را به مناطق متمایز قسمت می‌کند، شبکه‌بندی شده است. مهمترین این مناطق در زمان بودا دره رود گنگ بود که از غرب به سوی شرق در سرتاسر بخش اعظم شمال هند ممتد است. در اینجا بود که دینهای بزرگ هند برای نخستین بار پدید آمدند و شکوفا گردیدند، اما مدت‌ها بعد بود که این ادیان در جنوب هند شایع شدند. در زمان حیات بودا، تقریباً در حدود ۵۰۰ قبل از میلاد، این منطقه دستخوش یک دوران گسترش دینی حاد بود.^۱ از میان این جریان‌های عقلانی متنوع سه مکتب فکری برگشت‌رش آینین بودایی تأثیر گذاشتند: دین ودایی^۲، جنبش سرامانیک^۳، آینین جین^۴.

آینین برهمنی

نخستین دین هندی توأم با مناسک قربانی کردن نخستین و کهترین این جنبشها، دین ودایی باستان بود. وداها کتابهای مقدس آریان‌ها بودند، بیشتر محققان عقیده دارند که آریان‌ها از جلگه‌های جنوبی روسیه تقریباً میان سالهای ۲۰۰۰ و ۱۵۰۰ قبل از میلاد به هند آمده‌اند. آریان‌های اولیه به زبانی صحبت می‌کردند که نیای

۱. تاریخهای واقعی دوران حیات بودا و حوادث اولیه‌ای که باعث تشکیل بودائیسم شدند، هنوز هم از موضوعهای جدی مورد بحث محققان است. تاریخهایی که در فصلهای آینده می‌آید، همانهایی است که اکثر محققان به کار می‌برند. اما همه این تاریخها تقریبی است. ن.

2. Vedic religion.
4. Jainism.
3. Sramanic move ment.

تقریباً سالهای ۱۲۰۰ و ۹۰۰ پیش از میلاد، ملاحظه کنیم. در متون مزبور کانون توجه بر داستانها و سرودهای مذهبی مربوط به خدایان، آنگونه که در ریگ و دامکتوب بود، متمرکز نیست، بلکه مضمون اصلی این سه کتاب به انجام دادن درست مناسکهای قربانی کردن مرتبط است. طرز برگزاری این نوع مناسکها چنان دست و پاگیر شده بودند که نوشتمن کتابهای راهنمای برگزارکنندگان به صورث امری لازم درآمده بود، و در اصل، متون مزبور از جمله آنها بودند. اما در اجزای ترکیبی این کتابهای راهنمای، شروع شدن یک سنت مذهبی و تفکر فلسفی دیرینه هندی را ملاحظه می‌کنیم. این اندیشه‌ها بر چگونگی آفرینش جهان، ماهیت واقعیت، و پرستهای واقع‌گرایانه از قبیل نقش قربانی کردنها در حفظ نظام عالم متمرکز بودند.

جنبش سرامنه^۱

خاستگاه اندیشه دینی و کوشش فردی

با گذشت زمان، روحانیان هرچه بیشتر متلاحد شدند که اعمالشان نه فقط خوشایند خدایان نبوده است، بلکه در واقع خدایان را به موافقت با تنازع دلخواه خود مجبور کرده‌اند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، در آن موقع برهمن‌ها خود را به عنوان اعضای برجسته جامعه آریان تصور می‌کردند، زیرا که اعمال دینی‌شان موحد نیروهایی بودند که کیهان را سرپا نگاه می‌داشت و به جنبش درمی‌آورد. اما دیگر گروه‌ها در جامعه آریان، مانند برهمن‌ها، نکته‌های دینی بنیادی یکسانی را مورد توجه قرار دادند.

1. Sramana.

می‌شد که در آن شخصی که مشغول پیشکش کردن قربانی بود، داشت چیزی را با خدا «معامله» می‌کرد. متقابلاً، شخص قربانی‌کننده امیدوار بود کمکی، معمولاً یک موهبت طبیعی، مانند عمر طولانی، فرزندان بسیار، یا پیروزی در جنگ، دریافت کند.

برگزار کردن مراسم قربانی، جزو تخصص طبقه روحانی بود، با نگاه به کهترین بخش‌های ریگ و داد، تقریباً مکتوب میان سالهای ۱۵۰۰ و ۱۰۰۰ پیش از میلاد، استنبط می‌شود که این قربانی کردنها نسبتاً امور ساده‌ای بوده‌اند. گاو یا برخی دیگر از چهار پایان ذبح می‌شدند و از خدا دعوت می‌شد تا از آسمان برای شرکت جشن در ضیافت متعاقب آن، پرستش کنندگان زمینی خود را همراهی کند. اما با مرور زمان، مناسک مربوط به قربانی کردن هرچه بیشتر پیچیده شد. در زمان حیات بودا، تقریباً در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد، برخی از این‌گونه مناسک سال به سال بسط می‌یافتد و به صرف هزینه‌ای سرسام آور و استخدام شمار فراوانی از روحانیان نیازمند می‌شدند.

این امر دو اثر بر تحول پرهمنیسم، اصطلاحی که برای مرحله بعدی دین ودایی مرسوم شد، بر جا نهاد. نخست، صرف آن‌همه هزینه نشانه کنار گذاشتن اعضای فقیرتر و کم‌قدرت جامعه آریان از بسیاری از مناسکهای پر طول و تفصیل مذهبیان بود. اعضای مزبور کاملاً استطاعت مالی شرکت در این‌گونه مناسکهای پیچیده و پر خرج را نداشتند. از این گذشته، مردمان بومی و مقهور این سرزمین را نیز از برگزاری مناسک قربانی محروم کرده بودند؛ درنتیجه، آنان کاملاً از ورود به مذهب فاتحان مسلط بر خویش محروم گشته بودند. در ثانی، این امر به روحانیان برهمن امکان اعمال قدرت هرچه بیشتر را در داخل جامعه آریان می‌داد.

ما می‌توانیم این تحول را در مطاوی دیگر متون برهمنی، مکتوب میان

تقریباً سالهای ۱۲۰۰ و ۹۰۰ پیش از میلاد، ملاحظه کنیم. در متون مزبور کانون توجه بر داستانها و سرودهای مذهبی مربوط به خدایان، آنگونه که در ریگ و دامکتوب بود، متمرکز نیست، بلکه مضمون اصلی این سه کتاب به انجام دادن درست مناسکهای قربانی کردن مرتبط است. طرز برگزاری این نوع مناسکها چنان دست و پاگیر شده بودند که نوشتند کتابهای راهنمای برگزارکنندگان به صورث امری لازم درآمده بود، و در اصل، متون مزبور از جمله آنها بودند. اما در اجزای ترکیبی این کتابهای راهنمای، شروع شدن یک سنت مذهبی و تفکر فلسفی دیرینه هندی را ملاحظه می‌کنیم. این اندیشه‌ها بر چگونگی آفرینش جهان، ماهیت واقعیت، و پرسش‌های واقع‌گرایانه از قبیل نقش قربانی کردنها در حفظ نظام عالم متمرکز بودند.

جنیش سرامنه^۱

خاستگاه اندیشه دینی و کوشش فردی

با گذشت زمان، روحانیان هرچه بیشتر متلاحد شدند که اعمالشان نه فقط خوشایند خدایان بوده است، بلکه در واقع خدایان را به موافقت با نتایج دلخواه خود مجبور کرده‌اند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، در آن موقع برهمن‌ها خود را به عنوان اعضای برجسته جامعه آریان تصور می‌کردند، زیرا که اعمال دینی شان موحد نیروهایی بودند که کیهان را سرپا نگاه می‌داشت و به جنبش در می‌آورد. اما دیگر گروه‌ها در جامعه آریان، مانند برهمن‌ها، نکته‌های دینی بنیادی یکسانی را مورد توجه قرار دادند.

1. Sramana.

می‌شد که در آن شخصی که مشغول پیشکش کردن قربانی بود، داشت چیزی را با خدا «معامله» می‌کرد. متقابلاً، شخص قربانی کننده امیدوار بود کمکی، معمولاً یک موهبت طبیعی، مانند عمر طولانی، فرزندان بسیار، یا پیروزی در جنگ، دریافت کند.

برگزار کردن مراسم قربانی، جزو تخصص طبقه روحانی بود، با نگاه به کهترین بخش‌های ریگ‌ودا، تقریباً مکتوب میان سالهای ۱۵۰۰ و ۱۰۰۰ پیش از میلاد، استنبط می‌شود که این قربانی کردنها نسبتاً امور ساده‌ای بوده‌اند. گاو یا برخی دیگر از چهار پایان ذبح می‌شدند و از خدا دعوت می‌شد تا از آسمان برای شرکت جشن در ضیافت متعاقب آن، پرستش کنندگان زمینی خود را همراهی کند. اما با مرور زمان، مناسک مربوط به قربانی کردن هرچه بیشتر پیچیده شد. در زمان حیات بودا، تقریباً در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد، برخی از این‌گونه مناسک مربوط به سال بسط می‌یافتد و به صرف هزینه‌ای سرسام‌آور و استخدام شمار فراوانی از روحانیان نیازمند می‌شدند.

این امر دو اثر بر تحول برهمنیسم، اصطلاحی که برای مرحله بعدی دین ودایی مرسوم شد، بر جا نهاد. نخست، صرف آن‌همه هزینه نشانه کنار گذاشتن اعضای فقیرتر و کم قدرت جامعه آریان از بسیاری از مناسکهای پر طول و تفصیل مذهبشان بود. اعضای مزبور کاملاً استطاعت مالی شرکت در این‌گونه مناسکهای پیچیده و پر خرج را نداشتند. از این گذشته، مردمان بومی و مقهور این سرزمین را نیز از برگزاری مناسک قربانی محروم کرده بودند؛ در نتیجه، آنان کاملاً از ورود به مذهب فاتحان مسلط بر خویش محروم گشته بودند. در ثانی، این امر به روحانیان برهمن امکان اعمال قدرت هرچه بیشتر را در داخل جامعه آریان می‌داد. ما می‌توانیم این تحول را در مطاوی دیگر متون برهمنی، مکتوب میان

اصل تحرک که زندگی را تداوم می‌بخشد، پرانه، به مثابه هستی یکسان با نفس و با بسط معنی با باد تلقی می‌شد. اما تفکر سرامنه از این گونه مبادی تقریباً خام بسرعت فراتر رفت و برخی از مفهومهایی را که از آن زمان تاکنون برای تفکر دینی هندی دارای جنبه محوری بوده‌اند پدید آورد.

نکته عمده در میان این اندیشه‌ها، مفهوم آتن^۱ و برامن^۲ است. متفکران سرامنه‌ای در تأملاتشان درباره دین، چنان‌که ما می‌توانیم از کتابهای فلسفی شان، اوپانیشادها، دریاییم، به شیوه‌های گوناگونی به کندو کاو پرداختند. آتن روح ناب، نامتغیر و نامیرا، بود. به نوبت، آتن جزئی از برامن بود، نیرویی معنوی که کیهان را آفرید و سرپا نگاه داشت. از آنجاکه آتن نامیرا بود، فیلسوفان سرامنه‌ای از خود می‌پرسیدند که پس از مرگ در موقعی که بدن از بودن باز می‌ایستد برای آتن چه اتفاقی می‌افتد. آریان‌های اولیه به یک نوع بهشت اعتقاد پیدا کرده بودند، اما فیلسوفان سرامنه‌ای این طرز نگرش را با تکیه بر نظریه تناسخ رد می‌کردند.

تناسخ، اندیشه‌ای که قابل بود انسانها می‌میرند و در یک کالبد نو به طور پیوسته دوباره متولد می‌شوند، فوراً به اندیشه‌ای پذیرفته شده در همه دینهای سرزمین هند بدل شد. اما در عین حال، مسائل فلسفی دیگری را مطرح کرد. این مسائل هنگامی که یک دگرگونی در اندیشه سرامنه‌ای در دورانی تقریباً میان سالهای ۸۰۰ و ۶۰۰ پیش از میلاد به وقوع پیوست، حتی با شدتی بیشتر مطرح شد. قبل از این دوران، آریان‌ها در قبال زندگی و جهان مخلوق، معمولاً نگرشی مثبت داشتند. اما بعد از تقریباً سال ۸۰۰ پیش از میلاد، جهان‌بینی هندی بوضوح جنبه‌ای بدینانه پیدا کرد و به لذت‌های زندگی به مثابه اموری نایابدار و در نهایت

نتیجه گیریهای آنان از بیخ و بن از نتیجه گیریهای طبقه روحانی متفاوت بود. این متفکران متفاوت، که گمان می‌شود تقریباً میان سالهای ۹۰۰ و ۶۰۰ پیش از میلاد می‌زیسته‌اند، عموماً به نام سرامنه‌ها شهرت دارند.

متفکران سرامنه‌ای، به جای تلقی کردن مناسک قربانی به عنوان عمل مذهبی ملموس، باور داشتند که قربانی کردن یک بازنمایی نمادین و تمثیلی ناشی از استحاله درونی است. از این‌رو، هر عنصر قربانی کردن با برخی از طرز نگرش یا کردار فرد مطابقت دارد. در آغاز، فلسفه



شیوا یکی از خدایان متعدد هندوست. آینین بودا بطور هدفمند طغیانی بود در برابر مناسکهای دشوار و پرهزینه‌ای که برای خدمت به این خدایان مورد نیاز بود.

سرامنه‌ای نسبتاً از لحاظ ماهیت جنبه مادی داشت. به عنوان مثال،

قابل دسترس برای آنان رسیدن به مُکْنَه^۱، رهایی یافتن از چرخه مسادوم تولد و مرگ، است این امر می‌تواند از راه تجدید پیوند آتمن فردی با برآمن جهانی تحقق یابد. اما این حالت چگونه متحقق می‌شود؟ در اینجا دیدگاه‌ها متفاوت بود، اما بیشتر سرامنه‌ها هم عقیده بودند که یگانه راهی که آتمن می‌تواند با برآمن تجدید پیوند کند توسط اعمالی تحقق می‌یابد که برای ضعیف کردن بدنی که آتمن در آن جای دارد، برنامه‌ریزی می‌شود. این اعمال، که به طورکلی ریاضت نامیده می‌شوند، ممکن است شامل چیزهایی مانند روزه گرفتن، تجرد، و کار کردن توأم با بی‌خوابی و حتی لباس نپوشیدن باشند. این ریاضت، تاپاها^۲ ایجاد می‌کند که گونه‌ای توانمندی روحی است که می‌تواند برای گسترن چرخه بی‌پایان حیات و تجدید پیوند آتمن و برآمن مورد استفاده قرار گیرد. ما از کتابهای مقدس بودایی از جمله دیگها - نیکایا^۳ در می‌یابیم که عده زیادی از این پیروان سرامنه‌ها متحمل ریاضتهای بسیار سخت می‌شدند. آنان، افزون بر گرفتن روزه و کار کردن توأم با بی‌خوابی، همچنین نذر می‌کردند که کارهایی مانند ستان خوابیدن، نماندن در یک دیر، نپوشیدن هیچ رخت و لباسی، نهادن یک دست روی سر برای چند سال مشخص، ایستادن روی یک پا به مدت ده سال، و مانند اینها را انجام دهند. انجام دادن این‌گونه اعمال قهرمانانه توأم با ریاضت، صرفاً یکی از ویژگیهای تاریخ گذشته هند نیست؛ این‌گونه اعمال اکنون نیز انجام می‌گیرند.

1. Moksha.

3. Digha - nikaya.

2. Tapas.

ناخشنودکننده نگریسته می‌شد. هنگامی که این برداشت نواز وضعیت انسان رایج شد، روند تناسخ به صورت باری سنگین و چیزی که باید از آن اجتناب شود تلقی گردید.

اندیشه‌ای دیگر که در این دوران بسط یافت مفهوم کارمه بود. مفهوم مزبور بر این فرض ساده که همه کردارها عکس العملهایی در بی دارند، ممکن است. اما درباره آن دسته افرادی که کردار نیک انجام می‌دهند، و با این همه دچار رنج و عذاب می‌شوند چه باید گفت؟ یا درباره کسانی که فوق العاده بدکار و شرورند، اما با وجود این موفق و کامیاب هستند چه قضاوی باید داشت؟ در اینجا نیز، طرفداران تناسخ پاسخی در آستین داشتند: اگر آثار اعمال یک شخص در زندگی کنونی او حس نشود، تایع این اعمال در زندگی دیگر یا حتی در زندگی بعد از آن احساس خواهد شد. این امر گریز زدن از مسئله بدی را برای دینهای هندی ممکن ساخت. موقعی که از منظر کارمه و تناسخ، به امور بدی که برای آدمهای خوب اتفاق می‌افتد نگاه شود این اتفاقها از تایع اعمال بدی است که آنان در زندگی پیشین خود مرتکب شده‌اند. افزون بر این، کسانی که مرتکب اعمال نکوهیده می‌شوند، اگر در این زندگی دچار عذاب نشوند، در زندگی بعدی خواهند شد.

همه این مفهومهای فلسفی نو، به اندیشه‌ها و هدفهای معتقدان مذهب سرامنه‌ای شکل دادند، معتقدانی که، روی هم رفته، از میان طبقات غیربرهمن جامعه هند برخاسته بودند. اگر انسانها پیوسته در یک دنیا اساساً ناخشنودکننده دوباره متولد می‌شوند، آنگاه مطلوب‌ترین هدف

داشت، از یک نیروی حیاتی برخوردار بود. در واقع بسیاری چیزها، از قبیل حیوانات و آدمیان، از این‌گونه نیروی حیاتی، پیش از یکی برخوردار بودند. بنابراین از این دیدگاه به حداقل رساندن صدمه‌ای که آدمها به موجودات زنده می‌زدند به صورت امری ضروری درآمد، زیرا صدمه زدن به موجودات زنده آسانترین راه انباشتن کارمه بدبود. جاین‌ها نخستین گروه در هند بودند که برای تغذیه انسانها، از گیاهخواری حمایت می‌کردند و آن را بر ذبح کردن حیوانات ترجیح می‌دادند. اما امتناع از انباشتن کارمه تازه، فی نفسه، رهایی یافتن از چرخه تولد و مرگ را تضمین نمی‌کرد. شخص به «محو کردن» کارمه‌ای که قبل از درک حقیقت انباشته شده بود نیاز داشت. او صرفاً بعد از انجام دادن این کار می‌توانست از چرخه تولد و مرگ نجات پیدا کند.

بودا و پیامش زنگی بودا

نخست، چنین تصور می‌شود که ما درباره زندگی سیدارتا^۱ از تزادگوتاما^۲ وابسته به خاندان سلطنتی ساکیا^۳، یا همان طور که در تاریخ شناخته شده است، بودا یا شخص بیدار (حدوداً ۵۶۰ - ۴۸۰ ق.م.) اطلاعات بسیار زیادی در دست داریم. اما چنین تصوری غیر عاقلانه خواهد بود. قدیمی‌ترین زندگینامه منسجم بودا، بوداکاریتا^۴، توسط آساوگوهسا^۵ در حدود سال ۱۰۰ قبل از میلاد نوشته شد. پیش از این کتاب، شناخت ما از

1. Siddhartha.

3. Sakya.

5. Asvaghosa.

2. Gautama.

4. Buddhacarita.

جاین‌ها

کوشش فردی در محدوده یک انجمن مذهبی متشكل سومین تأثیر عمده بر اندیشه بودا توسط گروهی از اهل ریاضت که به نام جاین‌ها شهرت داشتند، گذاشتند. برخلاف سرامنه‌ها و برهمن‌ها، جاین‌ها از یک رهبر برجسته و مشخص، ماهاویرا^۶ (حدوداً ۵۸۰ - ۵۰۰ ق.م.) برخوردارند، کسی که درباره اش عقیده دارند آخرین فرد سلسله ۲۴ نفری رهبران جاین است. ماهاویرا یکی از وابستگان طبقه جنگجویان بود (در بعضی روایات از او به عنوان شاهزاده یاد شده است). به رغم آنکه ازدواج کرده و دارای یک پسر بود، تصمیم گرفت با دست کشیدن از زندگی غیر مذهبی لذت‌بخش خویش برای رهایی یافتن از چرخه تناسخ تلاش ورزد. درباره او که ریاضت‌پیشه‌ای برجسته بود، گفته‌اند که به روش‌نگری نایل آمده و از چرخه زندگی دنیوی رهایی یافته بود. او، بعد از رسیدن به روش‌نگری، پیروانش را مطابق یک برنامه واضح و مشخص، که خود آنان را نیز به سوی نیل به روش‌نگری راهنمایی می‌کرد، در یک انجمن متشكل ساخت. این برنامه بر مفهوم کلیدی آهیسه^۷ متمرکز شده بود.

به طور خلاصه، استنباط جاین‌ها از آهیسه، عدم خشونت، پیامد مستقیمی از استنباطشان درباره کارمه بود. کارمه از دیدگاه جاین‌ها، یک ماده واقعی بود، گونه‌ای گُرد چسبناک که بر آتش سنگینی می‌کرد و آن را از بالا رفتن بر فراز کیهان در جایی که می‌توانست از تولد دوباره رهایی یابد بازمی‌داشت. کارمه به مثابه پیامد اعمال بدد، و خیم‌ترین چیزی که زندگی را مضمحل می‌کرد، متراکم می‌شد. هر چیز، جاین‌ها را در بر

1. Mahavira.

2. Ahimsa.

خود، با یک روحانی برهمن برای دیدن طالع و پیش‌بینی آینده سیدارتای نورسیده مشورت کردند. آنگاه، برهمن به پدر بودا اطلاع داد که این شاهزادهٔ نو خاستهٔ پادشاهی بزرگ یا یک رهبر مذهبی بزرگ خواهد شد.

پدرش، که آرزو داشت فرزندش پس از اوی بر تخت پادشاهی بنشیند، تصمیم گرفت پسر را از تجربه کردن هرگونه یأس و ناکامی دنیوی، بدقت محافظت کند. درنتیجه، بودا در یک محیط ممتاز و نازپرورد نشو و نما یافت، و مهارت‌هایی که برای یک فرمانروای غیرمذهبی ضروری بود به وی آموزش داده شد. در موقع مناسب، بودا با دختر عمویش یاسوداها را^۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر به نام راهولا^۲ شدند. اما بودای آینده، به رغم زیستن در ناز و نعمت دربارهٔ دنیای خارج از دروازه‌های کاخ در شرگفت ماند.

یک روز، در ۲۹ سالگی، او به اربه‌رانش گفت که می‌خواهد از کاخ بیرون رود و شهر را بیند. این خواهش او فوراً به پادشاه اطلاع داده شد، و پادشاه از شاهزادهٔ جوان خواست تا گرددش خود را یک روز به تعویق اندازد. در طی این یک روز، پادشاه برای تمام تداعی کننده‌های ناخوشایند ناشی از فناپذیری انسانی، مانند ناتوانی و پیری، تدبیری اتخاذ کرد تا آنها از دیدرس فرزندش پنهان بمانند. متأسفانهٔ پادشاه در مورد تدبیرش، یک مرد پیر را از قلم انداخته بود. شاهزاده، که هیچ‌گاه آدم کهنسال ندیده بود، از اربه‌رانش پرسید که پیرمرد دچار چه عیب و علتی است. اربه‌ران در پاسخ گفت که این امر صرفاً معلوم حمله و هجوم اجتناب ناپذیر پیری است. بودا، درحالی‌که از این موضوع آشفته گشته بود، بدون اطلاع

1. Yasodhara.

2. Rahula.

زندگی بودا صرفاً ممکن بود از منابع پراکنده در مطاوی کتابهای مقدس بودایی حاصل شود. علاوه بر این، از کتابهای مقدس مزبور نوعی ادبیات به نام جانه‌که‌ها^۳ استنساخ کرده‌اند.

جانه‌که‌ها سرگذشت بودا را پیش از آخرین تجسد و روشن‌نگری او توصیف می‌کنند. درحالی‌که این قصه‌ها اطلاعاتی کم‌اهمیت و غیر « مهم » راجع به زندگی بودا در اختیار ما می‌گذارند، برای درک آموزه‌های اخلاقی و متافیزیکی بودایی از اهمیت فراوانی برخوردارند. درنتیجه، تأثیرشان هنوز هم در بسیاری از جامعه‌های بودایی مشهود است. افزون بر این، ما می‌توانیم درباریم که داستان زندگی بودا آن‌گونه که اکنون در اختیار ماست، فی‌نفسه یک گزارش با سبک ویژه است. موقعی که شخص به زندگینامهٔ رهبر مذهبی بزرگ دیگر همین عصر، ماهاویرا، نگاه کند، می‌تواند یک داستان بسیار مشابه را ملاحظه کند. این داستانها را مطابق یک الگوی همگانی زندگینامهٔ مذهبی هندی فراهم می‌آورند. هدف چنین زندگینامه‌ای دقیقاً نقل کردن زندگی مبتنی بر واقعیات شخص برای معرفی وی به عنوان مظہر یک حقیقت کیهانی نیست.

اعتقاد بر این است که بودا در هند شمالی در شهر لومبینی^۲، درست داخل مرز نپال، در سال ۵۶۰ پیش از میلاد، به دنیا آمده است. گفته‌اند پدرش، سودهودانا^۳، پادشاه همین ناحیهٔ شمالی بوده است، و بنابراین، بودا در میان طبقهٔ جنگجویان - فرمانروایان به دنیا آمده است، نه در میان طبقهٔ روحانی. نقل کرده‌اند که مادرش، ماهامایا^۴، بدون ارتباط با کسی آبستن گشت، و هفت روز پس از متولد شدن پسرش که بعداً توسط عمه‌اش بزرگ شد، درگذشت. اندکی بعد از تولدش، مطابق سنت مردم

1. Jatakas.

3. Suddhodana.

2. Lumbini.

4. Mahamaya.

مشغول بود، به نخستین نتیجه‌گیری مهم خود نایل شد، بدین معنی که طریقه ریاضت‌کشی سخت و توان فرسا ثمر بخش نیست. درست بعد از این بود که یک زن روستایی رهگذر به نام سوچاتا^۱، به او اطمینان داد که موجودی فوق طبیعی است، و به او غذا تعارف کرد و او از آن خورد. این امر عملاً به دوران ریاضت توان فرسای بودا پایان بخشید. در آن وقت بود که بودا جست‌وجویش را برای روش‌نگری در چارچوب آنچه بعداً خود وی آن را «راه میانه» نامید، طرح کرد. منظور او از این اصطلاح، اعتدال در همه امور بود. انسان باید به اندازه‌ای که برای حفظ سلامتی این کافی است غذا بخورد و نه بسیار. انسان باید به اندازه‌ای که کافی است استراحت کند و نه خیلی زیاد. این راه اعتدال یک جدایی اساسی از اعمال مذهبی آن دوران بود.

اما، به رغم این طرح نو، بودا هنوز هم راه‌گریزی برای سامسارا، چرخه تولد و مرگ، پیدا نکرده بود. او، مصمم به یافتن راه‌گریزی، زیر یک درخت بو [درخت انجیر هندی] در بوده‌گایا^۲ به مراقبه نشست. او سوگند خورد که تا به روش‌نگری یا مردن نرسد از جا برنهیزد. در ماه مه تقریباً سال ۵۲۵ قبل از میلاد در شبی که ماه در حالت بدر بود، او به روش‌نگری رسید. هنگامی که از جا برخاست، او دیگر شاهزاده سیدارتا گوتاما وابسته به خاندان ساکیا نبود، اما بودا، کسی که بیدار گشته بود، شده بود.

بودا، پس از گذراندن روزهای بسیار در حالت مراقبه، از روی ترحم به خاطر رنج بشریت به حرکت درآمد. با آنکه او در آن موقع می‌توانست به نیروانها وارد شود، تصمیم گرفت برای انتقال دادن بصیرت خود به

پدرش گرددش‌های بیشتری را در خارج از کاخ ترتیب داد، و در طی همین گرددشها بود که او با بیماری و مرگ نیز مواجه شد. اما در آخرین گرددش خود در دنیای خارج از کاخ به عنوان یک شاهزاده، با یک مرد مقدس آواره مواجه گشت. موقعی که شاهزاده درباره این مرد پرسش کرد، به او گفته شد که این مرد کسی است که از مفاسد این جهان نجات یافته است. شاهزاده سیدارتا، درحالی که عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفته بود، تصمیم گرفت که برود و چنین کاری انجام دهد.

در نیمه شب، او همسرش، یاسوداهارا، و فرزندش را که در خواب بودند به عنوان خدا حافظی بوسید. او، که بر اسب مورد علاقه‌اش زین بسته بود، سوار شد و از زندگی دنیوی خویش برای همیشه دور شد. در وهله نخست، او مانند ماهاوریا یک زندگی فوق العاده پر ریاضت را در پیش گرفت. او لخت و عربان در همه نوع آب و هوایی در روتاستها پرسه می‌زد، پیوسته روزه‌دار بود، استحمام نمی‌کرد، بی آنکه بخوابد راه می‌رفت، و به طور کلی تاپاهارا که در سرمه‌ها آن دوران معمول بودند، انجام می‌داد. همچنین به نظر می‌رسد که او زیر نظر دو آموزگار مراقبه مشهور دوره خود، آرادا کالاما^۳ و یودرا کا رام‌پوترا^۴، که نامهایشان برای ما به واسطه وجود دیگر متون مذهبی آن دوران آشنای است، آموزش دیده باشد. بودا از این آموزگاران یاد گرفت که چگونه به حالات خلسله که تمرين یوگا^۵ را حتی تا به امروز شاخص ساخته است، فرو رود. اما او به آن بصیرت دینی که در آرزویش بود نایل نیامد. در نتیجه او ریاضت‌کشی سخت خود را، مصممانه برای رسیدن به روش‌نگری، دوچندان کرد. یک روز، همان‌طور که روی شنها گرم کرانه گنگ نشسته و به مراقبه

1. Arada Kalama.
2. Udraka Ramaputra.
3. Yoga.

که اکثر مردم دیگر به آن صحبت نمی‌کردند یا آن را نمی‌فهمیدند، نوشته بودند قابل دسترسی باشند. این استفاده از زبان بومی، بی‌تردید عاملی در گسترش سریع آیین بودایی در سرتاسر شمال هند پیش از مرگ بودا در ۸۰ سالگی در حدود ۴۸۰ قبل از میلاد بود. این تأکید بر انتقال دادن اندیشه‌های اصلی آیین بودایی در زبان روزمره، هنوز هم یکی از ویژگیهای مهم این آیین است. موقعی که گسترش آیین بودایی در سرتاسر آسیا آغاز شد، یکی از نخستین چیزهایی که راهبان مبلغ انجام دادند عبارت بود از ترجمه متن مقدس به زبان همان مردمانی که برایشان تبلیغ می‌کردند.

شاگردان بودا

همه دینهایی که دارای یک بنیانگذار برجسته‌اند با مشکل مهم ناشی از مرگ بنیانگذار خویش مواجه شده‌اند. آن دینهایی که بر این مشکل فایق آمده‌اند، همانهایی بوده‌اند که به سبب وجود برخی از شاگردان لایق خود توانسته‌اند کار بنیانگذار را ادامه دهند. برخورداری از چنین خصوصیتی یکی از موارد تداوم آیین بودایی بود. در واقع، شماری از چهره‌هایی که هنوز هم در محرابها دیده می‌شوند در زمرة چنین شاگردانی قرار دارند. این طور به نظر می‌آید که شاگرد مورد علاقه بودا، ساریپوترا بوده باشد. ساریپوترا که در یک خانواده برهمن به دنیا آمده بود و ظاهرًا یک سخنگوی توانمند برای هندوئیسم زمان خویش بود، پس از اینکه او و بودا درباره شایستگی‌های نظامهای مربوط به خود مباحثه کردند، به آیین بودایی گروید. پس از این، ساریپوترا با استعداد چشمگیرش برای عرضه کردن آیین بودایی در سرتاسر هند شروع به سیر و سفر نمود، و گفته‌اند که برای بسیاری از نوکیشان آیین جدید به اقامه دلیل پرداخت. باز هم گفته‌اند

دیگران در جهان بماند. در طی ۴۵ سال دیگر، متون مقدس به ما آگاهی می‌دهند که او پیام جدیدش را درباره رستگاری تبلیغ کرد و شمار فراوانی پیروگرد آورد. او این پیروان را در یک نظم رهبانی بودایی، سانگه، احتملاً مطابق الگوی جاینهای، سازماندهی کرد. بودا مجموعه‌ای از قوانین پیچیده، به نام ویهیه، ابداع نمود که اعضای سانگه، با مرعی داشتن آنها زندگی خود را می‌گذرانند. او همچنین تعالیم خود را در طی یک رشته از سخنرانیها برای پیروانش تشریح کرد؛ مجموعه این سخنرانیها را سوتراها^۱ نامیده‌اند.

ویهیه و سوتراها، همراه با سومین گروه متون آموزشی، ایدارمه^۲ یا متون فلسفی، کتاب مقدس بودائیسم اولیه را، که مجموعاً با عنوان تریپیتیکه^۳ شناخته می‌شود، تشکیل می‌دهند. قسمت اصلی سوتراها و ویهیه‌ها از زمان بودا نشست می‌گیرد. پیوسته‌های بعدی به این کتابهای مقدس، و تکامل ادبیات ایدارمه، بر کوشش‌هایی برای شرح دادن برخی از عبارات و سر درآوردن از معانی ضمنی کتابهای مقدس اولیه تا جامع‌ترین حد آنها دلالت دارند. در سالهای آغازین نضج گرفتن بودائیسم، متون مزبور توسط راهبان به یاد سپرده می‌شدند و به شاگردانشان از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافتدند. صرفاً در حدود ۴۰۰ سال پس از مرگ بودا بود که برای نخستین بار این متون به رشتة تحریر درآمدند. کهنه‌ترین نسخه‌های متون مقدس که به دست ما رسیده‌اند، به زبان پالی^۴، یک زبان محاوره‌ای در هند مرکزی، درست بعد از زمان حیات بودا، نوشته شده‌اند.

نوشته شدن این متون به زبان متدائل میان مردم باعث شد که آنها بیشتر از متونی که برهمن‌ها به زبان سنسکریت، یک زبان باستانی آریایی

1. Sutras.

3. Tripitika.

2. Abhidharma.

4. Pali.

بود که خبردار شویم که قضیه همیشه این طور نبوده است. هنر بودایی اوایله در بر دارنده تصاویری از بودا نبود. به جای آن، بودا به گونه‌ای نمادین توسط تصویری از یک فیل، یک ردپا، یک چتر، یا تصویرهایی دیگر نشان داده می‌شد. همچنین در همین دوره اویله هیچ‌گونه معبد بودایی وجود نداشت. بسیاری از تاریخ‌نگاران امور هنری معتقدند که بعد از سال ۳۰۰ قبل از میلاد بود که هنرمندان بودایی نسبتاً به تصویر کردن چهره واقعی بودا پرداختند، تا به آفریدن آثاری نمادین درباره‌وی. در این تاریخ بود که هنرمندان هندی با هنرمندان یونانی آمده از غرب، دیدار نمودند. هنرمندان اخیر به آفریدن شمایلهای هنرمندانه زنده‌نما، نه فقط از مردم عادی بلکه همچنین از خدایان، عادت داشتند. از آنجا که کهترین تندیسهای بودا به نواحی شمال‌غربی هند درجایی که دو تمدن یونانی و هندی با هم تلاقی کرده بودند، مربوطند، به نظر می‌رسد که این عقیده را بیشتر تأیید کند.

در حالی که برخی از تصویرهای بودا به طرز کاملاً رئالیستی ساخته شده بودند، هنرمندان بودایی بزودی طرحهای خاص خود را درباره اینکه بودا را چگونه باید مجسم ساخت، بروز دادند. در یک جامعه اساساً بیسواند، هنرمندان بودایی یک جزو بسیار سودمند را برای تعالیم شفاهی راهبان واعظ سیار به وجود آوردند. خیلی زود تندیسهها و نقاشیهای مربوط به بودا، به سبکی خاص به صورت ابزارهای تعلیماتی درآمدند. هر کدام از این تندیسهها و نقاشیهای، دارای به اصطلاح «سی و سه مشخصه خجسته» بود. اینها مشخصه‌هایی بدنی بودند که بر مبادی فوق طبیعی و تحول روحی متعالی بودا دلالت می‌کردند. افزون بر این، بودا را در یک اثر هنری برای نشان دادن برتری روحی اش بسیار بزرگتر از سایر چهره‌های پیرامون وی ترسیم می‌کردند.

که این جانشین حتمی بودا، چند ماه پیش از مرگ مربی خود از جهان رخت بر بسته بود. اکنون، خاطره او را به عنوان تجسم فرزانگی گرامی می‌دارند. یاد دوست سارپوترا، ماهاماوگالایانا^۱، را نیز که با او به آینین بودایی گرویده بود، گرامی می‌شمارند. علت شهرت خاص او به خاطر برخورداری احتمالی اش از توانمندیهای فوق طبیعی است.

راهبی که پس از مرگ بودا مستولیت تداوم بخشنیدن به آینین بودا را عهده‌دار شد، ماهاكاسیاپا^۲ بود. وی به سبب ریاضت و وسوس اخلاقی اش شهرت دارد، گفته‌اند که ماهاكاسیاپا برگزارکننده نخستین شورای بودایی حدوداً در سال ۴۸۰ قبل از میلاد بوده است. در همین شورا بود که درباره متون کلیدی آینین بوداییان چین و ژاپن از وی به عنوان بیانگذار ذن یاد گشت. همچنین بوداییان چین و ژاپن از وی به عنوان بیانگذار ذن یاد می‌کنند. در صومعه‌های ذن معمولاً تندیس ماهاكاسیاپا در جانب راست تندیس بودا دیده می‌شود.

در سمت چپ تندیس بودا، تندیس آناندا^۳، دومین رهبر مکتب ذن، مشاهده می‌شود. او را به عنوان خدمتکار خصوصی بودا بسیار محترم می‌شمارند. هنگامی که بودا، که به نظر می‌رسد عمومی آنادا بوده است، درگذشت، وی یگانه راهبی بود که می‌توانست تمام سخنان بودا را واژه به واژه از بر بازگو کند.

کانون هنر: تصویر بودا

اکنون، ما بودا را به بسیاری از تندیسهها و نقاشیهای مربوط به او که در طی قرنهای متتمادی آفریده شده‌اند، پیوند می‌دهیم. اما شگفتی آور خواهد

1. Mahamaudgalyana.

2. Mahakasyapa.

3. Ananda.

در تایلند حالت قدم زدن، پیشتر از حالت شسته مرسوم بود و ساخت و ترکیب بلند و باریک و موقر این گونه تندیسهای بودا را ممکن نیست با سبکی دیگر اشتباه کرد. همچنین، در چین، کره، و ژاپن، تندیس بودا، متناسب با سلیقه فرهنگهای کشورهای مزبور آفریده شده‌اند. از میان این سبکهایست که ما حالت‌های گوناگون بودا را احساس می‌کنیم. در سری‌لانکا سبکی رئالیستی ابداع کردند که به تأسیس معبد‌هایی دارای تصویرهای زنده‌نمای بزرگ به اندازه طبیعی متوجه شد که در آنها صحنه‌های گوناگونی از زندگی بودا توصیف شده‌اند.

راه بودایی

بودا تجزیه و تحلیل خود را درباره وضعیت بشری بر مبنای سه استنباط اساسی که وی آنها را سه نشانه هستی^۱ نامید، بنیاد نهاد. نخستین نشانه یا ویژگی طبیعت هستی بشری، و پایه کل نظام دینی بودایی، ناپایداری (انیتیا)^۲ است. بودا گفته است همه چیز در حالت تغییر دائم است. هیچ چیز در جهان مادی پایدار نیست. اشیا ممکن است این تصور را به وجود آورند که پایدارند، اما این فقط یک پندر است. با دادن زمان کافی، همه چیز، کوه‌ها، دریاها، آسمانها، و بویژه انسانها، دگرگون خواهد شد و در نهایت کنار خواهد رفت، یعنی آنها ناپایدارند. دومین نشانه هستی، ناخوشایند بودن (دوکه)^۳. معنی تحت‌اللفظی آن "رنج" است که از همین ناپایداری نشئت گرفت. همه اشیایی که پایدار نیستند، از دیدگاه بودا، ناخوشایندند. اعتماد شخص بر هر شیء مادی بیهوده است و محکوم به شکست است. سومین نشانه هستی نیز از نخستین نشانه

1. Three Marks of Existence.

2. Anitya.

3. Duhkha.

با آنکه این قانون کلی به رسمیت شناخته شده هنرمند بودایی در سرتاسر هند نفوذ یافت، هنوز هم مجال بسیار گسترده‌ای برای کار هنرمند نابغه محلی وجود داشت. از این‌رو، پا به پای اشاعه یافتن آینین بودا، سبکهای جدیدی نیز برای توصیف و تجسم بودا ابداع شدند. مثلاً،



بودا، هندی، Katra

اوایل قرن اول میلادی.

در خط سیر هشتگانه^۱ واقع است، هشت جزء این خط سیر آزادسازی عبارتند از ۱. دیدگاه درست (یعنی صواب یا صحیح)، ۲. قصد درست، ۳. سخن درست، ۴. اعمال درست، ۵. امرار معاش درست، ۶. کوشش درست، ۷. توجه درست، و ۸. تمرکز درست. در اینها، در چند عبارت کوتاه و آسان برای به خاطر آوردن، برنامه کامل بودا برای نجات مندرج است.

این فهرست با بررسی دقیق‌تر به سه بخش جداگانه تقسیم می‌شود؛ بخش نخست، دیدگاه درست و قصد درست، به هستهٔ نهفتهٔ درک شخص از طبیعت واقعیت مربوط است، بودا برای آنکه برنامه‌اش دربارهٔ آزادسازی تیجهٔ بخش باشد، می‌دانست کسانی که می‌خواهند از برنامه مزبور پیروی کنند، باید شیوه‌ای را که برای تعبیر و تفسیر جهان برگزیده‌اند از بن تغییر دهند. انجام دادن چنین کاری هدف و مقصد دیدگاه درست است، یعنی داشتن یک جهت‌یابی عاری از درک جهان به مثابهٔ اشیای مادی متشکلی که تعیین‌کننده بودند و رسیدن به درکی از جهان به مثابهٔ یک رشته از روندهای پیوستهٔ دگرگون‌شونده و بر همدیگر اثرگذار. از این درک تازه از جهان، دومین مرحلهٔ خط سیر هشتگانه، قصد درست، حاصل می‌شود. موقعی که شخص اعتقاد پیدا کرد که تحلیل بودایی دربارهٔ هستی صحیح است و مصمم شد تا از خط مشی بودایی برای رستگار شدن متابعت کند، این امر به تیجهٔ می‌رسد. این به معنی رفتار کردن به شیوه‌ای نیکوکارانه و بدون زیان و پرداختن به تمام مراحل خط سیر هشتگانه است.

سه مرحلهٔ دیگر را طبق خط سیر هشتگانه برای نتیجهٔ بخش بودن

1. Eightfold Path.

حاصل می‌شود. این نشانه عبارت است از اندیشهٔ افاتمن^۲. بودا معتقد بود که انسانها از یک روح پایدار (آشن) برخوردار نیستند. از دیدگاه بودا، انسان موجودی مرکب از یک ابر پیوستهٔ متغیر، ساخته شده از اجزای مادی و ذهنی است. بنابراین، به عقیدهٔ بودا، سخن گفتن دربارهٔ یک «جوهر» ابدی مربوط به انسان که بعد از مرگ تداوم می‌یابد بکلی نادرست است. برخی از صفات مشخصه و ویژگیها ممکن است از یک زندگی به زندگی دیگر تداوم یابند، اما [تداوم] شخصیت فی نفسه ممکن نیست. گذشته از این، همهٔ پدیده‌های ظاهرآ عینی در جهان، در واقع از پیامدهای عاملهای پیوستهٔ متغیرند. این اندیشه، که بودایی‌ها آن را پرهیبترا -ساموتپادا^۳ می‌نامند، به این معنی است که تقریباً هیچ چیز به خودی خود مستقل از علتها قابل وجود ندارد.

اما بودا از این استنباط تاحدی بدینانه در قبال وضعیت بشر فراتر می‌رود تا پیشنهاد کند که راه خروجی برای برون شدن از این مخصوصه انسانی وجود دارد. این راه عبارت است از چهار حقیقت شریف^۴؛ نخستین راه این است که زندگی، در ذات خویش، ناخوشایند است. راه دوم این است که اندیشهٔ ناخوشایند بودن جهان به سبب عطشهای (تریشا)، به‌طور تحت‌اللفظی، "تشنگی" (Trshna) مداومی است که در انسان پدید می‌آید و از جهل (اویدا)^۵ در مورد طبیعت حقیقی واقعیت ناشی می‌شود. سومین راه حقیقت شریف این است که این نیازمندی نباید سرنوشت همهٔ انسانها باشد، و اینکه راهی برای رهایی یافتن از قید این ناخوشایندی جهان وجود دارد. آخرین مسیر حقیقت شریف این است که راه نجات یافتن از قید بندگی جهان

1. Anatman.

2. Pratitya - Samutpada.

3. Four Noble (i.e.Great) Truths.

4. Trsna.

5. Avidya.

شخص، انجام دادن این عمل معمولاً مختص راهبان و راهبه‌هاست. به شخص عمل کننده به توجه درست، تأکید می‌کنند: «در موقع راه رفتن، از راه رفتن خود آگاه باش؛ در موقع نشستن، از نشستن خود آگاه باش؛ در حین نفس کشیدن، از تنفس خود آگاه باش.» این است نخستین مرحله کوشش بودایی برای «بیدار شدن» که اساس آخرین مسیر خط سیر هشتگانه، تمرکز درست، یا آن‌طور که ما آن را تلقی می‌کنیم، مراقبه درست، را تشکیل می‌دهند.

مراقبه بودایی را در عین حال می‌توان به دو مقوله تقسیم کرد: نخستین مقوله عبارت است از سُمادی^۱. سُمادی به طور تحت‌اللفظی به معنای «آرامش پایدار» یا به دیگر سخن آرام ساختن ذهن است. اگر شخص به عمل توجه اقدام ورزد، نخستین چیزی که در می‌یابد این است که ذهن در جنبش مداوم است، افکارمان بدون فرا خوانده شدن بر می‌جوشند و در سراسر ذهن در یک گرداب پیوسته متلاطم شناور می‌مانند. برای اینکه شخص هرچه بیشتر به درون طبیعت حقیقی واقعیت نفوذ کند، بودایی‌ها معتقدند که نخست لازم است که این فوران افکار آرام شود. این هدف اعمالی است که برای فراهم ساختن سُمادی در نظر گرفته‌اند. دو مین مرحله این روند تمرین و پایانیه^۲، مراقبه «بصیرت» است. از راه تمرین کردن این نوع از مراقبه است که درک نهایی ماهیت واقعیت می‌تواند حاصل شود، و رهایی از چرخهٔ بی‌پایان سامسارا به دست آید.

1. Samadhi.

2. Vipasana.

بصیرتهای حاصل شده از دو مرحلهٔ نخست و به مرحلهٔ اجرا درآوردن آنها در دنیا طرح‌ریزی کرده‌اند. سخن درست، همان‌طور که از نامش استنباط می‌شود، بر مبنای استفادهٔ صحیح از سخن مตکی است، اما این در واقع متنضمین راهی درست است که در آن، انسانها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از این‌رو، شخص از دروغ گفتن، تهمت زدن، غیبت کردن، و به‌طور خلاصه از گفتن (یا احتمالاً حتی از اندیشیدن) هرچیز که باعث آشتفتگی یا رنجش خاطر دیگری شود، لذت نمی‌برد. این قصد آزار نرساندن به دیگری، در عین حال در مرحلهٔ دیگر خط سیر هشتگانه، اعمال درست، دارای نقش است. در این مرحله شخص مرتکب دزدی، قتل نفس، رابطهٔ نامشروع جنسی (قانونی که بر حسب اینکه مرتکب شونده راهب باشد یا فردی عادی دارای اجراء‌های متفاوت است)، نوشیدن مشروبات الکلی، و به‌طور کلی اعمالی که موجبات رنجش یا عصبانیت دیگری را فراهم آورد، نمی‌شود. پنجمین مسیر، امرار معاش درست، با چهارمین خط سیر که در آن امرار معاش شخص به هر وسیله‌ای که باعث اذیت و آزار، مانند فروش جنگ‌افزار، خرید و فروش مواد مخدر، داشتن شغل قصابی، و مانند اینها شود همتراز است. ششمین مسیر خط سیر هشتگانه کاملاً ساده است، و آن عبارت است از کوشش درست. بودا باور نداشت که مرتکب نشدن گاه برای هدایت شخص به سوی کامیابی نهایی بسته باشد، بلکه شخص به انجام دادن یک کوشش مثبت، هم به انجام دادن کار نیک و هم به عمل کردن به دستورهای مذهبی، نیاز دارد.

فقط در موقعي که به دو مسیر آخر خط سیر هشتگانه، توجه درست و تمرکز درست می‌رسیم، با اعمالی مواجه می‌شویم که صریحاً ما را به سوی مذهب جلب می‌کنند. توجه درست منحصراً یک عمل معنوی بودایی است که عبارت است از مراقبت دقیق از اندیشه‌ها و اعمال خود

تکامل تاریخی اولیه آیین بودا

تکامل آیین بودا در جنوب آسیا

مانند بیشتر دینها، سالهای آغازین آیین بودا در هاله‌ای از ابهام پوشیده شده است. اما یک چیز مسلم است و آن این است که سانگه، نظم بودایی راهبان بعد از مرگ جسمانی، یا پری نیروانا^۱ بودا باقی ماند. اما دوران میان رویداد مرگ بودا و پیدایش دوباره آیین بودا با توجه به تاریخ، در حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد، تا اندازه‌ای محرز نیست. روایت بودایی بر این مبنی است که به دنبال مرگ بودا، گردھمایی، یا شورایی فوراً تشکیل شد؛ توجه اصلی این گردھمایی تثبیت کردن متون بودایی برای حصول توافق بر سر این موضوع بود که کدام یک از

1. Parinirvana.

شد.^۱

روی هم رفته به نظر نمی‌رسد که این تقسیم‌بندی در میان سانگه هیچ تأثیر خاصی بر گسترش آیین بودا گذاشته باشد، یا بر تداوم موقیت آن در بین مردم هند خللی ایجاد نموده باشد. بعداً هم در میان سانگه بر سر سایر تفسیرهای وینه انشعابی پیش نیامد. سرانجام، نزدیک به ۱۸ مکتب، یا نیکایها^۲، بودایی در میان بوداییان اولیه هند به وجود آمدند. در حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد، محبوبیت آیین بودا در هند فوق العاده زیاد بود. چنین می‌نماید که یکی از بزرگترین فرمانروایان هند، آشوکا ماوریا^۳، (حدوداً ۲۸۰ - ۲۰۰ ق.م.) همهٔ هم خود را صرف حمایت از آیین بودا نموده باشد. وی به سبب یک رشتہ سنگ‌بنته که فرمان داد برای رسمی اعلام کردن نظام‌نامه‌ای درباره هماهنگی رفتار بودایی حک کنند؛ بسیار معروف است. این سنگ‌بنته‌ها نخستین سند ملموس از روند تأثیرگذاری بسیار زیاد آیین بودا بر زندگی و اندیشه هندی است.

در سال ۲۴۰ قبل از میلاد، شواری سوم آیین بودا در پاته لیپوتره^۴ پایتخت

۱. در اینجا لازم است یادداشتی درباره «جادایی»، و اصطلاح «اورتاد» مرتبط با آن اضافه شود. جدایی صرفاً توانست در چهارچوب نظام رهبانها متحقق شود. زیرا از دیدگاه بوداییان، جدایی نشانه یک اختلاف نظر در مورد روشنی بود که قوانین رهبانی بر مبنای آن تفسیر می‌شدند. این طبعاً چنین نتیجه می‌داد که افراد غیرروحانی قانوناً واجد قابلیت «جاداشوندگی» یا «مرتدانه» بودن نیستند، زیرا آنان، طبق تصریح قانون، در خارج از این محدوده قانونی قرار داشتند. به این دلیل است که ما بندرت شاهد درگیری گسترده میان جناحهای مختلف در تاریخ بودایی هستیم. اگرچه فرقه‌گرایی در موقعی که طبقه حاکم از یک شکل آیین بودا دفاع می‌کرد و راهبان از شکلی دیگر، اثرش آشکار می‌شد. ن.

2. Nikayas.
4. Pataliputra.

3. Asoka Maurya.

متون مزبور به عنوان گفته‌های خود بودا باید مورد پذیرش قرار گیرد. به دلایل گوناگون، به‌نظر می‌رسد که چنان توافقی حاصل نشده باشد، با وجود اینکه یک توافق کلی بر سر پیام اصلی بودا وجود داشت. این امر بدین معنی بود که تا اندازه‌ای تفسیر آنچه یک نسخه بودایی اصل بود و آنچه یک نسخه اصل نبود، به عهده فرد بودایی واگذار شد. وانهادن این کتب مذهبی، یعنی کل مجموعه متون مقدس بودایی، به این صورت در دسترس عموم مردم، به اختلاف نظر در تاریخ بودایی منجر شد.

دوین شواری بودایی در وایسالی^۱ در حدود سال ۳۸۰ قبل از میلاد، دقیقاً به سبب مناقشه‌ای که بر سر تفسیرهای متون مقدس بودایی در گرفته بود، برگزار شد. در این مورد، مشکل مربوط به تفسیر قوانین رهبانی مندرج در وینه بود. یک گروه، مahasangkhe کاما^۲، آماده پذیرش تفسیر ساده‌تری از قوانین مزبور بود، و معتقد به اینکه یک آرھنت^۳، کسی که در این عمر خود به روشن نگری رسیده بود، هنوز هم می‌تواند در معرض بلا تکلیفیها و ضعفهای انسانی باشد. مخالفان، استاهاویراها^۴، یا «ریش سفیدان»، که اکثریت سانگه را تشکیل می‌دادند در تفسیرشان از متون مقدس پذیرفته شده سختگیری بیشتری از خود نشان می‌دادند. از این به بعد هر دو گروه در حالی که از رفع کردن اختلافاتشان عاجز مانده بودند، به راه جدایگانه خود رفتند. بنابراین، آیین بودا، یک قرن پس از مرگ بنیانگذارش، به دو گروه مجزا تقسیم

1. Vaisali.
3. Arhant.

2. Mahasaghikas.
4. Sthaviras.

پیدایش آینین بودایی ماهایانا^۱

حدوداً در خلال سالهای ۱۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد است که ما ظهور دومین سیمای بزرگ آینین بودایی - ماهایانا - را مشاهده می‌کنیم. آینین بودایی ماهایانا یک مکتب فکری جداگانه نبود، بلکه جنبشی بود که هویتش را در ابتدا از راه متمایز ساختن خود از سایر جنبشها وابسته به آینین بودا کسب کرده بود. گرایشها ماهایانایی در آینین بودا از نخستین ایام مشاهده شده‌اند، بویژه در تلاشها بی که برای تأکید کردن روی تفوق سوتراها بر دو بخش دیگر از متون مقدس به عمل آمدند. قدیمی‌ترین آثاری که ما در مورد پیدایش یک سنت ماهایانای مشخص در دست داریم، تقریباً به حدود سال ۱۰۰ قبل از میلاد مربوط است.

سه مفهوم از این مکتب فکری نوظهور برجستگی پیدا کردند، نخستین آنها اندیشه سوئنه^۲ به معنی خلاً است، و این تکامل منطقی مفهوم بودایی کهتری بود مبنی بر اینکه انسانها از یک روح جاودان برخوردار نیستند و همه اشیا طبق شرایط از لی (پوه تیتا - ساموت پاد) محقق گشته‌اند. فیلسوفان ماهایانایی در این مورد یک گام فراتر رفتند، آنان نظر دادند که هیچ چیز اصلاً دارای واقعیت مستقل یا ذات جاودان نیست. اشیا ممکن است جامد یا قائم بالذات جلوه کنند، اما با بسط بصیرت حاصل از مراقبه، شخص در می‌باید که مطلب چنین نیست. این بصیرت، به نوبه خود، به روش نگری می‌انجامد.

دومین مفهوم که به صورت نقطه مرکزی اندیشه ماهایانایی درآمد این

1. Mahayana.

2. Sunyata.

امپراتوری مایوران^۱ تشکیل شد. در این شورا انجمن راهبان بودایی، سانگه راهبانی که در انجام دادن مسئولیت‌های مذهبی خویش صادق نبودند، پاکسازی نمود و یک بار دیگر بدون موفقیت، برای اعلام کردن رسمی نسخه معتبری از کتب مقدس بودایی تلاش ورزید. اما از همه مهمتر برای آینده آینین بودا، تصمیمی بود که برای گسترش مساعی مبلغان مذهبی بودایی، در خارج از سرزمین هند اتخاذ کردند. بعد از سقوط امپراتوری مایوران، نفوذ آینین بودا در هند رو به کاهش گذاشت، اما این کاهش به هیچ وجه سریع نبود. فعالیت مبلغان بودایی با موفقیت چشمگیری، بویژه در سریلانکا، تداوم یافت. پادشاه این سرزمین آینین بودایی را به عنوان دین رسمی کشور در حدود سال ۲۰۰ قبل از میلاد پذیرفت. همین طور هم، شماری از فرمانروایان بعدی هند، شیفته این آینین گردیدند. در میان این فرمانروایان بر جسته‌تر از همه، کانیسکا^۲ بود، پادشاهی متعلق به مردمانی چادرنشین که بر سرزمینهای مایوران در آسیای مرکزی و شمال غربی هند، استیلا یافته و در آنها سکنی گزیده بودند. کانیسکا چهارمین و آخرین شودای بودایی را یک روز در حدود سال ۱۰۰ م. فرا خواند. این شورا، که از سوی مکتب توهاده آینین بودا (خلف امروزی آن حزب استاهاواراست) به رسمیت شناخته نشده است، باز هم کوشش محکوم به شکست دیگری بود برای به وجود آوردن یک کتاب شرعاً معتبر.

1. Mauryan.

2. Kaniska.

خود «روحانی» اش، که در سایر سطوح هستی می‌زید، هنوز هم جهت مشاوره برای شماری اندک از افراد برگزیده قابل دسترس است. از دیدگاه بوداییان مذبور، بودا همچنان زنده است و می‌تواند حقایق تازه را درباره آیین بودا آموخت دهد. بنابراین، از قرن اول قبل از میلاد به بعد، یک ادبیات جدید با ادعای اینکه سخن بلافصل بوداست، در محدوده جامعه بودایی موجود پدید آمد. این ادبیات، در حالی که توجه بیشتر بوداییان غیرروحانی را به خود جلب می‌کرد، به نظر می‌رسد که اساساً توسط راهبان به رشتہ تحریر درآمده بودند. پیرامون هر یک از این سوپراهای تازه فرقه‌هایی با اندک پیوستگی یا بدون پیوستگی با یکدیگر پدید آمدند، که هر کدام از آنها منحصر به منطقه‌ای جغرافیایی بودند که افراد وابسته به این فرقه‌ها در آن نشوونما یافته بودند.

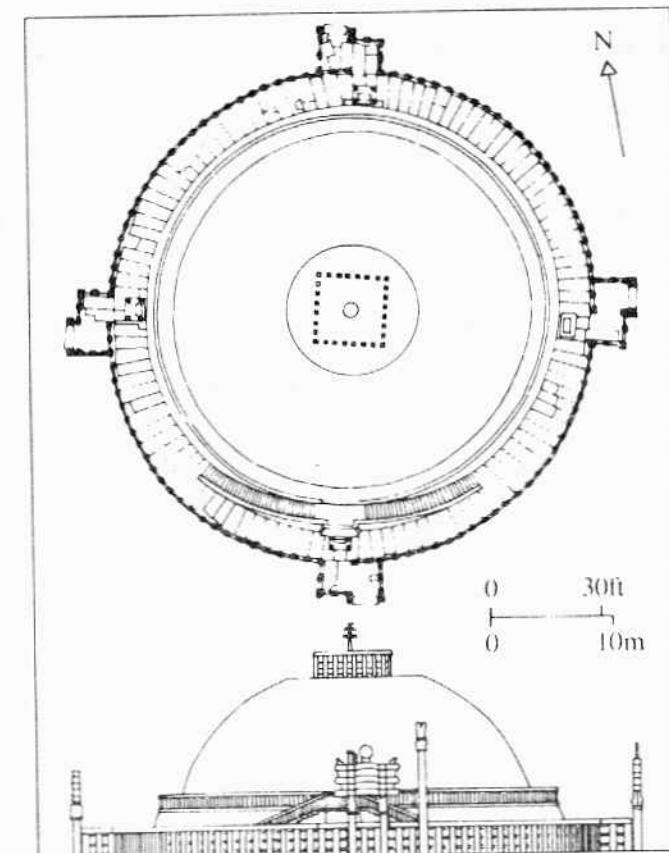
هواداران این متون جدید، خود را در ارتباط مستقیم با بودا احساس می‌کردند، خواه به وسیله همین سوپراهای تازه یا به وسیله راههای مستقیم تر مراقبه و رؤیا. همچنین به نظر می‌رسد اینان معتقد بوده‌اند (در تناقض با دیگر بخش‌های جامعه بودایی)، که این سوپراهای تازه، حاوی ارتباطات مستقیم از خود بودا، دارای حرمت ارزشمندتری از استوپاهای^۱ می‌باشند که بقایای پوسیده بدن مادی بودا را در بر دارند.

اما مفهومی که ژرفترین تأثیر را بر تکامل تفکر بودایی گذاشت، بودساتوا^۲ بود. بودساتواها انسانهایی هستند که به روشن نگری رسیده‌اند، اما عهد کرده‌اند که تا هنگام نجات یافتن همه مردم به دوباره متولد شدن در دنیا ادامه دهند. بسیاری از بوداییان از نمونه ایدآل آرخت،

1. Stupas.

2. Bodhisattva.

باور بود که مرگ بودا صرفاً یک توهمندیست و دیگر اینکه وی برای زنج بشری، قابل دسترس باقی می‌ماند. بتایه قول پیروان پرشور اندیشه ماهایان، فقط بدن مادی بسیار فریب بودا مرده است. بدن مادی لطیف و



نقشه استوپای بزرگ، سانچی، قرن سوم قبل از میلاد - قرن اول میلادی. این چشمگیرترین نمونه سالم مانده از ۸۴۰۰ گنبد بودایی است که چنانکه شایع است توسط امپراتور آشока احداث شدند. چهار دروازه آن بدقت در چهار جهت قطب‌نما قرار گرفته‌اند.

با سایر همسایگان نا-ماهایانایی شان تفاوتی نداشت. صرفاً بعدها بود که خصوصت در میان هر دو گروه بروز کرد، احتمالاً موقعی که ماهایانایی از سوی آیین هندو - آیینی که دوباره رواج پیدا کرده بود - در معرض تهدید قرار گرفته و حمایت عامه مردم را از دست داده بود. به هر حال، آیین بودایی ماهایانایی هرگز سرزمین هند را زیر نفوذ خود در نیاورد. موفقیت واقعی آن در جایی دیگر با عنوان آیین بودایی در شرق آسیا به دست آمد و گسترش پیدا کرد.

هیئت مبلغان بودایی و انتشار آیین بودایی در شرق آسیا

در ابتدا، آیین بودایی از راه روابط بازرگانی، تقریباً در آغاز قرن اول میلادی به چین برده شد. به طور کلی عقیده بر این است که نخستین نفوذ آین آیین تو به درون تمدنهای باستانی پیشین شرق، توسط بازرگانان آسیای مرکزی، ناحیه‌ای که بشدت از زمان آشوکا زیر تأثیر آیین بودایی قرار گرفته بود، انجام گرفت. با این‌همه، این حدس منطقی می‌نماید که احتمال دارد یک جریان مهم فرهنگ بودایی نیز از راه دریا به جنوب شرقی آسیا رسیده، و از آنجا تقریباً در همان تاریخ به جنوب چین انتقال یافته باشد. اما به هر حال، آیین بودا در بدء امر تأثیر چشمگیری بر چینی‌ها نگذاشت.

چینی‌ها کاملاً با نظامهای فکری بومی خودشان، مانند آیین تاؤ^۱ و

خودانگیختگی و تفرد کارورز بودایی که صرفاً مجدوب رهایی شخص خود بود، ناخشنود بودند. با اشاره به نمونه خود بودا، این متفکران اخیر باور داشتند که اگر شخص واقعاً از لحاظ روحی مراحل تکامل را پیموده باشد، بایستی از حس ترحم برای همه موجوداتی که از چرخه ساسازای تولد و مرگ رنج می‌برند، سرشار باشد. چنین انسانی، ورودش به نیروالا را برای یاری‌رسانی به انسانهایی که دچار رنجند به تعویق می‌اندازد.

بنابراین در آیین بودایی از روی باریک‌اندیشی، بر تغییر وضع دادن از تمرکز اصلی داشتن بر نفس خویش، به تمرکز بر کل هستی تأکید شد. افرون بر این، از آنجا که تکامل روحی بودی‌ساتواها از افراد عادی فراتر می‌رفت، آنان از نیروها و توانمندیهای بسیار بیشتری از انسان متوسط برخوردار بودند. ازین‌رو، بودی‌ساتواها می‌توانستند کمک مادی و معنوی را در اختیار کسانی که از آنان طلب یاری می‌کردند، قرار دهند. بنابراین، شگفتی آور نیست اگر که عامه مردم نسبت به آنان مهر و محبت فراوانی ای‌راز می‌کردند. محبوب‌ترین بودی‌ساتواها، مانند آوالوکیتسوارا^۲، متجوسری^۳، و مائیتھیا^۴، تقریباً مانند خدایان مورد احترام قرار گرفتند، و همین‌که آیین بودا از خاستگاه اصلی اش، سرزمین هند، فراتر رفت و اشاعه پیدا کرد، آنان نقش محوری پرنفوذی را در برانگیختن مهر و محبت مردم ایفا نمودند.

در وهله اول، کسانی که از اندیشه‌های جدید ماهایانایی پیروی کردند، در جامعه بودایی یک اقلیت بودند، و طرز رفتار عمومی آنان از هر حیث

1. Taoism.

3. Maitreya.

2. Manjusri.

آیین کنفوشیوس^۱، خرسند بودند، و حتی تا اندازه‌ای از تأکید آیین بودا بر ترک دنیا و تجرد، منزجر شدند. اینها مفهومهایی بودند که با کمال مطلوبهای چینی مستقر در آن جامعه مغایرت داشتند. همه اینها موقعی که نظام سیاسی و اجتماعی با ثبات چین در قرن دوم میلادی شروع به متلاشی شدن کرد، تغیر یافت. در سال ۱۴۸ م. یک هیئت تبلیغی بودایی به نام آن‌شیه - کائو^۲ برای نخستین بار موفق شده بود متون مقدس بودایی را به زبان چینی ترجمه کند. این ترجمه‌ها به طور دقیق از کیفیت بالایی برخوردار نبودند، زیرا مستلزم ابداع اصطلاحات بودایی به زبان چینی بودند و در آغاز کار برای بیان کردن اندیشه‌های بودایی از اصطلاحات تائویی استفاده شد. همین امر باعث در هم آمیزی اندیشه‌های تائویی و بودایی در ذهن چینی‌ها گشت. در طی اولین روزهای ورود آیین بودایی به چین، در وهله نخست، جزووهای کم حجم آموزشی و کتابهای راهنمای دربارهٔ مراقبه، بیشتر از رساله‌های پر حجم و مطول فلسفی ترجمه شدند. با فروپاشی سلسله هان^۳ در سال ۲۲۰ م. چین وارد دورانی از اختلافهای سیاسی و بی‌نظمی اجتماعی شد که تا پیدایش سلسله سویی^۴ در سال ۵۸۹ م. ادامه داشت. به رغم این واقعیت که سلسله‌های امپراتوری چین همچنان کوشش داشتند جای پای خود را در شمال چین حفظ کنند، ستاره بخت آنان رو به افول نهاد. در سال ۳۱۱ م. اقوام وحشی استپهای آسیای مرکزی به چین یورش آوردند و تسلط سیاسی چینی را در شمال چین به مدت تقریباً ۳۰۰ سال از بن برکنند. این شوربختی سیاسی موجب مهاجرت راهبان رسمی و دانش آموخته از شمال به سوی جنوب

شد، و سرانجام در ناحیه‌ای به نام چین - گنگ^۱، نزدیک شهر کنونی نانکینگ^۲، رحل اقامت افکنند. در اینجا آنان برای تشکیل سلسله شین شرقی^۳ به همکاری برخاستند و در حیات روشنفکرانه ناحیه مزبور نقش اساسی ایفا کردند. از درهم ادغام شدن این روشنفکران و رهبران مذهبی، برای نخستین بار یک آیین بودایی وابسته به طبقات برتر، یا آیین بودایی «اشراف» پدید آمد.

اشراف وابسته به آیین بودایی هم بر بودایی‌گری و هم بر دانش چینی تأکید داشتند، و در بحثهای فلسفی راه افراط می‌پیمودند، و فعالیتهای ادبی بر مبنای آمیختن اندیشه‌های تائویی و بودایی انجام می‌گرفت. همچنین، در شمال، آیین بودایی در ایالتهای جدیدی که اقوام وحشی تأسیس کرده بودند، رو به شکوفایی گذاشت. اما آیین بودایی در ایالتهای مزبور در سطوح متفاوتی تکامل پیدا کرد؛ در شمال، آیین بودایی یک دین دولتی بود که برای مقاصد و حفظ فرمانروایان بیگانه این ناحیه ایجاد گردید. راهبان در شمال چین غالباً هم نقشی سیاسی و هم نقشی مذهبی در حکومت ایفا می‌کردند، و در مسائل سیاسی و نظامی از مهارت لازم برخوردار بودند.

دهقانان در شمال چین، نظری کاملاً متفاوت درباره سودمندی آیین بودایی داشتند. علت گرایش آنان به آیین بودایی این بود که راهب شدن باعث معافیت مالیاتی و انجام ندادن کار اجباری می‌شد. به علاوه، آیین بودایی در شمال چین از لحاظ مراسم آیینی به گونه‌ای متحول شد که به رعیت رخصت می‌داد تا در چنین مراسمی، مانند پیشکش کردن نذورات

1. Chien - k'ung.

2. Nanking.

3. Eastern Chin Dynsty.

1. Confucianism.

2. Shin - Kao.

3. Han dynasty.

4. Sui dynasty.

بودایی سرزمین پاک [= فردوس آین بودایی]. اگرچه همه این مکتبها با اصول بنیادین آین بودایی به مثابه اصولی بیان شده از سوی بودا موافق بودند، استنباطشان از این اصول به وسیله دیدگاه‌های ماهایانا و فلسفه بومی چین مشخص می‌شد. به نظر می‌آید مکتب تین - تای در حدود سال ۵۵۰ م. ایجاد شده باشد. این مکتب نامش از صومعه کوهستانی ساخته شده توسط هوی - سو^۱ (۵۶۷-۵۱۵ م.) مأخوذه است. این مکتب، که متن آموزشی عمدہ‌اش لوتوس سوترا^۲ بود، تمایل یکسانی برای مراقبه و تحلیل نظری ابراز می‌داشت. تین - تای یک نظام فلسفی پیچیده باورنکردنی را به فصد یکپارچه کردن همه مکتبهای فلسفی بودایی، در یک کل هماهنگ به وجود آورد. از این نظام نیز یک نظام دقیق مراقبه به وجود آمد.

هوا - ین یا مکتب حلقه‌گل (دوران رونق، حدوداً ۶۵۰- ۷۵۰ م.) اساساً مربوط به تحلیل فلسفی بود. این مکتب، نخست با مفهوم پره تیبه - ساموت پادا، معتقد بود که همه پدیده‌ها لازم و ملزم یکدیگر و نافذ در همدیگرند. از این مفهوم، متکرانی هوا - ین یک نظام متأفیزیکی بسیار غامض به وجود آورند که بشدت بر تکامل فلسفی مکتبهایی که بعد از آن پدید آمدند، تأثیر گذاشت.

آین بودایی چن (ذن) در مسیری تا اندازه‌ای متفاوت از مکتبهای فلسفی پیچیده‌ای که ما هم اکنون درباره آنها بحث کردیم، پدید آمد. این مکتب معتقد بود که هسته آین بودایی در فلسفه یا متون آموزشی قرار ندارد، بلکه در تجربه مستقیم واقعیت غایی نهفته است. این می‌تواند از راه یک برنامه دقیق مراقبه حاصل شود. به جای متکی بودن به قطعه زمینهای

1. Hui - ssu.

2. Lotus Sutra.

به معابد، رفتن به زیارت، و نیایش برای بودیساتوahای گوناگون، شرکت جوید، از همان آغاز کار بود که دو سطح جداگانه و غالباً متمایز آین بودایی چینی پدید آمد، از سویی، یک آین بودایی فلسفی و تفکرآمیز، مختص طبقات برتر وجود داشت که امکان می‌داد مراسم مذهبی با تائی و بدون شتاب برگزار گردد و از سوی دیگر، یک آین بودایی بیشتر مبتنی بر رعایت مناسک مذهبی با تأکید بر امداد فوق طبیعی و شفاعت ایجاد شد که باب طبع دهقانان بود.

با پیدایش سلسله تنگ^۳ در اوایل سالهای ۶۰۰ م. آین بودایی در چین وارد دوران طلایی خود شد. نخستین فرمانروایان این دوران بشدت حامی دین بودند، و راهبان بودایی را برای به دست آوردن و ترجمه کردن متون مقدس جدید به هند فرستادند. از این‌رو، در تاریخ آین بودایی چین چهره‌های سرشناسی مانند هسوان - تسنگ^۴ (حدوداً ۵۹۶- ۶۶۴ م.) که از راه خشکی به هند سفر کرد، و آی - تسینگ^۵ که در سال ۶۷۱ م. کاتون^۶ را با استفاده از یک کشتی بازرگانی ایرانی ترک گفت، برای آین بودایی چین زندگی تازه‌ای را به ارمغان آوردند.

این تاب و تاب ترجمه کردن، در ضمن، با دستاوردهای فلسفی جدید و مهیج همراه بود.

بسیاری از این دستاوردهای فلسفی جدید، در جهت گیریهاشان منحصرآ چینی بودند. چهار مکتب عمده در میان این مکاتب فلسفی جدید بودایی عبارت بودند از تین - تای^۷، هوا - ین^۸، چن^۹ (ذن) و آین

1. T'ang dynasty.

2. Hsuan - tsang.

3. I - tsing.

4. Canton.

5. Tien - t'ai.

6. Hua - yen.

7. Ch'an.

کاری وجود داشت، یکی از آنها این بود که امپراتوران تنگ اعتقاد داشتند که از تبار لانوتسه^۱، بنیانگذار آینین تائو، می باشند، و در نتیجه آنان به طور روزافزون به پیروان آینین تائو علاوه‌مند می شدند. دلیل دیگر این بود که انگیزهٔ بسیاری از کسانی که به نظامهای رهبانی بودایی پیوسته بودند از روی ایمان مذهبی صادقانه نبود، بلکه این گونه افراد آرزومند منافع مادی متعددی بودند که چنین عضویتی در اختیارشان می نهاد، و برخورداری از یک زندگی دنیوی مرفه، باعث بی اعتباری همان آینین شد که آنان متعهد شده بودند آن را پاس دارند.

بسیاری از افراد باور داشتند که اگر اموال و زمینشان را به صومعه‌های بودایی مختلف اهدا کنند، مطمئناً از تولد دوبارهٔ آیندهٔ خوب برخوردار خواهند شد. از آنجاکه نظامهای بودایی از دادن مالیات معاف بودند، این اموال اهدایی، و عایداتی که از آن ممکن بود نصیب کشور شود، عملاً برای دولت از دست می رفت و هیچ حکومتی نمی تواند با کاهش یافتن درآمدهای مالیاتی به وظایفش عمل کند. در سال ۸۴۵ م. یک مقام رسمی مصمم وابسته به آینین کنفوسیوس، از امپراتور استدعا نمود تا از ادامه کار صومعه‌های بودایی جلوگیری کند و جامعهٔ روحانی را از وجود راهبان ناشایست پاکسازی نماید. حکومت فوراً برای منحل کردن صومعه‌ها به اقدام پرداخت. این عملیات برای آن نوع مکتبهای بودایی که اساساً دارای سازمانمندی رهبانی بودند، مصیبت بار بود. اما برای مكتب چن و آینین بودایی سرزمین پاک، که بر مبنای تشکیلات رهبانی اداره نمی شدند، چندان تأثیری نداشت. دهقانان به حمایت کردن از این دو شکل آینین بودایی ادامه دادند. اما دوران طلایی فلسفهٔ بودایی چن به سر آمد، و

متملکی اشتراکی، همان طور که در نظامهای رهبانی کهتر و ریشه‌دارتر مرسوم بود، راهبان چن با تکیه بر خیرات عمومی و کار شخصی خود برای به دست آوردن خرچی از مکانی به مکان دیگر پرسه می زدند. همچنین پیدایش آینین بودایی سرزمین پاک^۲ دارای اهمیت بود. این مكتب یا مكتبها که همگی تا اندازه‌ای بر متون مقدس بودایی با عنوان سوتراهای سرزمین پاک مبتنی بودند، اعتقاد داشتند که تلاش انسان برای نیل به رستگاری با در نظر گرفتن طبیعت رو به زوال وضع موجود دنیا بسته نیست. از این رو ضروری است خواستار یاری فوق طبیعی بودساتواها و بوداها که در جهانهای دیگر - «سرزمین پاک» - می زیند، گردیم. این سرزمینهای پاک، مانند دنیای ما، به سبب مرگ این رهبانی بودا، رو به زوال نگذاشته‌اند. این بوداها، و بخصوص بودا آمیده^۲ به مثابهٔ موجوداتی غمخوار تلقی می شدند، که اگر خواستاران، نامشان را با ایمان کامل بر زبان آورند، باعث خواهند شد که تولد دوبارهٔ آنان در سرزمینهای پاک، در جایی که نیل به نیرو ادا حتمی است، محقق شود. از آنجاکه این شکل از آینین بودایی مستلزم دوره‌های طولانی و خسته‌کنندهٔ به مراقبه نشستن نبود، و بیشتر مستلزم انجام دادن اعمال فردی مختص پرهیزگاری بود، این شکل از آینین بودایی بازندگی دشوار جسمانی یک دهقان بیشتر متناسب بود تا آینین بودایی فلسفی و مکاشفه‌ای طبقات برتر.

هم فردگرایی صمیمانهٔ چن و هم جاذبهٔ فراوان آینین بودایی سرزمین پاک، هر دو مكتب را در طی دورانی که بعداً به دنبال آمد، در موقعیت خوبی قرار داد. به رغم حمایت امپراتوران اولیهٔ تنگ، فرمادرایان بعدی این سلسله با آینین بودایی به مقابله برخاستند. دلایل چندی برای چنین

1. Lao Tzu.

1. Pure Land Buddhism.

2. Universe's Buddha.

تنگ در چین تکامل یافته بودند، باید باز هم در کره و ژاپن تلطیف می شدند، و یا هویت هر دو کشور همسان و هماهنگ می گشتند. کره و ژاپن در این زمان در معرض دگرگونیهای سیاسی مهم قرار گرفته بودند. آنها در حال فرا رفتن از خود مختاری محلی به سوی شیوه های بیشتر متمرکز دولتی بودند. در کره، سه سلسله کوگوریو^۱، سیلا^۲، پاکچه^۳ بر سر تسلط یافتن بر شبه جزیره با یکدیگر سخت درگیر نبرد بودند. موقعی که سیلا سرانجام در سال ۶۶۸ م. پیروز شد، حکومت مرکزی جدید در صدد برآمد تا با ادغام کردن مکتبهای بودایی مختلف، آنها را به صورتی واحد، زیر نظر یک معبد دولتی، درآورد. در طی دوره این اصلاحات، فیلسوفان بودایی کره برخی از بذعات آمیزترین اندیشه های فلسفی را که دین هیچ گاه به آنها نپرداخته بود، ارائه دادند. آین بودایی، که قویاً از سوی سلسله سیلا و جانشینش در کره حمایت می شد، تا قرن سیزدهم میلادی بسرعت رشد کرد. سرانجام، شکل کره ای ذن، سن^۴، به طور روزافزون بر آین بودایی کره ای تسلط یافت. اما سایر فلسفه ها مانند آین کنفوسیوسی جدید، در تقابل با آین بودایی، با برخورداری از حمایت دولت، شروع به رشد کردند. این امر، به انضمام یورشها خارجی پی در پی و سانحه های طبیعی، موجب کاهش حیثیت و اعتبار آین بودایی تا قرن کنونی [ییستم] شد.

تحولات همسانی نیز در ژاپن به وقوع پیوستند. آین بودایی، که در ابتدا از سوی ژاپنی ها به مثابه یک کالای خارجی غیر ضروری با عدم رضایت مواجه گشته بود، سریعاً به صورت یک سازمان مستقر کشور ژاپن درآمد. امپراتور و دربارش در آغاز علاقه ای به نکته های تهدیب کننده

دیگر هرگز تکرار نشد. آین بودایی در چین در این زمان وارد یک دوران افول آرام شد. در حالی که همچنان در روستاهای به این آین عمل می شد، انجام دادن اعمال مربوط به آن به طور روزافزون با سحر و جادو در هم آمیخت، و روز به روز توجه کمتری به رستگاری می شد.

آغاز آین بودا در ژاپن و کره

آین بودایی چینی، در اوج شهرت و اعتبارش، دارای مطلوب ترین وضع برای اشاعه دادن خویش بود. سلسله خاندان تنگ چین، مرکز بی چون و چرای تمدن جهان بود و به سان آهتر با دیگر کشورهای شرق آسیا را به سوی خود می کشید. درنتیجه، کشتهایی که سرگرم آوردن مأموران سیاسی ژاپنی، و سفیران از استانهای مختلف کره بودند، دائماً به سوی پایتخت امپراتوری چین، چنگ - آن^۱، پیش می رفتند. از آنجا، این کشتهای بارگیری شده نه تنها با نمونه هایی از مصنوعات هنری و فنی چین، بلکه با اندیشه های مذهبی نو، و در بعضی موارد انقلابی، به سوی سرزمینهای خویش رهسپار می شدند. این سخن که آین بودایی به درون فرهنگهای کره ای و ژاپنی تا قبل از قرن هشتم میلادی نفوذ نکرده بود، درست نیست. استاد معتبر نشان می دهند که این آین، در شکلهای مختلف، به درون شبه جزیره کره در قرن دوم یا سوم میلادی نفوذ کرده بود. در واقع، از آنجا بود که این آین در سالهای آغازین قرن پنجم میلادی به ژاپن رسید. اما این شکلهای جدید سنت بودایی، که در دوران سلسله

1. Koguryo.

3. Paekche.

2. Sila.

4. Son.

1. Ch'ang - an.

اندک اندک، آیین بودایی در ژاپن با میهن پرستی و افتخار ملی مرتبط گشت. این امر در قرن بیستم بر آن کشور آثار مهمی بر جای نهاد.

تبت و پیدایش آیین بودایی و اجره یانه

پیدایش آیین بودایی و اجره یانه با پیدایش کشور تبت به طور تنگاتنگ با هم مرتبط بودند. از منظری بسیار واقع گرایانه، اینکه کسی بتواند در تبت زندگی کند شکفتی آور است، تا چه رسد به موفقیتها بی که مردم تبت در این سرزمین به دست آورده اند. این ناحیه مرتفع، سنگلاخ، خشک، و متروک، از منابع طبیعی ناچیزی برای جلب انسان برای سکونت در آن بجهه مند است. همچنین این سرزمین از یک موقعیت جغرافیایی سوق الجیشی استثنایی نیز برخوردار نیست. با این همه، از دیر هنگام، زیستگاه قبیله های گله دار چادرنشین بوده است. در زمانی در حدود سال ۶۰۰ م. خاندانی پادشاهی در تبت مرکزی در پیرامون شهر لهاسا^۱ پدید آمد که قادر شد فلات تبت را زیر فرمانروایی خود درآورد. نخستین و بزرگترین فرد از میان این پادشاهان سنتگسن گامپو^۲ (حدوداً ۶۰۹ - ۶۴۹ م.) بود. این پادشاه، برای تحکیم بخشیدن به اقتدار خویش و بهبود روابط خارجی، با دو زن، یکی از نپال در جنوب و دیگری از امپراتوری چین در شمال، ازدواج کرد. هر دوی این همسران بودایی بودند و بی تردید همین امر برگسترش آیین بودایی مؤثر واقع شد. اما مهمتر از همه، این واقعیت بود که به محض اینکه تبت از وحدت پیشتری برخوردار گشت، شاهان

آموزه بودایی نشان ندادند، تا اینکه به یک نظرگاه نسبتاً خرافی اعتقاد پیدا کردند که برگزاری مناسک بودایی، کشورشان را از مصیبتهای طبیعی و ارواح شیطانی بهتر از خدایان شیتو^۳ بومی خودشان در امان نگه می دارند. این اعتقاد تا قبل از اواخر قرن هشتم میلادی، تا موقعی که دو اصلاح طلب بزرگ، سایچو^۴ (۷۶۷ - ۸۲۲ م.)، که مکتب تندای^۵ (صورت ژاپنی تین - تای) را بنیاد گذاشت، و کوکای^۶ (۷۷۴ - ۸۳۵ م.)، بنیانگذار مکتب تتریک شینگون^۷ مکتبی که مبنی بر رعایت آیین و مراسم دینی بود، با نگرشهای نو درباره دین، مبنی بر اینکه باید آیین بودا را به مثابه دین درک کرد نه به مثابه سحر و جادو، از چین بازنگشتند، پا بر جا ماند. علاوه براین، مدت زمانی نگذشت که مردم عادی علاقه مندی شان را نسبت به آیین بودایی وابسته به مکتب سرزمین پاک که توسط هون شونین^۸ (۱۱۳۲ - ۱۲۱۲ م.) و شاگردش شینتران^۹ (۱۱۷۳ - ۱۲۶۲ م.) آموخت داده می شد، نشان دادند.

در قرن سیزدهم، دگرگونیهای دیگری نیز در آیین بودایی ژاپنی پدید آمد. اصلاح طلبی به نام هیچیرن^{۱۰} (۱۲۸۲ - ۱۲۲۲ م.) شروع به تبلیغ برای یک نوع آیین بودایی فوق العاده ملی گرا کرد و اعتقاد داشت که ژاپن تبدیل به میهن معنوی واقعی دین شده است. در ضمن، همچنان که ژاپن روز به روز پیشتر گرفتار جنگ داخلی می شد، طبقات سپاهی در حال پیدایش به حمایت از اصول شاق آیین بودایی ذن به مثابه مناسب ترین آیین برای زندگی پر مخاطره و سختی که از سر می گذراندند، برخاستند. بنابراین،

1. Shinto.

2. Saicho.

3. Tendai.

4. Kukai.

5. Tantric Shingon.

6. Honen Shonin.

7. Shinran.

8. Hichiren.

سوی دومین شاهان مذهبی بزرگ، تریسونگ دتسن^۱ (حدوداً ۷۹۷-۷۰۴ م.) به تبّت دعوت شده بود، سامیه^۲، دیگر معبد اولیه بزرگ آیین بودایی را در تبّت بنادرد. در این موقع بین سالهای ۷۹۲ و ۷۹۴ م. بود که مسیر آیین بودایی تبّتی برای همیشه مشخص شد. این سالها به اصطلاح دورهٔ مباحثة بزرگ میان کاماالاسیلا^۳، نمایندهٔ تترهای هندی از آیین بودایی، و راهب بودایی مکتب چن [ذن] هو - شانگ ماهایانا از سرزمین چین به شمار می‌آیند. پس از این مباحثات، آیین بودایی تبّت از روی آیین بودایی هندی، بویژه از روی گونهٔ تترهای آن، الگوبرداری شد. همچنین از این دوره است که تبّتی‌ها به کوشش‌های چشمگیری برای به دست آوردن متنهای بودایی از هند و ترجمة آنها به زبان مادری خویش همت گماشتند. تبّتی‌ها در این زمینه بسیار موفق بودند، زیرا بسیاری از متنهایی که اکنون در سرزمین اصلی خود از بین رفته‌اند، هنوز هم با ترجمه‌های تبّتی در دسترس قرار دارند.

اما گسترش آیین بودایی در تبّت بدون دردرس انجام نگرفت. آخرین نفر از شاهان مذهبی بزرگ، رال پاچن^۴ (۸۳۸-۸۰۵ م.) فرمانروایی سیست عنصر بود و به دست برادرش لانگدارما^۵ کشته شد. پادشاه جدید آیین بودایی را دوست نمی‌داشت و می‌کوشید آن را در سرزمین تبّت برآندازد. به رغم این واقعیت که او پس از فرمانروایی مختصراً که فقط چهار سال به طول انجامید در سال ۸۴۲ م. به دست یک راهب بودایی به قتل رسید، دوران پادشاهی اش بر تخت سلطنت هم معرف پایان یافتن نخستین انتقال آیین بودایی به تبّت و هم پایان فرمانروایی اش به عنوان پادشاهی

1. Trisong Detsen.

2. Samye.

3. Kamalasila.

4. Ralpuchen.

5. Langdarma.

لهاسا دریافتند که دین کهن بُن - پو^۶، قادر نیست به همان اندازه‌ای که از عهدۀ آیین بودایی برمی‌آید، بلند پروازیهای سیاسی شان را برآورده سازد. افزون بر این، تبّت برای اولین بار در حال نگریستن به فراسوی مرزهای خویش بود. در دوران پادشاهی سنگشن گامپو، فرستادگانی به هند اعزام شدند و اینان خط رایج سنسکریت را برای استفاده در نوشتمن زبان تبّتی جرح و تعدیل نمودند. (نکتهٔ قابل توجه اینکه خط سنسکریت آوانگار است و تبّتی هم مانند چینی زبانی است نواختی). شکی نیست که از سوی دیگر، هیئت‌های تبلیغی بودایی متھور هم از گردنه‌های هیمالیا، و از فراز کوههای شرقی چین به تبّت آمده بوده‌اند.

زودهنگام ترین تاریخ ورود این هیئت‌های تبلیغی در پشت گرد و غبار زمان پنهان مانده است، اما روایتهای افسانه‌ای برقراری آیین بودایی را در تبّت به یک انسان مقدس استثنایی، پادماسامباهاوا^۷، که ظاهرًا به تبّت در قرن هفتم آمده است، نسبت می‌دهد. پادماسامباهاوا آن‌طور که از این روایتهای افسانه‌ای استنباط می‌شود، یک چهرهٔ برجستهٔ برخوردار از قدرت جادویی بهت‌انگیز بوده است که این توانمندی را به وسیلهٔ ریاضتهای توان‌فرسا، مناسک سرّی، و به مراقبه نشستن طولانی به دست آورده بود. دربارهٔ او، که متصف به زیر سلطهٔ درآوردن خدایان خطرناک و خشن کوهستانهاست، همچنین گفته شده است که بینانگذار بنای جوک هانگ^۸، اولین معبد بودایی، در لهاسا در دوران فرمانروایی سنگشن گامپو بوده است.

ورود آیین بودایی به تبّت در گزارش‌های هیئت تبلیغی شانتراکشیتا^۹ با وضوحی بیشتر آشکار است. شانتراکشیتا، این استاد تترهای هندی، که از

1. Bon - po.

2. Padmasambhava.

3. Jokhang.

4. Shantarakshita.

گُنچگ گیالپو^۱ (۱۰۳۴-۱۱۰۲ م.) تأسیس شد. این مکتب، به سبب صومعه اصلی اش در ساکیا، در جنوب مرکزی تبت، بوزیره به سبب نظام آموزشی اش، با نام نظام لامدره^۲ (که با مهارت، آموزش تتره و متون بودایی رسمی را در هم آمیخته بود)، و همچنین به سبب تأکیدش بر یک متن خاص، هواجرات تتره^۳، شهرت داشت. مکتب مذبور بسرعت بر رویدادهای دینی و غیر دینی تأثیر گذاشت، و موقعی که یکی از راهبان عمدہ اش، معلم رسمی امپراتور چینی - مغولی تبار، قوبیلاخان، شد، امپراتور به او امر غیر مذهبی سراسر کشور، و بعد هم اداره امور یک ایالت امپراتوری مغول را واگذار کرد. به این ترتیب، سنت دیرین فرمانروایی بر تبت، طبق مقررات رهبانیت بودایی شروع شد. این امر تا سال ۱۹۵۱ م. ادامه پیدا کرد.

سابقه اصل و نسب مکتب کاگیو^۴ به مارپا و شاگرد مشهورش میلاره پا^۵ (۱۱۳۵-۱۰۵۲ م.) می‌رسد. هر دوی این آموزگاران به سبب برخوردار بودن از فنون جادویی معروفند، و میلاره پا در عین حال به مثابه شاخص ترین شاعر تبت شناخته شده است. کاگیو اولین مکتبی بود که مفهوم تولکو^۶ را وضع کرد. تولکو راهبی است بسیار پیشرفته، معمولاً بنیانگذار یک نظام خاص، که به کرات برای از سرگرفتن وظایفش در نظامی که خود وی رهبر آن است، تناسخ می‌یابد و در بدنه نو سکنی می‌گزیند. بعد، نظام کاگیو، نخستین نظامی بود که امکان گسترش آن در اروپا و امریکا به رسمیت شناخته شد، و شماری از راهبان مشهور معاصر

1. Konchog Gyalpo.

3. Hevajra Tantra.

5. Milarepa.

2. Lamdre.

4. Kagyu.

6. Tulku.

غیر مذهبی بود. در این وقت بود که یک دوران تاریک برای تبت به مدت ۱۵۰ سال فرا رسید.

این دوران در حول و حوش سال ۱۰۰۰ م. پایان یافت. از این زمان بود که دومین انتقال آین بودایی به تبت، نه در تبت مرکزی، بلکه در بخش باختری این کشور، آغاز شد. در این موقع آموزگار بودایی آتیشا^۱ (حدوداً ۹۸۲-۱۰۵۴ م.) تعالیم جدیدی را از دانشگاهی در ویکراماشیلا^۲ هند به این بخش از کشور، پیش از سفر به تبت مرکزی به ارمغان آورد. مانند تبت خاوری، تبتی هایی نظری دروغما^۳ و مارپا^۴ (حدوداً ۱۰۹۶-۱۰۱۲ م.) سفر توان فرسایی را به سوی جلگه های هند در جست و جوی آموزگارانی روحانی که بتوانند از آنان آخرین گرایشهاي آین بودایی را فرآگیرند، آغاز نمودند. همراه با هجوم اندیشه های تو، علاقه مندی به مناسک آین بودایی از سرگرفته شد، و بنیانگذاری بیشتر مکتبهای بودایی از این تاریخ شروع گردید.

قدیمی ترین این مکتبها نینگ ماپا^۵ یا مکتب «کهنهها» بود که اعتقاد داشت متشاً شروع فعالیتش قدیمی تر از دومین بنیانگذاری آین بودایی در اوایل قرن یازدهم میلادی است. برخلاف دیگر مکتبهای آین بودایی تبتی، نینگ ماپایی ها به راهبانشان رخصت می دادند ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. نینگ ماپایی ها، با آزادترین شیوه ممکن، از لحاظ شخصیت، اساساً فردگرا بودند و بر موضوعهای محلی مانند غیبگویی، مراسم مربوط به کشت و کار، و جنگی ری تأکید داشتند.

یکی دیگر از کهترین مکتبهای تبتی مکتب ساکیا^۶ است که از سوی

1. Atisha.

3. Drogma.

5. Nyingmapa.

2. Vikramashila.

4. Marpa.

6. Sakya.

تاریخ، آیین بودایی یک سنت بسیار موردنمود توجه در جنوب هند بود که از سوی فرمانروایان کالاها^۱ جنوب شرقی هند بشدت حمایت می‌شد. اما تقریباً در حدود سال ۸۰۰ م. آیین بودایی را، ظاهراً، از این قسمت سرزمین هند ریشه کن کرده بودند.

اما، آیین بودایی همچنان در شمال شرقی کشور، با صومعه - دانشگاه‌های پررونق بزرگ که زمانی هزاران راهب در آن سکنی داشتند و تحصیل می‌کردند، به حیات خود ادامه می‌داد. مسافران چینی از جمله آی - تسینگ و هسوان - تسنگ گزارش داده‌اند که این مکانهای علمی بودایی، دانشجویان را از سراسر آسیای جنوبی و شرقی به سوی خود می‌کشیدند. پادشاهان کشورهای دوردست هدیه‌های گرانبهایی را برای نگهداری این مؤسسه‌های دقیق علمی ارسال می‌کردند. در اینجا بود که شکل تتره‌ای آیین بودا به وجود آمد، و نیز از همینجا بود که این شکل تتره‌ای به تبت و فراسوی آن نفوذ پیدا کرد. از بسیاری جهات، آیین بودایی صومعه - دانشگاه‌ها، به طور چشمگیری پرهیزگاری مورد نظر بودا را تغییر داده بود. در این موقع نوعی مناسک پرستی افراطی، فضارا با یک فلسفه دقیق و پیشرفته، و با یک کتاب مقدس پیوسته در حال شرح و بسط قسمت کرد. به رغم این، آیین بودایی، روی هم رفته، با خالی کردن میدان برای رقیانش در هند به حیات خود ادامه داد. دلایل این امر کاملاً روشن نیستند، اما برخی از عاملها آشکارند.

* هند پس از سال ۷۰۰ م. از لحاظ سیاسی بسیار بی‌ثبات بود. این کشور، با سقوط سلسله گوپتا^۲ بعد از سال ۴۵۰ م. و ایالت‌های جانشین بالافصلش، به صورت یک چهل‌تکه شامل ایالت‌های کوچک در حال

1. Kalabhra.

2. Gupta dynasty.

مانند چوگیام ترونگپا^۱ و چوچه اکونگ^۲ به این نظام وابسته‌اند. اما از میان مکتبهای تبتی، معروف‌ترین آنها مکتب دالایی لاما، مکتب گلوگپا یا کلاه زرد، است. این مکتب از سوی تسونگ خاپا^۳ (۱۳۵۷-۱۴۱۹ م.) به عنوان یک جنبش اصلاحی در آغاز قرن پانزدهم میلادی بنیان گذاشته شد، مکتب گلوگپا بزودی به صورت مکتب ممتاز آیین بودایی در تبت درآمد، و یکی از شاگردان تسونگ خاپا، جندون - دروب^۴ (۱۴۷۴-۱۳۹۱ م.) اولین سرپرست مکتبی بود که با نام دالایی لاما مشهور گشت. جانشینانش، در عین حال، به عنوان صورت تناصح یافته وی و صورت تناصح یافته آوالوکیتیشورا، بودیستانوای ترجم، تلقی می‌شدند. در سال ۱۶۴۲ م. دالایی لاما پنجم فرمانروای سراسر تبت شد، و اوضاع به همین منوال ادامه یافت تا اینکه دولت چین دالایی لاما پانزدهم کنونی را در سال ۱۹۵۹ م. از تبت تبعید کرد.

افول آیین بودایی در هند

آیین بودایی تتره‌ای واجره‌یانه، ثمرة آخرین دستاورده عمدۀ آیین بودایی در خاستگاه اصلی اش هند است. آیین بودایی از این به بعد خود را در وضعیت تدافعی احساس می‌کرد تا حالتی پرشور و پوینده. پس از این، آیین هندو بود که خود را آشکار ساخت. پیش از سال ۶۰۰ م. پرستش خدایانی مانند شیوا و ویشنو جانشین بسیاری از مکتبهای آیین بودایی شد. این اولین رویداد در بخش جنوبی شبه قاره هند است. پیش از این

1. Chogyam Trungpa.

3. Tsongkhapa.

2. Chuje Akong.

4. Gendun - drup.

گمنامی بیرون آورده شدند، و بعد از گذشت ۱۵۰ سال دیگر نیز آین بودایی به عنوان یک مذهب زنده هندی دوباره نمایان گشت.

کانون هنر: نقش فزاينده بوديساتوا

با پيدايش آين بودايی ماهايانا، سيمای بوديساتوا به طور فزاينده‌ای مردم‌پست شد. با مرور زمان، اين سيمای حاكمیت پداکرد و حتی سيمای خود بودا را در ذهن بسياري از مردم تحت الشعاع قرار داد. اين رويداد باید چندان شگفتی آور باشد، زيرا بودا - اين آموزگار بزرگ و درخور احترام - سيمایي دور از دسترس می‌نمود، و نمی‌توانست همچون بوديساتواها به ياري پيروانش بشتابد. از آنجا که بوداييان نيازمند کمک دنيوي، و در عين حال معنوی بودند، بوديساتواها، که می‌توانستند هر دو را تدارك ببینند، در اذهان بسياري از آنان نقش اول را حايز شدند. قدیمی ترین این بوديساتواها، مائیتیره یاست. وي را به عنوان مقیم بهشت، در حال آماده شدن به مثابه تجسم بودای دیگر در این جهان، نقاشی کرده‌اند. از میان بوديساتواها، وي یگانه فردی است که هم از سوی ماهايانیها و هم از سوی ترهاده‌ایها محترم شمرده می‌شد. از میان دیگر بوديساتواهای مورد احترام مکتبهای ماهايانا و واجره‌يانه، بزرگترین آنان آوالوكیتسواراست، وي را بی نهايت مهریان می‌دانند و او پیوسته آماده آمدن به این دنیا مادی برای امدادرسانی به موجوداتی است که رنج می‌برند. انجمنهای هنری درباره تصویرش بزودی دایر شدند؛ او را برخوردار از يك هزار چشم برای دیدن مصائب دنیا و برخوردار از يك هزار دست برای آزاد کردن [مردم] تصویر

جنگ تجزیه شد. علت اين امر آن بود که زندگی توده‌های مردم روز به روز دشوارتر می‌گشت. سطح کلی معیشت مردم در نتیجه اخذ مالیاتهای سنگین ناشی از جنگ، و به علت خسارتهایی که آنان در طی جنگهای مذبور متتحمل شدند، رو به کاهش گذاشت. اين امر دو نتیجه در برداشت، نخست، مبلغی که مردم می‌توانستند برای اهدا کردن به هدفهای مذهبی در اختیار بگذارند، به نحوی چشمگیر کمتر از آن میزانی بود که در ادوار مرفه‌تر فراهم می‌آمد؛ اما شاید مهمتر از آن، مردم در این زمان در جست و جوی رهایی مذهبی فوری بودند. آنان دیگر به رهایی بلندمدت از چرخه زندگی و مرگ علاقه نداشتند. به بیان دقیق‌تر، مردم خواستار مذهبی بودند که بسرعت بتوانند ثمرات ملموسی برایشان تدارک ببینند. همه اینها متجه به قطع شدن هدایای دهقانان به صومعه‌های بودایی گردید، هرچند بكلی قطع نشد، زира حمایت دهقانان شامل حال خدایان آین هندو شده بود.

حتی در این وضع نیز، آین بودایی لنگ لنگان به حیات خود ادامه داد. اما ضربه نهایی با یورش مسلمانان اتفاق افتاد. این مهاجمان با دو هدف از میان برداشتن بتها و آکنندن جیوهایشان، سراسر شمال غربی هند را درنوردیدند. بین سالهای ۱۰۰۰ و ۱۲۰۰ م. مهاجمان مسلمان، گروه گروه، به غارت و تخریب آخرین امکانات نفوذ بودایی در هند پرداختند. آن چند راهبی که از قتل عام گسترده برادران هم کیش خود جان سالم به در برده بودند، به سرزمینهای امن‌تری گریختند. بناهای تاریخی و صومعه‌های بودایی برای استفاده مسلمان‌ها یا هندوها قلب ماهیت پیدا کردند، خراب شدند، یا به واسطه غفلت و قصور در زیر پوشش جنگل موجود شدند. این وضع تا بهنگام آمدن بریتانیایی‌ها، حدود ۶۰۰ سال بعد، ادامه یافت، در این موقع بود که این آثار مخروبه از درون خلوت



یک تندیس مفرغی نتیئی آوالوکیتسوارا، بودیساتوای ۱۰۰۰ دست ترجم
بی کران.

نموده‌اند. وقتی که آینین بودایی در سراسر آسیا گسترش پیدا کرد، تصویرهای هنری جدید که تصویرهای بودیساتواها را با محیطهای جدید، بعضی اوقات با نتایج عجیب و غریب، وفق می‌دادند، پدید آمدند. آوالوکیتسوارا، در چین به عنوان کوان^۱ از عزت و احترام برخوردار گشت. اما کوان^۲ - این در هنر نقاشی به صورت موجودی زنانه تصویر شد! این گونه دگرگونی در سرتاسر فرهنگهای متأثر از چین در شرق آسیا، به شکل ضابطه درآمد.

اما آوالوکیتسوارا، فقط یک بودیساتوا که از سوی بودایی با ایمان محترم شمرده می‌شد، نبود. چهره مهم دیگر از آن منجوس ری بود. این بودیساتوا به مثابه هستی مجسم خرد برتر، که از راه مراقبه قابل حصول است، تلقی می‌شد، و از این رو غالباً تصویر او را در صومعه‌های بودایی نقاشی کرده‌اند. اما منجوس ری همه چیز هست جز یک چهره مهربان؛ او مسلح با یک شمشیر برای گستاخانه زنجیر ضلالت بود، چهره خشنمناک منجوس ری یادآور دائمی دشواری ذاتی جستن روشن‌نگری است. برخی از بودیساتواهای دارای بتهای کاملاً محلی‌اند، بهترین مثال در این مورد، بت جیزو^۳ ی ژاپنی است. می‌گویند جیزو عهد کرده است که بوداییان را از شکنجه‌های جهنم نجات دهد. در این سمت او مخصوصاً به عنوان نجات‌دهنده کودکان محترم شمرده شده است، و تندیسهای این بودیساتوا را غالباً بر مزار کودکان نصب کرده‌اند.

...

1. Kuan - yin.

2. Jizo.

۴

آیین بودایی مدرن

راههای بسیار، هدف واحد

میراث مشترک

همان طور که ملاحظه شد، آیین بودایی نه تنها در سرزمین محل تولد خود، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نیز، اشاعه و گسترش یافته است. اما چرا آیین بودایی چنین امکان مذهبی جذابی را برای بسیاری از فرهنگهای گوناگون در بر دارد؟ آیین بودایی در ادعای برخوردار بودن از شیوه‌ای برای نیل به دوست‌داشتنی ترین آرمانهای انسانی -صلح ابدی -با سایر مذاهب فرقی ندارد؛ آیین بودایی در باور به شماری از روش‌های دیگر، هر کدام مناسب با خلق و خواه و وضعیت‌های مختلف است، برای رسیدن به چنین آرمانی از دیگر مذاهب تمایز پیدا می‌کند. آن طور که در

امیدی، جز خود شخص وجود ندارد. انسانها، در کاملترین مفهوم، تنها هستند؛ هیچ عامل فوق طبیعی که بتواند انسان را از چرخه تولد و مرگ برهاند، وجود ندارد. آموزگاران [روحانی] فقط می‌توانند سمت و سوی را که شخص باید برود، نشان دهند. هیچ مقدار از موقوفیت مادی شخصی، نمی‌تواند رهایی انسان را از راهی که در پیش دارد، فراهم سازد. این تصویر یأس آور فقط با یک چیز منتفی می‌شود؛ بودا یک راه خروج کشف کرده است، و آن راهی است به سوی نیروالا. اما فرقه‌های مختلف بودایی، این پیام بینایین بودا را برای مناسب بودن با محیط‌های مختلف، به صورت گوناگون تفسیر می‌کنند.

تره‌واده: انضباط زندگی و تولید شایستگی

از میان بسیاری از مکتبهای بودایی که همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند، یکی که به آین بودایی بودا بسیار نزدیک است، مکتب تره‌واده است. این مکتب که اکنون فقط در لائوس، و کامبوج متداول است، کهترین مجموعه متنهای مقدس بودایی - شریعت پالی^۱ - را حفظ کرده است. اگر ما در جست‌وجوی یک عبارت ساده برای جمع‌بندی فلسفه آین بودایی تره‌واده باشیم، آن عبارت، تلاش شخصی خواهد بود. اساس تجربه مکافته‌آمیز بودا براین درک مبتنی بود که رهایی پیدا کردن از چرخه تولد دوباره از راه تلاشی شخصی قابل حصول است. خدایی وجود ندارد که تو را بجات دهد، و آموزگاری نیست که بتواند حقیقت را

فصل دوم ملاحظه شد، آین بودایی خیلی زود یک جهان‌بینی پیشرفته را به وجود آورد. در هستهٔ این جهان‌بینی چیزی وجود دارد که بعداً فیلسوفان غربی آن را با عنوان احساس هراس^۲ تعریف کردند؛ آن احساس مهم دلهره و جدایی که غالباً زندگی را به رنگ می‌زنند. بودایی‌ها می‌گویند این عنصر باطنی هستی انسان، یک بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی است که مسبب آن ناپایداری ذاتی زندگی است.

این مفهوم که کیهان ناپایدار است، یاد آور فیزیک مدرن است. فیلسوفان بودایی دوران باستان، به جهان به مثابه یک موجودیت ثابت و مادی نگاه نمی‌کردند، بلکه آن را به مسان ابری دائماً متغیر از نیروهای دارای تأثیر بر یکدیگر می‌دیدند. تحلیل بودایی، ناموافقی و ناپایداری طبیعت هستی، پایه و اساس کلی راه و رسم زندگی است. راه و رسم زندگی نه تنها بر پایه درک بودایی از طبیعت واقعیت استوار است، بلکه در عین حال بر درک آن از سرنوشت انسان و عاملهایی که بر آن اثر می‌گذارند، متکی است. از دیدگاه بودایی، هستی انسان یک گشت و گذار کوتاه بین تولد و مرگ نیست؛ این هستی از میان زمان و مکان لا یقطع امتداد می‌یابد، (زیرا بوداییان باور دارند که تقریباً شماری نامحدود از جهانهای متناوب برای این جهان وجود دارند) و انسان فقط می‌تواند چشم انتظار یک رشته بی‌پایان از تولد‌های مجدد، خواه در این جهان و خواه در جهانهای دیگر باشد.

نیروی محرك در پشت این زندگیها کارمه^۳ است، قانون پولادین علت و معلول به این معنی بود که کردار نیک، در بر دارنده نتیجه نیک و کردار بد در بر دارنده نتیجه بد خواهد بود. این امر، چنین معنی می‌داد که هیچ

1. The Pali Canon.

1. Angst.

2. Karma.

به تو عرضه دارد؛ صرفاً به وسیله تلاش شخصی ماهیت واقعیت می‌تواند شناخته شود و چرخه تولد و مرگ شکسته گردد. بنابراین نجات، در جامعترین مفهوم این اصطلاح، باید از راه انضباط بخشیدن به جسم و جان حاصل شود.

از دیدگاه بودا، مهمترین روش برای تجسم شخص به عنوان یک انسان، که خود این رویدادی است بس نادر، عبارت است از تلاش برای نیل به روشن‌نگری. از آنجاکه این امر تکلیف بسیار دشواری است، برای خبرگان امور مذهبی به صورت کاری دائمی تلقی شد. نخستین چیزی که بودا هنگام شروع تبلیغ انجام داد، وضع قوانین لازم برای داوطلبانی بود که در پی نیل به روشن‌نگری بودند. این قوانین، که به طورکلی به عنوان ویه‌یه یا انضباط شناخته می‌شوند، تمام جنبه‌های زندگی پیرو نیل به روشن‌نگری را در بر می‌گیرد. این قوانین هنوز هم در چارچوب محدوده زندگی خصوصی راهب بودایی دنیای معاصر اعمال می‌شود. قوانین مذبور مشخص می‌کنند که راهب چه نوع غذایی را در چه موقعی باید صرف کند، چه نوع لباسی می‌تواند بپوشد، با چه کسی می‌تواند زندگی جنسی داشته باشد، همین طور بسیاری دیگر از جنبه‌های کوچک و بزرگ زندگی راهب را معین می‌نماید. کسانی که از این قوانین پیروی می‌کنند، برازنده‌گی داشتن عنوان بهیک خاص^۱ او، اگر زن باشند، بهیک خانیس^۲ را پیدا می‌کنند. به طورکلی همه اینها سادگی، نظام بودایی، را فراهم می‌سازند که مظہر تعالیم بوداست.

راهب شدن

در برخی از کشورهای ترکه‌واهی، شخصی که راهب می‌شود مدت زمانی را که می‌خواهد در این سمت باقی بماند معین می‌کند. در دیگر کشورها، تصمیم‌گیری برای ماندن در این سمت دائمی است (یا دست‌کم قصد چنین است). در هر صورت، روند راهب شدن دارای دو بخش است. بخش نخست این روند پاباجا^۱ یا پیش رفتن خوانده می‌شود. در یک اجرای مجدد، مربوط به موقعی که بودا خانواده‌اش را ترک کرد، راهب داوطلب هم از مرحله وابستگی به زندگی خانوادگی برای عضویت در سانگه «پیش می‌رود». سن معینی برای برگزار کردن این آین وجود ندارد. معمولاً پدر و مادر در مورد راهب شدن یکی از فرزندانشان از همان سن کودکی او اقدام می‌کنند. انجام دادن چنین کاری به منزله برخورداری از دو مزیت تلقی شده است، یکی برای خانواده راهب نو خاسته، که از برگماری او برای سمت رهبانی اعتبار و احترام پیدا می‌کنند و یکی هم، برای خود راهب جوان است. در زمانهای گذشته، رهبانیت معمولاً یگانه راه تحصیل معارف برای نیل به مقام عالی حکومتی بود. حتی اکنون نیز، بسیاری از اولیای خانواده‌ها فرزندانشان را برای برخوردار شدن از سواد به آموزشگاه رهبانی می‌فرستند.

خود آین برگماری نوآموز برای سمت رهبانی نسبتاً ساده است. زمان برگزاری این مراسم را معمولاً از طریق نگاه کردن به زایچه داوطلب رهبانی تعیین می‌کنند. افزون بر این، وضعیت داوطلب رهبانی به اطلاع خدایان و ارواح محلی می‌رسد. پس از این، داوطلب مذبور سر خود را

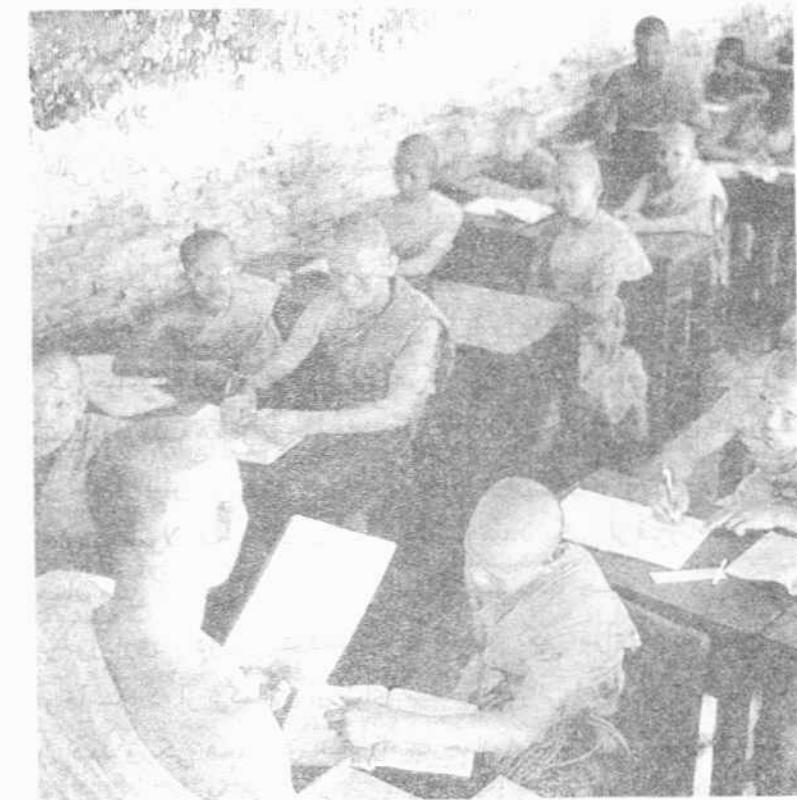
1. Pabbajja.

1. Bhikkus.

2. Bhikkhunis.

عضو رسمی نظام بودایی است، و از این تاریخ است که ارشدیتش برای نظام بودایی در نظر گرفته می‌شود. آنچه از پی می‌آید عبارت است از یک دوره آموزشی، تحت سرپرستی یکی از راهبان رده بالا. بعد از چند سال کارآموزی، اما نه پیش از فرارسیدن بیست‌سالگی وی، کارآموز نو خاسته ممکن است خواستار شرکت در دومین مرحله روند سمت رهبانی شود. این مرحله مراسم اوپاسم پادا^۱ نامیده می‌شود. برگزاری این مراسم نشانهٔ پذیرش کامل راهب نو خاسته برای ورود به سانگه است. پس از این مراسم، راهب به عنوان معلم راهبان جوان به کار می‌پردازد. وی در عین حال به عنوان یکی از اعضای تشکیلات رهبانی مشغول خدمت می‌شود. اگر راهبی بخواهد از نظام رهبانی کناره‌گیری کند، این کار بسادگی انجام می‌گیرد. این مورد، مستلزم برگزاری هیچ نوع مراسمی نیست.

اما طبیعی است که راهبها و راهبه‌های حرفه‌ای در سانگه، در جامعهٔ اولیه بودایی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جا گذاشتند. درحالی که تغییرات در سایر مکتبهای آیین بودایی به تأثیرگذاری کمتری در سانگه متوجه شد، آیین بودایی تره‌واده‌ای همچنان برای راهب نقشی بسیار برجسته در جامعه قایل است. این امر با توجه به این واقعیت که می‌گویند راهبها دارای تأثیرگذاری واقعی اندکی بر عامة مردمند تا اندازه شگفتی آور می‌نماید. اما به محض اینکه مذهب گسترش یافت، این طرز تلقی تا حدی دگرگون گشت. برخی از راهبان، با عنوان راهبان جنگل، بر سر جدایی رهبانیت ایدآل بودایی ستی از مردم کوچه و بازار پای فشرده‌اند. راهبان دیگر، در واقع اکثر راهبان، با عنوان راهبان روستا شناخته شده‌اند. راهبان اخیر در پی‌امون روستاها به سر می‌برند، و نقش معلمان آموزشگاه و مبلغان



کاندیداهای جوان رهبانیت از تدریس یک راهب جوان در آموزشگاه بودایی بانکری، تایلند، بهره می‌گیرند.

می‌ترشد و طبق آیین غسل می‌کنند. آنگاه، او مراسم سه پناهگاه^۱ را به جا می‌آورد و از مسئولان آموزشگاه چند دست ردا و دیگر چیزهایی که در زندگی روزانه مورد استفاده راهبه‌است، دریافت می‌دارد. او حالا یک

۱. Upasmpada.

شخص از شایستگی فوق العاده‌ای برخوردار می‌شود و از این‌رو، باید مورد احترام بسیار زیاد قرار گیرد. در کشورهای تره‌واده‌ای فعلی، دیدن مادر بزرگ‌هایی که در اتوبوس جایشان را به راهبان نوجوان می‌دهند، تعجب آور نیست. به نحوی متناقض، چشم پوشیدن از دنیا، به راهب در همین دنیا مقامی والا می‌بخشد.

برای درک این مطلب، ما به درک ماهیت آیین بودایی وابسته به عوام در کشورهای تره‌واده‌ای نیازمندیم. البته مردم عادی همیشه می‌توانند به سلک راهبان درآیند.^۱ اما اکثر آنان ترجیح می‌دهند در همان وضعیت زندگی ای که از آغاز تولد در آن پرورش می‌یابند، باقی بمانند. اما این به آن معنی نیست که چنین افرادی فاقد احساسات مذهبی‌اند، یا نمی‌خواهند در مناسک دینی شان شرکت داشته باشند، بلکه، آنان در راهی که برای مردم عادی طرح ریزی شده است - راه شایستگی (پونیه)^۲ - حرکت می‌کنند. در اصل، سانگه و مردم کوچه و بازار دو نیمه یک وجود واحدند. راهبان به توده مردم برای تأمین خوراک، پوشان، و دیگر ضروریات زندگی نیاز دارند. از سوی دیگر، مردم کوچه و بازار هم به راهبان به عنوان سرمشقهای اخلاقی و عاملی برای ایجاد شایستگی نیازمندند. اما معنی این شایستگی چیست؟

ما در اینجا دوباره به مسئله کارمه و تولد مجدد بر می‌گردیم. اگر کسی بداند که تولد مجددی در پیش دارد، و شرط تولد مجدد مطلوب، منوط

۱. فقدان راهبه‌های بودایی در کشورهای فعلی تره‌واده‌ای، بازتاب یک رویداد تاریخی است تا مسئله جنسیت به طور عمده. در واقع، زنان همچنان یک نقش مذهبی بسیار مؤثر، اگرچه غیررسمی، را در این گونه کشورها ایفا می‌کنند. افزون بر این، جنبشی برای معمول کردن سمت راهبگی در کشورهای تره‌واده‌ای در حال شکل‌گیری است. راهبه‌ها همچنان در آیین بودایی ماهابانا و واجره‌بانه به امور مذهبی می‌پردازند. ن.

2. Punya.

مذهبی محلی را برای توده مردم ایفا می‌کنند؛ اینان راهبانی هستند که به خدمت عامه مردم سرگردند.

برخلاف سایر مذاهب یا سایر صورتهای آیین بودایی، در این مورد بخصوص، مناسک آیین بودایی تره‌واده‌ای برای مردم کوچه و بازار به وضوح شاق و دشوارند. گروههای مردم عادی در روز اول ماه تو و روز اول بعد از شب چهاردهم هر ماه قمری گرد هم می‌آیند. در این گردهمایی، که معمولاً در آن یک راهب نیز حضور دارد، آنان وفاداری شان را به سبک زندگی بودایی با ازیز شمردن سه پناهگاه و پذیرش پنج فومن^۳ تجدید می‌کنند. آنگاه آنان به موضعه راهب، که معمولاً جنبه تشریفاتی دارد تا حالتی خودجوش، گوش می‌دهند. بعد از این، آنان ممکن است به یک مراقبه کوتاه‌مدت بپردازند. جشنواره‌های فصلی بیشتر دارای ویژگی یکسانی هستند و پیرامون زندگی بودا دور می‌زنند. از یک لحظه، در این مراسم حالتی چندان مذهبی مشاهده نمی‌شود. اما این، تا اندازه‌ای اشتباهی است که از درک غلط درباره تکاليف مذهبی متناسب با بخش‌های مختلف جامعه ناشی می‌شود. از دیدگاه بوداییان تره‌واده‌ای، اعمالی مذهبی نظیر مراقبه، جزو وظایف فرد غیرروحانی نیست، آنها اعمالی هستند که قاعده‌تاً به راهبان اختصاص یافته‌اند. پرورش بصیرت، به عقیده بوداییان غیرروحانی، پیشه‌ای است دائمی که در این جار و جنجال دنیای مدرن، پرداختن به آن به آسانی امکان‌پذیر نیست. بنابراین اگر کسی مایل باشد به این نوع کار پردازد، باید خود را کاملاً وقف آن کند و مانند بودا از دنیا چشم بپوشد. با انجام دادن چنین کاری،

۳. Five Precepts. اصول اخلاقی بودایی که به همه بوداییان مربوط می‌شود. این اصول عبارتند از خودداری کردن از کشتن، دروغگویی، دزدی، زنا، و شرب مسکرات. ن.

دنیوی راضی هستند.

توجه خاصی که در قبال مراقبه راهبان مبدول می شود، به این معناست که آنان بیشتر وقت خود را جدا از عامه مردم می گذرانند. اما همیشه قضیه چنین نیست؛ در تعطیلات بودایی مهم، دو گروه بر هم دیگر اثر می گذارند. به طورکلی، جشنواره های بودایی درباره رویدادهای زندگی بودا ساخته و پرداخته شده اند. افزون بر این، از آنجا که این گونه جشنواره ها در محدوده شرایط جامعه های کشاورزی به وجود آمده اند، در عین حال به برخی از مناسبتهای مربوط به چرخه کاشت و برداشت تمايل نشان می دهند. جشنواره های دیگر، مانند جشن آغاز سال نو، از جامعه ای به جامعه دیگر فرق می کنند.

در کشورهای تره واده ای، به طور مرتبا هر دو هفته، یک روز را بر مبنای رؤیت بدرو هلال ماه به برگزاری مراسم مذهبی اختصاص داده اند. این روزها، که روزهای پویا نامیده شده اند، تقریباً با روزهای یکشنبه اروپا و امریکا مطابقتند. در این ایام، عامه مردم پنج فرمان مرتکب نشدن به دروغ گویی، قتل، دزدی، زنا، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی را رعایت می کنند. عامه مردم غالباً چنین روزی را به امور مذهبی مانند رفتن به صومعه برای گوش دادن به موعظه یکی از راهبان و پرداختن به مراقبه ای کوتاه مدت سیری می نمایند. این یک سرمشق کلی است که در همه تعطیلات مذهبی، در روزهای پویایی ماههای قمری خاص، از آن تبعیت می شود. روزهای پویا در کشورهای بودایی غیر تره واده ای برگزار نمی گردند.

از دیدگاه بودایی تره واده، مهمترین جشن سال، روز بدرو ماه، که

است به کردارهای نیک، بنابراین، پرداختن به اندوختن ذخیره ای از کردارهای نیک، تا حد امکان، امری است صرفاً خردمندانه. در محدوده فرهنگ تره واده ای، اندوختن چنین ذخیره ای از راه دانه¹، یا دهش، به نتیجه می رسد. بیشترین تأثیر این دهش موقعی است که دریافت کنندگانش راهبان باشند. آنچه تکامل یافته است یک ارتباط مذهبی متجانس است که برای هر دو طرف دارای مزایایی است. علاوه براین، شایستگی در بر دارنده فواید دیگری نیز هست.

در حالی که تره واده ای ها باور ندارند که خدایان بتوانند آنان را به آزادی نهایی برسانند، اما همین خدایان همچنان فواید خاص خود را دارند. موقعی که کسی در مواردی مثل کشت و کار، بیماری، عشق، و غیره نیاز به کمک دارد، رجوع به بودا و راهبانش بیهوده است، زیرا این مشکلات دنیوی به حوزه کار این بزرگان مربوط نیست. در این گونه موارد خدایان می توانند کمک کنند، اما باید آنان را مجبور کرد. این کار از راه انتقال دادن شایستگی انجام پذیر است. از آنجا که بوداییان خدایان را به عنوان موجوداتی فنا ناپذیر تلقی نمی کنند، بلکه فقط دارای عمر طولانی می دانند، معتقدند که خدایان همین که اراده کنند، دوباره متولد خواهند شد. در این صورت، خدایان نیز اگر بخواهند در وضعیتی خوب دوباره متولد شوند، به شایستگی نیاز دارند. اما طبیعت خدا بودن، این امر را به دلایل مختلف، برای بوجود آوردن این شایستگی ناممکن می گرداند. بنابراین، خدایان از این حیث که صرفاً زمانی می توانند شایستگی را کسب کنند که از سوی انسانها به آنان انتقال داده شود، به انسانها وابسته اند. این بوداییان تره واده ای از انتقال دادن این شایستگی در عوض پاداشهای

1. Dana.

ذن: طریق تهی بودن

آینین بودایی ذن در مقابله شدید با آینین بودایی تره واده‌ای قرار دارد. خاستگاه اصلی ذن سرزمین هند است، اما تا موقعی که به چین، و آنگاه به کره و ژاپن برده نشد، به کاملترین توان خود نرسید. مسیری را که ذن در آغاز پیمود، از مسیری که اغلب دیگر مکتبهای آینین بودایی پیمودند، متفاوت بود. مکتبهای مزبور به گرد آمدن در صومعه‌هایی که با گذشت قرنها بیشتر و بیشتر صاحب ثروت و مکنت می‌شدند، گرایش داشتند. از این‌رو، راهبان خودشان را در جایگاهی ویژه می‌دیدند. این راهبان به طور فردی مانند پیروان اولیه بودا فقیر بودند، اما به طور گروهی غالباً خارج از حد تصور حریص و مالپرست بودند. آنان، به نحوی فزاینده، از این اموال برای ساختن عمارتهای بزرگی که ماهرانه تزیین می‌شدند و سخاوتمندانه با اسباب و اثاثیه مجهز می‌گشتدند، خرج می‌کردند. در حالی که این امر مسافران خارجی را تحت تأثیر قرار می‌داد، در میان برخی از راهبان بتدربیح این احساس پدید آمد که چنین تزییناتی انحرافهایی خطرناک از وظیفه اصلی نیل به رهایی از چرخه زندگی و مرگند. این جریانهای روشنفکرانه جدید برگسترش و تعیین موقعیت ذن اثر گذاشتند.

از لحاظ فلسفی، اساس ذن مبتنی بر این است که همه انسانها از قبل دارای فکر روشن هستند، فقط هنوز از این مطلب آگاه نیستند. بنابراین، هدف ذن آگاه ساختن انسان از طبیعت روحانی خاص خوبیش است. این امر، نه از راه کتاب آموزشی یا فعالیتهای روشنفکرانه، بلکه از راه مراقبه به نتیجه می‌رسد. مراقبه ذن برای فایق آمدن بر ذهن استدلایلی و شنوی است و همچنین برای هدایت نمودن کارورز ذن به سوی وحدت بخشیدن

وساک^۱ نامیده می‌شود، است. اعتقاد بر این است که روز تولد، روش نکری، و روز مرگ بودا، هر دو، در این روز (گرجه در سالهای مختلف) اتفاق افتاده‌اند. جشنواره مهم دیگر در روز بدر ماه ژوئن برگزار می‌شود. این جشن شانه آغاز شدن سه ماه طولانی کناره‌گیری باران^۲ (گاهی اوقات روزه بودایی نامیده می‌شود) است. در این ایام، راهبان برای نشستن به مراقبه متمرکز، از جامعه کناره‌گیری می‌کنند. عامه مردم نیز در این ایام برای رعایت کردن دقیق‌تر اصول بودایی تلاش می‌ورزند. ایام مزبور با مراسم کاتینا، که در طی آن عامه مردم برای راهبان راهاهای نو و دیگر ضروریات معيشی را به همراه می‌آورند، پایان می‌یابد.

برخی از جشنها فقط در نواحی مشخصی برگزار می‌گردند. به عنوان مثال، جشن پوسون^۳ به سبب ورود تعالیم بودایی به سری‌لانکا در قرن دوم قبل از میلاد، فقط در این سرزمین برگزار می‌گردد. همچنین مراسم برگزاری اسالا^۴ نیز صرفاً در سری‌لانکا انجام می‌گیرد. این جشن، که اسالا پری‌هارا^۵ نامیده می‌شود، در زمانی که دندان مقدس باقیمانده از بودا در معرض دید عموم قرار می‌گیرد، با به راه اندختن یک راهپیمایی بزرگ در کاندی برگزار می‌گردد. در سایر کشورهای تره‌واده، جشن‌های دیگری نیز برگزار می‌گردد. در حالی که این بخشها رویدادهایی جدی به شمار می‌آیند، در عین حال اوقات لذت‌بخشی را فراهم می‌سازند.

1. Wesak.

2. Rain Retreat.

3. Poson.

4. Esala.

5. Esala Perihara.

درنتیجه، مناسک، جایگاهی مهم در آین بودایی ذن داشت، و هنوز هم دارد. در صومعه‌ها و معبد‌ها معمولاً یک مراسم نیایش صحیحگاهی و یک مراسم نیایش شامگاهی برگزار می‌شود که سرپرستی آن را، اگر در صومعه باشد، راهب بزرگ، و اگر در معبد باشد، مسئول معبد بر عهده دارد. عامهٔ مردم - جز در تعطیلات بودایی بزرگ، که فقط به خبرگان مذهبی اختصاص دارد - می‌توانند در این مراسم شرکت کنند. در مراسم مذبور، میوه، گل، و بخور به بودا و بودیساتواهای بزرگ مانند متوجوس‌ری و آوالوکیتسوارا پیشکش می‌شود. چند متن مقدس، بویژه سوتای اصل^۱، متنی موجز که آموزه‌های فلسفی ذن را در خود دارد، قرائت می‌شود. در این نیایشها، پیشوایان بودایی اغلب رداهای ابریشمی گلدوزی شدهٔ زیبایی بر تن می‌کنند که از زندگی ساده و بی‌پیرایه‌ای که از سوی ذن موعظه می‌شود، بسیار فاصله دارد. دیدن این‌گونه مراسم برای کارورزان امریکایی و اروپایی که ذن را از روی کتابها فراگرفته‌اند و نه از آموزگاران حی و حاضر، اندکی تکان دهنده می‌نماید.

در کشورهای بودایی تره‌واده، راهبان و عامهٔ مردم برای برگزاری مراسم بزرگ‌داشت روزهای مهم مربوط به تولد و مرگ بزرگان آین بودایی گردhem می‌آیند. اما تعطیلات مذهبی بودایی ماهایانا غالباً با کشورهای تره‌واده فرق دارند. در ژاپن، بزرگترین کشور ماهایان، ژاپنی‌های بودایی مراسم مربوط به تولد، روشن‌نگری، و مرگ بودا را در همان روزی که این مراسم در کشورهای تره‌واده هم‌کیش آنها مانند سری‌لانکا و جنوب شرقی آسیا انجام می‌گیرد، برگزار نمی‌کنند. جشن تولد بودا (هانا ماتسوری)^۲ در هشتم آوریل، روشن‌نگری (نهان)^۳ در

به موقعیت هستی و حیاتی است که همهٔ ما از آن سهم داریم. این امر می‌تواند به یک یا دو شیوه انجام پذیرد. در مکتب سوتی ذن، کارورز ذن «فقط می‌نشینند»، زیرا این مکتب معتقد است که خود عمل تمرکز فکر، فی نفسه برای نیل به روشن‌نگری کافی است. از دیدگاه فرقهٔ رینزایی، این روند اندکی پیچیده‌تر است. مکتب مذبور از پرسشهای تنافق‌آمیزی که با عنوان کوآن‌ها از آنها نام می‌برند، به مثابة ابزاری برای ضربهٔ روحی وارد کردن بر افراد در مقابل با افکار ثنوی‌شان استفاده می‌کنند. برخی از این کوآن‌ها، مانند «صدای کف زدن یک دست چه قدر است» یا «آیا یک سگ هم دارای خصلت بوداست»، حتی در خارج از حال و هوای سنت بودایی شهرت پیدا کرده‌اند.

این آموزش مراقبه‌ای، همراه با تأکید ذن بر سادگی، ممکن بود شخص را به این فکر بیندازد که ذن، بیشتر جنبهٔ مبتنی بر رعایت مناسک آین بودایی را از بین برده است. در واقع، همین گمان بود که بسیاری از امریکاییان و اروپاییان را درست بعد از جنگ جهانی دوم به تغییر کیش واداشت. اما در واقع قضیهٔ چنین نبود. ذن تحت نفوذ حامیانش، طبقات حاکم قدرتمند و صاحب ثروت ژاپن، قرار داشت. این طبقات، که غالباً دین و دولت را به سان دو روی یک سکه می‌انگاشتند، معمولاً به توانایی عینی راهبان ذن برای برگزاری مناسک دفاعی مؤثر، بسیار بیشتر از اعمال فلسفی و مکافنه‌آمیزی که راهبان تبلیغ می‌کردند، تمایل نشان می‌دادند. در حالی که این نوع فعالیت، کاملترین حالت را در دیگر مکتبهای بودایی مانند شینگون^۴ پیدا کرد، همهٔ مکتبهای بودایی ژاپنی تا اندازه‌ای با این تأکید مبتنی بر رعایت آین و مناسک درآمیخت.

1. Heart Sutra.

2. Hana Matsuri.

3. Nehan.

1. Shingon.

است که در سیزدهم ژوئیه شروع می‌شود. این جشن خاطره رهایی مادر یکی از شاگردان بودا را از یکی از دوزخهای بودایی، گرامی می‌دازد. در ژاپن، این ایام به صورت یادبود بزرگداشت یکی از نیاکان از دست رفته درآمده است. برخی از جشنها برای کارورزان ذن بسیار اهمیت دارند. در اکابر جشن خاطره بزرگداشت بودهیدهارما^۱، اولین آموزگاری که ذن را از هند به چین آورد برگزار می‌شود. همچنین مراسم بزرگداشت آموزگاران بزرگ ژاپنی ذن اجرا می‌گردد. بزرگداشت خاطره ریتزایی زنجی^۲ در دهم ژانویه، دایتو زنجی^۳ در بیست و دوم نوامبر، دگن زنجی^۴ در بیست و هشتم اوت، و کیزان زنجی^۵ در پانزدهم اوت برگزار می‌شوند. کارورزان پیرو سوزمین پاک، روز بیست و یکم ماه مه را به افتخار بنیانگذارشان، شیتران، جشن می‌گیرند.

واجره یانه: روش مناسک رازورزی

زمانی در حدود سال ۵۰۰ م. شکل دیگری از تحولات مذهبی در سرزمین هند بروز کرد. در همین زمان بود که هم آین بودایی به ارائه کردن آن ویژگیهایی که اکنون تنتره نامیده می‌شوند، پرداختند. به نظر می‌رسد تنتره تلاشی برای ایجاد شکل دیگر از عمل بوده که از مراقبه‌های ایستای آین بودایی دوران پیشین بیشتر پویا بوده است. در این روند، یک شکل جدید را دیکال از آین بودایی پدید آمد. آین بودایی

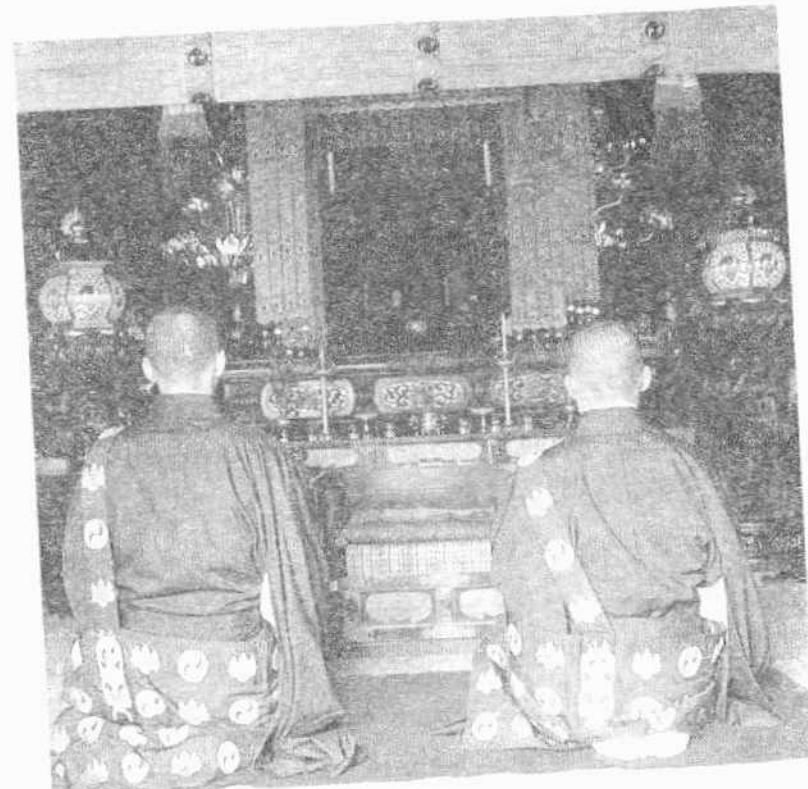
1. Bodhidharma.

3. Daito Zenji.

5. Keizan Zenji.

2. Rinzai Zenji.

4. Dogen Zenji.



راهبان شینگون در برابر یک محراب در معبد Mount Koya - in شوجوشین راهبان شینگون به سبب نوانایی شان برای انجام دادن مناسک دفاعی مژثر مشهورند.

پانزدهم فوریه، و مرگ (روهاتسو)^۱ در هشتم دسامبر برگزار می‌شود. روهاتسو معرف یک دوره هفت روزه مراقبه فشرده است. از روزهایی که برای ژاپنی‌های بودایی دارای اهمیت ویژه‌اند، جشن چهار روزه ابون^۲

1. Rohatsu.

2. Obon.

این گوروهای بسیار متعالی، بهسان موجوداتی که موفق اراده خود قادرند چندین بار تناصح پیدا کنند، پنداشته می شوند. اینها همان تولکوهایی به شمار می آیند که در سطرهای پیشین به آنها اشاره شد. با راهنمایی یک گوروی باتجربه، نوآموز در مسیر تتره گام می گذارد.

این امر با تمرینهای مقدماتی شروع می شود. این تمرینها ممکن است از مکتبی به مکتب دیگر فرق داشته باشند، اما آنها از برخی عناصر مشترک برخوردارند. کارورز باید ۱۰۰۰۰۰ سجده به جا آورد. او ۱۰۰۰۰۰ بار نذرهای مذهبی مختلف را ادا می کند و اوراد در نظر گرفته شده برای تزکیه و تمرکز ذهن خود را تکرار می کند. اما باید این را متذکر شد که هیچ کدام از این اعمال در واقع فی نفسه تتره ای نیستند! این اعمال، که لزوماً سالها وقت می گیرد و انجام دادن آنها از عهده بسیاری از مردم هیچ گاه برنمی آید، برای آزمون کارورز تتره ای آینده و تزکیه او برای وظیفه ای که در پیش دارد، در نظر گرفته شده اند. می گویند، انجام دادن این اعمال به خودی خود دارای ارزشند، و بسیاری از مردم، بویژه مردم عادی، این مناسک را بدون قصد فراتر رفتن از آنها، برای تحصیل واقعی تتره، که معمولاً به عنوان کار اختصاصی راهبان و راهبه ها تلقی شده است، اجرا می کنند. چنین کارورزانی انجام دادن این اعمال را به مثابه نهالی که در یکی از حیاتهای آینده ثمر می دهد، در نظر می گیرند.

با انجام دادن کامل این اعمال مقدماتی، شاگرد اکنون برای اینکه گورو وی را به عضویت بپذیرد، آماده است. این مراسم به عضویت پذیرفته شدن، آیینی که^۱، در مورد درس خواندن شاگرد حایز کمال اهمیت است. بدون این، حتی اگر کسی بر متون تتره ای اشراف یافته باشد، تحصیلات وی بیهود خواهد بود. آیینی که نه تنها بر عمل یک شخص صحه

1. Abhiseka.

واجره بیانه نسبتاً با ساختاری متفاوت از دیگر شکلهای آین بودایی کار خود را شروع کرد. تفاوت مزبور بیشتر از لحاظ روش شناسی است تا فلسفی. آین بودایی واجره بیانه، به جای توجه نکردن به بدن به عنوان وسیله ای برای نیل به روش نگری، آن را نعمتی معتبر می شمارد.

درنتیجه، تعالیم راهب بودایی واجره بیانه تا اندازه ای از تعالیم مورد نظر راهبان تره واده ای یا ذن متفاوت است. اساس تعالیم تره واده، تکمیل مراقبه به وسیله مقررات رهبانی و شناخت متنهای مقدس پالی است. اساس تعالیم ذن تکمیل مراقبه به وسیله خود - انضباطی است. اساس تعالیم واجره بیانه مبتنی است بر تکمیل مراقبه توسط مناسک عبادی. اما این تأکید بر انجام دادن مناسک، نسبتاً دیر در زندگی راهب فرامی رسد. در وهله نخست، او را ملزم کرده اند به خاطر آماده شدن برای تحصیلات مربوط به مناسک عبادی اش، یک دوره طولانی را برای یادگیری متون مقدس تحمل کند. به نظر می رسد اعمال تتره ای در سوق دادن کارورز به نیرو افوق العاده مؤثر باشند. اما این اعمال فوق العاده هم مخاطره آمیزند. دسترسی به آنها بدون آمادگی زیاد، عاقلانه نیست و ممکن است به تناصح در یکی از دوزخهای متعدد بودایی منجر شود. به همین دلیل است که مردم عادی میل دارند از عمل تتره ای اجتناب ورزند، و استفاده از آن را به خبرگان مذهبی واگذارند.

تتره چیزی نیست که خود شخص بتواند آن را انجام دهد. این را فقط می توان در شاگردی نزد یک گورو = آموزگار دینی اکه خودش نیز همان مسیری را رفته است که شاگرد در آرزوی طی کردن آن است، فراگرفت، و نزد کسی که بتواند با تجربه هایش او را راهنمایی نماید، آموخت. در واقع، گورو به عنوان شخصی بسیار مهم تلقی می شود، به طوری که غالباً نسبت به او، مانند یک خدای اصلی، با احترام رفتار می کنند. بسیاری از

متفاوت دور از دسترس می‌باشد، مجهر می‌سازند. در هنگام پاگشایی، کگردن، که با چنین مسائلی کارآزموده شده است، برای شاگرد یک ییدام را جهت کار انتخاب می‌کند. علاوه بر این، او شاگرد را با یک ماتره مناسب برای آن خدا [= ییدام] آشنا می‌سازد. این ماتره، معمولاً از منبع سنسکریت، جوهر ییدام را در یک عبارت کوتاه که شاگرد می‌تواند در تمام اوقات و تمام مراحل زندگی روزمره خود با آن به مراقبه بپردازد، مدلول ساخته است. به وسیله آن، شاگرد یک ارتباط روحی دائمی را با درون خویش حفظ می‌کند.

از مانده در بیشتر اعمال مذهبی رسمی استفاده می‌شود. مانده یک تصویر بسیار پیچیده است که در واقع جهان را، با تمام پیچیدگی‌هاش، با شاگرد یکی می‌سازد. به وسیله مانده، فضایی مقدس که دو را یکی می‌سازد، خلق می‌شود. مانده نوعی نقشهٔ جادهٔ مقدس است که سفر شاگرد را به سوی «کاخ» ییدام وصف می‌کند. همراه با انجام دادن مناسک و پرداختن به مراقبه با تبعیت از این نقشه، و چیره‌گشتن بر موائع متعدد که بر سر راه شاگرد قرار می‌گیرند، وی به هدف نهایی یکی شدن با ییدام تزدیکتر می‌شود. چنین وحدتی نقطه‌ایج عمل شاگرد است. به وسیله آن، وی به شناخت یکسانی اش با واقعیت نهایی^۱، و همچنین نیل به رهایی از چرخهٔ تولد و مرگ می‌رسد.

مناسکی از این نوع، مانند مناسک کالاچاکرا، با سال بودایی و تعطیلات مذهبی تکرار شونده آن برابر نیستند. تقویم تئی قمری است و از این رو، روزهایی که به جشنها اختصاص دارند، کاملاً با فاصلهٔ زیاد تغییر می‌کنند. تئی‌ها تولد بودا را در نهمین روز چهارمین ماه قمری سال جشن

1. Ultimate Reality.

می‌گذارد، بلکه در عین حال به آن قدرت می‌بخشد. شاید از همه با اهمیت‌تر، این امر شاگرد را در «خانواده» کسانی که از متن ویژه یا متنهای در نظر گرفته شده در مناسک استفاده می‌کنند، قرار دهد. این امر کارورز را برای درک تعالیم شفاهی که به صورت سینه به سینه از سوی آموزگار به شاگرد دربارهٔ معنای متن تدریس می‌شود، واجد شرایط می‌سازد؛ این آموزش بسیار مهم است. در جامعهٔ مدرن، ما اعتقاد داریم که این متنها باید فی‌نفسه واضح باشند، اما در سنتهای تنبره‌ای، متنی که خودش بوضوح تشریح گردیده بود، بسیار خطرناک دانسته می‌شد؛ شناخت گنجانده شده در متن امکان داشت باعث خسارت واقعی شود. در تیجه، متنها اغلب به زبانی گیج‌کننده و اسرارآمیز که گاهی زبان تاریک روش^۱ نامیده می‌شد، به رشتۀ تحریر درمی‌آمدند. این بدان معنی بود که متنها به خودی خود، وسیله اصلی انتقال دادن تعالیم نبودند، بلکه بیشتر به سان نوعی دستیار حافظه به استادان و شاگردان در یادگیری هرجه بیشتر سنت شفاهی مهم کمک می‌کردند.

همچنین در موقع ایشی^۲ که است که شاگرد، ماتره و مانده‌اش را از ییدام خود دریافت می‌کند. به نظر می‌رسد بوداییان واجره‌یانه به یک طیف وسیع از خدایان و بانو خدایان معتقد باشند. اما از نظر کارورز تنبره، خدایان مزبور، موجودات چندان قائم به ذات واقعی، مانند آنچه ما از نمادهای مربوط به نمونه اصلی مرحل روان‌شناختی و روان‌رنجوری تلقی می‌کنیم، نیستند. بدین لحاظ، این خدایان، کارورز را با شیوه‌ای از تعامل با عاملهای درون ذهن خودش که ممکن است از جهات دیگر فقط در یک سطح ناخودآگاه وجود داشته باشند، و از این رو به طرزهای

1. Twilight language.

مکتبهای بودایی - مکتب سوزمین پاک - باز کرد. ریشه‌های مکتب سوزمین پاک در هند قرار دارد. همان‌طور که در فصل سوم کتاب ملاحظه شد، اندیشه‌های جدید مرتبط با مکتب ماهايانا در هند در حدود صد سال قبل از میلاد شروع به پدید آمدن کردند. یکی از این اندیشه‌های جدید، این مفهوم بود که جهانی که ما در آن سکونت داریم فقط یکی از سامانه‌های جهانی فراوانی است که وجود دارند. ما در متون مقدس بودایی می‌خوانیم که بودا در نزدیکی پایان زندگی اش، یک روز در میان جنگل گردش می‌کرد که تصادفاً به شاگرد ملازم خود، آناندا، گفت، اگر کسی از او پرسد، یک بودا می‌توانست در جهان به طور نامحدود زندگی کند. متأسفانه، آناندا از باهوش‌ترین شاگردان بودا نبود و او از درک این سخن کنایه‌آمیز عاجز بود. بودا، بی‌پروا، آن عبارت را برای خودش تکرار کرد. باز هم آناندا از درخواست پرسش مناسب غافل ماند. بودا یک‌بار دیگر کوشش کرد و موقعي که آناندا از او درباره ماندن در جهان پرسشی نکرد، فوراً آناندا را با خبر کرد که وی بزودی خواهد مرد. از دیدگاه بوداییان، مرگ بودا نشانه سرآغاز رو به زوال گذاشتن پیام بودا در جهان ماست. همین‌طور که زمان پیش می‌رود و ما بیشتر از زمان بودا دور می‌شویم، وضعیت اخلاقی جهان هم رو به زوال ادامه می‌یابد. در واقع، بسیاری از بوداییان باور دارند که در عصر فعلی وضعیت اخلاقی به قدری رو به زوال گذاشته است که رسیدن به روش‌تکری را ناممکن گردانیده است. اما همه سامانه‌های جهانی مانند سامانه ما نیستند. دلیل عده‌برای ادعای مذبور، این بود که هر کدام از این سامانه‌های جهانی بودای خاص خود را دارند، و بوداها باید که در آن سامانه‌ها تجسد یافه‌اند، مانند بودای جهان ما نمردند.

این موضوع بر کل هدف کردار دینی تأثیر گذاشت. از دیدگاه

می‌گیرند. آنان سالروز روش‌تکری و مرگش را در پانزدهمین روز چهارمین ماه قمری برگزار می‌کنند. در چهارمین روز اولین ماه، تبتی‌ها مونلان چنمو^۱ را برگزار می‌نمایند، که نزدیک به سه هفته را در بر می‌گیرد. در پانزدهمین روز پنجمین ماه، با اعتقاد به این مطلب که خدایان و بانو خدایان محلی از حامیان تعالیم بودایی‌اند، هدایایی نثار آنان می‌شود. از ایام خاص مورد توجه اکثر پیروان فرقه گلوبغا [کلاههای زرد] سالروز درگذشت بنیانگذار خویش جی توونگ خاپا^۲ است که آن را در بیست و پنجمین روز دهمین ماه برگزار می‌کنند و تولد دلایی لاما کنونی را نیز مطابق تقویم غربیان در ششم ژوئیه جشن می‌گیرند.

سوزمین پاک: موهبت نجات بخشی امیده بوتسو^۳

پیگیری همه مسیرهایی که ما تا اینجا درباره آنها بحث نمودیم، برای فرد عادی بسیار دشوار است. پیمودن این مسیرها مستلزم آن است که کارورز جامعه را ترک کند، و برای نیل به هدف مطلوب روش‌تکری، ساعتها بیان طولانی به مراقبه یا انجام دادن مناسک پردازد. برای اکثر مردم، پرداختن به این امور نه جالب است و نه راه مناسبی در زندگی دنیوی به شمار می‌آید. الزامهای خانواده و جامعه، رخصت انجام دادن چنین کارهایی را نمی‌دهند. در این صورت، آینین بودایی برای این گونه انسانها چه امیدی در برخواهد داشت؟ این پرسش از همان آغاز تاریخ آینین بودایی مطرح شد، و پاسخهایی که به آن داده شد راه را برای پیدایش تقریباً شایع‌ترین

1. Monlam Chenmo.

2. Je Tsongkhapa.

3. Amidabutsu.

بتوسو بود. مانند همه بوداها و بودیساتواهاء، آمیتایها نذر کرده بود که تمام انسانهای هوشمند را نجات دهد. در این مورد، معنی ادعای مزبور این بود که هر کس از او با ایمان کامل درخواست کند که در سرزمین پاک وی دوباره متولد شود، او به درخواست کننده کمک خواهد کرد. این امر دستیابی شخص را به روشن‌نگری در تولد دیگر ش تضمین خواهد نمود. در یک آن، این مفهوم جان تازه‌ای به زندگی آئین بودایی دمید. مراقبه، مناسک، و یادگیری متن مقدس صرفاً ممکن بود از عهده کسانی برآید که قادر بودند اوقات فراوانی را برای پرداختن به این‌گونه اعمال صرف کنند. از این سخن چنین استنباط می‌شد که انجام دادن این کارها فقط مختص کسانی است که یا از دنیا دست کشیده‌اند یا بدون نیاز به دیگران از ثروت کافی برخوردارند. اما اصول اساسی سرزمین پاک، مبنی بر اینکه رستگاری به ایمان بیش از اعمال وابسته است، به این معنی بود که مردم عادی، کسبه، و روتاییان از این پس می‌توانستند کاملاً به عبادت بودایی پردازند.

درباره این موضوع، از این پس یک رشته اعمال مذهبی و آثار ادبی برای آن دسته از مردمی که تا آن موقع به کارکنان حامی راهبان و راهبه‌ها تنزل داده شده بودند، پدید آمد. درحالی که روتاییان می‌توانستند به سبب بخشش [مال] به مرحله شایستگی نایل شوند، در عین حال می‌توانستند به سبب کمک به انسانهای فوق طبیعی در آرزوی رستگاری باشند. با تکرار وردهای کوتاه و دعاها، طبقات فرودست می‌توانستند در آن واحد، هم کار و هم عبادت کنند. پرداختن به این امور، توأم با سفرهای زیارتی به شهرهای مقدس در هر موقع که امکان داشته باشد و حمایت از راهبان، به صورت خصیصه پیروان طریق سرزمین پاک درآمد. به نظر می‌رسد سرزمین پاک که در هند به یک مکتب بزرگ تبدیل

تره‌واده‌ای‌ها، رو به زوال گذاشتن این جهان به معنای این بود که تنها هدفی که آنان می‌توانستند داشته باشند، عبارت است از یک تولد دوباره مطلوب در زمانی از آینده به هنگامی که یک بودای جدید، مایتربا^۱، در روی زمین برای احیا کردن ایمان بودایی پدیدار خواهد شد. اما بسیاری از بوداییان ماهایان، یک گزینه امکان‌پذیر مستقیم تری در نظر داشتند، تولد دوباره در یک جهان پاکتر، و متفاوت. این جهانها کلاً با عنوان سرزمین پاک معروف شدند. به بودایی که آئین بودایی را در این جهانها بنیان نهاده بودند، شاگردانی که تا اندازه‌ای از لحاظ درک باهوش‌تر از آناده بیچاره بودند پیشکش می‌شد. بنابراین، این بوداها برای همیشه به زندگی ادامه می‌دادند. درنتیجه، جهانهایشان نه تنها مانند جهان ما رو به زوال نمی‌گذاشتند، بلکه واقعاً تا اندازه‌ای، از دید ما، از بهشت بهتر بودند. در واقع، آنها به اندازه‌ای کامل بودند که هر کس در چنان جهانی متولد می‌شد، حتماً می‌توانست از لحاظ معنوی به مرحله‌ای پیشرفت کند که در طی یک عمر به روشن‌نگری نایل آید.

هدف بودایی‌ها در جهان، همان‌گونه که بودایی‌های سرزمین پاک آن را مجسم کردند، تولد دوباره در یکی از این جهانهای سرزمین پاک بود. اما، یک مشکل وجود داشت، بوداییان سرزمین پاک معتقد بودند که جهان ما به اندازه‌ای فاسد شده است که خود ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم تا مطمئن شویم که برای تولد دوباره‌مان در سرزمین پاک بسته باشد. از حسن اتفاق، انسانها حامیانی فوق طبیعی در میان بودایی‌ها که بر این سرزمینها =جهانهای دیگر [فرمانروایی می‌کردند، داشتند - بوداها دیانه - مشهورترین اینها آمیتابها^۲ یا، آن طور که در ژاپن نامیده می‌شود، امیده

1. Maitreya.

2. Amitabha.

۵

آین بودایی و تعارض با دنیای مدرن

آین بودایی دارای یک تاریخ طولانی و جذاب است، اما تابخردانه خواهد بود که تصور شود همه شکوه و شهرتش به گذشته مربوط می‌شود و دیگر یک آین پویا به شمار نمی‌آید. همان‌گونه که در همین فصل ملاحظه خواهیم کرد، آین بودایی ناچار بوده است تا خود را با شرایط بسیار متغیر دنیای مدرن وفق دهد. در برخی از موارد، این سنت به آرامی حرکت کرده است. اما در دیگر موارد، تعارضهای میان آین بودایی و ایدئولوژیهای جدید، بدون دشواریهای توان فرسا رفع نشده است.

نشد، موقعی که در شرق آسیا رایج شد پیشرفتش بسرعت افزایش یافت. یکی از دلایل این امر آن بود که هم چین و هم ژاپن به ترتیب عده زیادی مبلغ با استعداد تربیت کردند. بدختانه، دفاع این مبلغان از آموزه سوزمین پاک، غالباً از سوی مقامهای روحانی و غیرروحانی به عنوان مخالفت با حکومت تلقی می‌شد، به طوری که گاه به گاه مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند. تمام اینها در ذهن عامه مردم این اندیشه را تقویت می‌کرد که آین بودایی سوزمین پاک، آین بودایی متعلق به مردم است، در حالی که دیگر شکلهای آین بودایی به طبقه فوقانی جامعه تعلق دارد. درنتیجه، آین بودایی سوزمین پاک به نحوی بسیار گسترده در سراسر جامعه متعلق به طبقات فرودست چین و ژاپن شیع پیدا کرد. ازین‌رو، شگفتی آور نیست که بدانیم اولین آین بودایی که به سوزمین امریکا رسید آین بودایی سوزمین پاک بود که توسط همین مردم وابسته به طبقات پایین که در جست‌وجوی زندگی بهتر مهاجرت کرده بودند، به ارمغان آورده شد.

صراحت پیدا کرد. در دوران همین پادشاه بود که مردم سینهالی دوباره بر پیشتر بخش شمالی جزیره، که قبلاً از سوی مهاجمان تامیل بازور از آنان گرفته شده بود، تسلط یافتند. برای چنین کاری دوتوگامونا پرچم جنگ مذهبی را، با مطرح ساختن موضوع جنگ برطبق حقانیت سینهالی‌های بودایی برای بازپس گرفتن سرزمینشان از دست تامیل‌های هندوی غیرمحق، به اهتزاز درآورد. این یک سرمشق محرك بود که از سوی پادشاهان بعدی، تا موقعی که به یک شرط مذهبی در چارچوب فرهنگ سینهالی مبدل گشت، تقویت و تحکیم شد. بدینسان تعارضی به وجود آمد که چنین ثمرة تلحی را در سری‌لانکا در عصر خود ما به بار آورد.

این سرمشق با ورود قدرتهای اروپایی در سالهای آغازین ۱۶۰۰ م.

پیشتر تحکیم شد. قدرتهای اروپایی، برانگیخته شده به واسطه آمیزه‌ای از بلند پروازی بازرگانی و شور مذهبی، به‌نحوی فراینده نقش مهمی را نه تنها در سری‌لانکا، بلکه در سراسر کل قاره آسیا ایفا نمودند. پرتغالی‌ها سرآمد این‌گونه قدرت استعماری در سری‌لانکا بودند. آنان، خوگرفته به قرنها جنگ در برابر مسلمانان در شبه جزیره ایرانی در طی دوران معروف به Reconquista^۱، آمده بودند تا فضای استعماری شان را با فضای خشک و ع بواس خاص خودشان از ایمان کاتولیکی رومی پیوند دهند. آنان، بشدت ناشکیبا نسبت به عقیده مذهبی دیگران، یک برنامه قاطع را برای نابودی مکانهای مذهبی بودایی و هندو، و تغیر کیش (اغلب بازور) به آین کاتولیک رومی به مورد اجرا گذاشتند. پرتغالی‌ها بسرعت از سوی هلندی‌هایی که بی‌درنگ سلیقه‌های مذهبی پرتوستان را بر منطقه تحملی کردند، بیرون رانده شدند. ایستان نیز به نوبت جای خود را به

۱. پیروزی دوباره؟ م.

آین بودایی و هویت ملی در سری‌لانکا

همان‌طور که در بالا اشاره شد، آین بودایی در سری‌لانکا دارای تاریخی طولانی است، و مذهب بسرعت به صورت یک بخش ثبت شده فرهنگ هندواروپایی مردم سینهالی درآمد. آین بودایی به استحکام نفوذ خود بر ذهن مردم سینهالی به مدت چند قرن ادامه داد. در واقع، در سری‌لانکا بود که منتهای مقدس مکتب تره‌واده، تختیین بار در قرن اول قبل از میلاد به رشته تحریر درآمدند. مکتب تره‌واده آین بودایی تا زمان پادشاهی پاراک‌کاما - بوهای اول^۲ (ایام پادشاهی ۱۱۵۳ - ۱۱۸۶ م.) به صورت آین رسمی سری‌لانکا در نیامد.

اما در طی این دوران هم پیشرفت دایمی آین بودایی به واسطه اغتشاش سیاسی دچار وقفه گشت. پس از دوره مزبور، سری‌لانکا مورد هجوم ادواری از بخش شمالی جزیره، از سوی مردمان تامیل دراویدی^۳ زیان جنوب سرزمین هند قرار گرفت. این مهاجمان، به‌طورکلی، هندوهایی بودند که هیچ اجرایی برای حمایت کردن از تشکیلات مذهبی بودایی احساس نمی‌کردند. همان‌طور که نفوذ این مهاجمان همراه با گذشت قرنها افزایش و کاهش می‌یافتد، به همان نسبت نیز بخت آین بودایی در سری‌لانکا دچار افزایش و کاهش می‌گشت. از این‌رو تعجب آور نیست که آین بودایی به‌طور روزافروز با مردم سینهالی که به یکی از زبانهای هندواروپایی سخن می‌گفتند، مرتبط شد؛ همین‌طور این آین با تامیل‌های دراویدی نیز زیان ارتباط یافت.

این ارتباط در دوران فرمانروایی دوتوگامونا^۴ شاه (۱۰۱ - ۷۷ ق.م.)

1. Parakkama - Bahu.

2. Dravidian.

3. Dutugamuna.

بریتانیایی‌هایی دادند که اصولاً علاوه‌مند به امور بازرگانی بودند و احساس می‌کردند که بهترین راه حفظ منافع تجارتی شان، پیروی کردن از شیوهٔ تسامح مذهبی است.

هرچه گسترهٔ استعماری وسعت می‌یافت، قدرت سیاسی مردمان سینهالی (وتامیل) کمتر می‌شد تا اینکه تنها ایالت مستقل، قلمرو پادشاهی کاندی در مرکز کوهستانی جزیره باقی ماند. با توجه به این امر، وبا در نظر گرفتن تعصیهای مذهبی اعمال شده از سوی قدرتهای استعماری اروپایی متجاوز، ناگزیر قلمرو پادشاهی سلسلهٔ کاندی را به مثابهٔ مدافع سری‌لانکایی آین بودایی تلقی شد. افزون بر این، آین بودایی و استقلال سیاسی، دقیقاً مانند سالهای گذشته، در ذهن مردم سری‌لانکا به نحوی عمیق به هم پیوستگی یافته بودند. این پیوستگی در دوران بعد از استعمار، برای مسیری که آین بودایی در سری‌لانکا اتخاذ کرد، بسیار اهمیت پیدا کرد.

تجربهٔ سری‌لانکایی جدید

سری‌لانکا، در طی دوران استعماری، سهم کاملش را از فعالیت هیئت مبلغان مسیحی دریافت داشته بود. اما سانکهٔ بودایی همیشه قادر بوده است مقدار زیادی از مقام متنفذ خود را حفظ کند. از آنجاکه بخش عمدۀ فعالیت استعماری به نواحی ساحلی جزیره محدود شده بود، قلمرو پادشاهی سلسلهٔ کاندی، که با کوههای نرده‌ای اطرافش از تجاوز در امان مانده بود، برای زندگی و فرهنگ سنتی سری‌لانکایی به ساز پناهگاهی باقی مانده بود و یکی از حامیان گشاده دست آین بودایی سنتی به شمار

می‌آمد. همهٔ این چیزها با ورود بریتانیا دگرگون گشت؛ در سال ۱۸۱۵ م. دولت بریتانیا، با حاطهٔ تهدید کشتهای فرانسوی و هلندی که خطوط ارتباطی بریتانیا را با مستعمره‌های شرقی اش مختل کرده بودند و این مسئله همچنان در ذهن این دولت باقی مانده بود، اقدام به از میان برداشتن قلمرو پادشاهی سلسلهٔ کاندی کرد.

بودایان، با نابودی این آخرین حامی رسمی، دریافتند که از این پس در خدمت ارباب جدیدی هستند که سنتهای یاستانی آنان را درک نمی‌کند. در وهلهٔ نخست، به نظر می‌رسید این امر مشکل بزرگی ایجاد نمی‌نماید. فرمانروایان بریتانیایی جنوب آسیا به زندگی مذهبی اتباعشان علاقه‌مند نبودند. آنان اگر حقوق گمرکی و مالیاتها یاشان را وصول می‌کردند راضی بودند، و از مطالعهٔ دفتر حسابداری کل بیشتر از مطالعهٔ کتاب مقدس به شوق می‌آمدند. اما رویدادهای گذشته در بریتانیایی کبیر رفتار آسان‌گیر حکومت استعماری را در قبال مذهب تغییر داد.

یکی از علتهای عمدۀ این تغییر عقیده، شور و اشتیاق ناشی از تعالیم پروتستان انگلیسی بود که سراسر کشور را فراگرفته بود. بسیاری از مردم متنفذ در آن موقع باور داشتند که بریتانیا در قبال اتباع مستعمراتی اش دارای مسئولیت اخلاقی است. با توجه به خواست زمان، این امر چنین معنی می‌داد که باید برای تبدیل جمعیت بومی مستعمرات به پیروان آین مسیحیت تلاش کرد. این موضوع حکومت مستعمراتی بریتانیا را در سری‌لانکا در موقعیت متناقضی قرار داد. از یک سو، کارگزاران حکومتی عقیده داشتند که مردمان بومی واقعاً بهتر خواهد بود که در سلک پیروان آین مسیحیت درآیند. از سوی دیگر، آنان در سری‌لانکا به‌هنگام فتح ایالت کاندی متعهد شده بودند که مردم از اختیارات مذهبی برخوردار باشند. آین بودایی بیشتر به صورت یک مذهب ایالتی درآمده بودند و

شرقی، در سال ۱۸۸۰ م. برای بررسی اندیشهٔ مزبور با توجه به خاستگاه طبیعی آن به هند و سری‌لانکا سفر کرده بود. او، با احساس انزعجار از تجاوزهایی که هیئت‌های تبلیغی مسیحی در سری‌لانکا کرده بودند، عملیاتی موفقیت‌آمیز را برای سازمان دادن بوداییان مخالف با دین جدید آغاز کرد. این عملیات ایجاد سازمانهای بودایی غیرروحانی، مدارس بودایی، و یک تشکیلات برای ابطال موقعیت هیئت تبلیغی مسیحی را در بر گرفت. در موقع مقرر، وی مشعل را به دست پروردۀ اش، دیوید هواویتارن^۱، که در تاریخ، با نام مذهبی‌اش، آناجاریکا دهارماپالا^۲ (۱۸۶۴-۱۹۳۳)، مشهورتر است، سپرد.

دهارماپالا برای احیای مجدد آین بودایی سری‌لانکایی بیش از هر فرد دیگری در تاریخ معاصر کوشیده است؛ تلاش‌هایش در کرانهٔ سری‌لانکا متوقف نشد، وی، عمیقاً ناراحت از این واقعیت که اماکن مقدس بودایی در شمال هند به دست هندوها افتاده‌اند، جامعهٔ ماهابودھی^۳ را برای خرید و تعمیر آنها بنیاد نهاد. در طی این جریان، اماکن مزبور دوباره به صورت مرکزهای زیارتی برای بوداییان در سراسر عالم درآمد و همین امر آغاز احیای مجدد آین بودایی را در سرزمین زادگاهش رقم زد. در سری‌لانکا، دهارماپالا، که به رغم اینکه در سراسر دورهٔ زندگی‌اش مانند یکی از راهبان بسر برد هیچ‌گاه به‌طور رسمی در نظام روحانیت بودایی به کسوت راهیان در نیامد، شروع به حمایت از گروههای بودایی غیرروحانی برای پرداختن به مراقبه نمود. از آنجا که مراقبه بودایی به‌طور سنتی راهبان را از تباہی حفظ کرده بود، گرایش جدید برای شرکت دادن غیرروحانی در امور دینی، آین بودایی را هرجه.

1. David Hewavitarne.

2. Anagarika Dharmapala.

3. Maha Bodhi.

شکوفایی‌اش در سری‌لانکا به این صورت بود که پادشاه (یا حکومتی که به نیابت از او اداره امور را در دست داشت) بر منابع مالی و داراییهای صومعه‌های ناظرت داشت و به عنوان قاضی در منازعات درون‌جناحی داوری می‌کرد. موقعی که قلمروی پادشاهی سلسلهٔ کاندی از هم پاشید، این جناحها از سوی بریتانیا، که مانند همتای بومی سابق خود تعهد کرد از آین بودا حمایت کند، مأمور پرداختن به امور دینی و صومعه‌ها شدند.

اما، همچنان‌که هیاهو برای افزایش فعالیت هیئت مبلغان در سری‌لانکا را به فزونی داشت، حکومت مستعمراتی برای برآوردن این التزام با دشواری بیشتری مواجه شد. موقعی که نسل قدیمی‌تر مدیران همکر می‌مردند یا بازنشسته می‌شدن، جانشینانشان به مرور کمتر و کمتر در قبال محترم شمردن این التزام احساس مسئولیت می‌کردند. در سال ۱۸۴۰ م. فعالیت هیئت تبلیغی مسیحی بخوبی جریان داشت. در سال ۱۸۶۰ م. به علت کمک ضمیمی حکومت، آین بودایی هرچه بیشتر در حالت تدافعی قرار گرفت. از این رو شگفتی آور نیست که در طی همین دوره است که ما در طرز نگرش بوداییان بدون توجه به همزیستی مسالمت‌آمیز با مسیحیان یک دگرگونی ملاحظه می‌کنیم، و شاهد برخوردی مواجهه آمیز در برابر هیئت‌های تبلیغی و مذهبیان هستیم.

انگیزه اولیه اتخاذ چنین شیوه‌هایی از منبعی نسبتاً خاص نشئت می‌گرفت. کلیل هنری آلتکت^۱ یک قهرمان جنگ داخلی امریکا بود که پیرو ایج پی بلاوتسکی^۲، یکی از بنیانگذاران یک جنبش مذهبی جدید به نام عرفان که در آن بسیاری از اندیشه‌های برگرفته از آین هندو و بودا گنجانده شده بود، گردیده بود. وی، با اعتقاد به ارزش معنوی اندیشه

1. Colonel Henry Olcott.

2. H.P.Blaavatsky (۱۸۳۱ - ۱۸۹۱). پژوهشگر علوم غیبی.

بیشتر در عرصه عمومی مطرح ساخت. همین که مبارزه برای آزادی سیاسی شدت گرفت، این موضوع برای سیاستمداران روشن شد که آیین بودایی همچنان در میان جمعیت روسایی سینهالی از نفوذی بسیار برخوردار است. یک مثال خوب از اینکه سیاستمداران تا کجا می‌توانستند از علاقه روساییان نسبت به آیین بودایی در امور سیاسی بهره‌برداری کنند، دوره زندگی سیاسی اس. دبلیو. آر. د. باندرانایکه^۱ است. باندرانایکه در یک خانواده وابسته به کلیسای انگلستان تربیت شده بود، اما وی مذهب نیاکانش را به سان یک دستیار سودمند برای آغاز زندگی سیاسی خود برگزید. باندرانایکه حتی پیش از استقلال پیشنهاد کرده بود که زبان مناسب برای فراگرفتن آیین بودایی، زبان پالی یا سینهالی (زبان اکثر مردم) نیست، بلکه انگلیسی است! اما وی، بعداً در فاصله میان پس از این اظهارنظر و انتخابش به عنوان رئیس جمهور، در سال ۱۹۵۶ م. به بودایی پرشوری بدل شده بود.

در این مرحله بود که باندرانایکه و اشخاص دیگری مانند وی، آیین بودایی را به عنوان دین قانونی سری‌لانکا پیشنهاد کردند. نیاز به گفتن نیست، این پیشنهاد به مذاق پیش از بیست درصد ساکنان جزیره که بودایی تبودند، خوش نیامد. مسیحیان، و تا حد زیادی نمایندگان تامیل هندوی بخشهاشان شمال و شمال شرقی جزیره، خود را به طور روزافزون از لحاظ سیاسی به عنوان سیاستمدارانی که به علت تفاوت‌های فرقه‌ای مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند، منزوی احساس می‌کردند. با همین تأکید زیاد بر تفاوت‌های مذهبی، به محض اینکه دولت در برخورد با خطمشی‌های دیگر اقلیتها تغییرات عمده‌ای را آغاز کرد، آشوب به راه افتاد. تصویب

1. S.W.R.D.Bandaranaike.

قانونی که قرار بود امتیاز زبان انگلیسی را به نفع زبان سینهالی سلب کند، سهمیه‌های زیر قیامت دولت را، که برای تامیل‌ها سهمی عمده در نهادهای آموزشی و دولتی قایل بود، موقوف می‌کرد، و به هزینه سایر مذهبها به ترویج آیین بودایی می‌پرداخت.

نتایج این امر همچنان ادامه دارند؛ سری‌لانکا به علت پیش از یک دهه درگیری در یک جنگ داخلی تلح و دردنگ که به واسطه توسل هر دو طرف مخاصمه به اصول مذهبی پیش آمده است، رنج می‌برد. به نظر هم نمی‌آید که این مخاصمه بزودی، در آینده‌ای نزدیک، پایان یابد. نه تنها دولت متناوباً بر شدت عملیات رزمی در برابر پایگاه‌های نظامی هندو در بخشهاش شمالی و شرقی جزیره می‌افزاید، بلکه هندوها نیز با انجام دادن عملیات تروریستی در قسمتهای سینهالی‌نشین سری‌لانکا معامله به مثل می‌کنند. فاجعه سری‌لانکا در این است که آیین بودایی، یکی از صلح‌جویانه‌ترین دینهای جهان، به صورت یک مرکز صف آرایی برای خشونت و عدم تسامح درآمده است. متأسفانه، این عارضه فقط مختص به سری‌لانکا نیست، بلکه در همه قلمروهای متعلق به بوداییان نیز مشاهده می‌شود.

آیین بودایی واستعمار در جنوب شرقی آسیا

ما می‌توانیم نیروهای مشابهی را در جنوب شرقی آسیا سرگرم فعالیت بینیم. کشورهایی که اکنون با نامهای اندونزی، فیلیپین، مالزی، ویتنام، کامبوج، تایلند، لاوس، و برمه (میانمار) طی سالیان طولانی تحت تأثیر جریانهای فرهنگی متبوع از هند، و تا اندازه‌ای کمتر، چین بوده‌اند.

اما این آین هندو بود که نخست مورد تقدیر خانواده سلطنتی در منطقه قرار گرفت، و به همین دلیل است که ما برای ردیابی رشد و پیشرفت آین بودایی در این منطقه، مدارک باستان‌شناسی اندکی در دست داریم.

همه اینها در حدود سال ۱۰۰۰ م. تغییر می‌کنند. پس از این تاریخ، آین بودایی به طور روزافزون، به صورت مذهب رسمی کشورهای رو به رشد جنوب شرقی آسیا درآمد. در این نواحی، مکتب پیشتر محافظه‌کار تره‌واده‌ای، بر مبنای سرمشق سری لانکایی آن مورد گزینش قرار گرفت. در حدود سال ۱۳۰۰ م. برمه، تایلند، لاوس، و کامبوج به صورت کشورهای بودایی تره‌واده‌ای درآمده بودند.^۱ عمل تلفیق کردن آین بودایی با حکومت، که یک خصصیّة متمایز آین بودایی سری لانکایی گردیده بود، در اینجا نیز رایج گشت؛ تا حدی به عنوان نتیجهٔ شرایط محلی و تا حدی هم به واسطهٔ این واقعیت که رهبران بودایی در منطقهٔ مزبور، سری لانکا را به سان مرکز اصلی مذهبیان ارزیابی می‌کردند، به هر حال، آین بودایی روتق گرفت و با حمایت پادشاهان پرورش یافت.

همین‌که قدرتهای اروپایی سلطهٔ خود را بر سرتاسر منطقهٔ گسترش دادند، همه این موارد تغییر کرد. اما این یک اتفاق نسبتاً دیرهنگام بود. استعمارگران قدیمی‌تر، پرتغالی و اسپانیایی که در اواخر قرن پانزدهم میلادی به جنوب شرقی آسیا آمدند، در وهلهٔ نخست برای تسلط بر کل منطقه کوشش نکردند. پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها با داشتن تسلط بر نواحی

۱. جزیرهٔ جنوب شرقی آسیا، تصویری متناوی از آن است. دین بومی اندونزی که ستایش از شیوهٔ بودا را در هم آمیخته بود، روز به روز هرچه بیشتر زیر سلطهٔ دین اسلام فرار گرفت. به نظر می‌رسد فیلیپین از تایلند و عادات با مذهب‌های بومی گوناگون خود راضی بوده است. وینتام شکلی از آین بودایی‌ها ماهایابی را که دقیقاً به چین وابسته بود برای خود انتخاب کرد. ن.

شماری از تاریخ‌نویسان در بخش آغازین این قرن ایستم، آین بودایی (و آین هندو) را به عنوان موجی از امپریالیسم فرهنگی تلقی می‌کردند که به جنوب شرقی آسیا رسانده شده بود. درحالی که این امر واقعیت دارد که فرهنگ‌های بومی منطقه، این آینها و جنبه‌های دیگر فرهنگ هندی و چینی را جالب و خوشايند می‌Didند، نتيجتاً آنها را در سنتهای فرهنگی خاص خود ادغام می‌کردند، بنابراین، تلقی کردن آینهای مزبور به مثابهٔ فرآیندی عارضی یا نتیجه‌ای ناشی از فشار خارجی، غیرمنطقی خواهد بود. به نظر می‌رسد که فرهنگ‌های بومی این سنتهای مذهبی جدید را متناسب با شرایط خاص خودشان جذب کردند، و این سنتهای نورا با چنان شیوه‌ای جرح و تعديل نمودند که در نزد آنان، برای همه هدفها و مقصددها، به صورت مذهبی‌های بومی اصیل درآمدند.

آین بودایی در این مورد مثال خوبی را ارائه می‌کند. آثار مکتوب چینی مدلل می‌دارند که آین بودایی از زمانهای بسیار دور در خط ساحلی و بنام استقرار یافته بود، اما تاریخ دقیق ورودش به این ناحیه نامشخص است؛ اما این امر ممکن است کاملاً صحیح باشد که از همین ناحیه و آسیای مرکزی است که آین بودایی برای نخستین بار به درون سرزمین چین نفوذ کرد. به هر صورت، این موضوع روشن است که آین بودایی و آین هندو به وسیلهٔ مسیرهای بازرگانی دریایی در یک زمان خیلی دور، احتمالاً قرن دوم قبل از میلاد، به جنوب شرقی آسیا رسیده بوده است.^۱

۱. یک افسانهٔ حاکی از این است که آشوکا (۲۷۳ - ۲۲۲ ق.م.)، پزگترین پادشاه سلسلهٔ ماژورا (۳۲۲ - ۱۸۵ ق.م.) در قرن سوم قبل از میلاد در هیئت تبلیغی به برمه گشیل داشت. درحالی که هیچ مدرک محکمی دال بر اثبات این ادعا در برمه وجود ندارد تزدیک بودن برمه به موارک تدریس سلسلهٔ ماژورا چین مانند ادعایی را بسیار محتمل می‌سازد. اگر قضیهٔ چین باشد، آنگاه همین موضوع احتمالاً نخستین نخود آین بودایی را به جنوب شرقی آسیا م شخص می‌کند. ن.

آینین بودایی و گریز از دنیای مدرن در جنوب شرقی آسیا

موقعیت سرزمین اصلی جنوب شرقی آسیا، برخی از ویژگیهای را که به ویژگیهای سری‌لانکا شبیه بودند، آشکار ساخت. در برمه، آینین بودایی تزاده، مذهب گروه نژادی برمن^۱ بود که هفتاد و پنج درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند. از این‌رو، شگفتی آور نیست که گریز از چنگ استعمار بریتانیای کبیر، تا اندازه‌ای احیای آینین بودایی را به همان ترتیبی که در سری‌لانکا اتفاق افتاده بود، در ذهن تداعی می‌کرد. در سال ۱۹۰۶ م. کانون بودایی جوانان ایجاد شد و همین کانون، یک گروه رهبری تدارک دید که مساعی شان در سال ۱۹۴۸ م. به استقلال کشور منجر گشت. اما برمه‌ای که در این تاریخ به وجود آمد به هیچ‌وجه یک کشور یکپارچه از نژاد برمن نبود. تقریباً بیست و پنج درصد جمعیتش از تبار نژادی دیگر بودند، و بسیاری از این مردمان بشدت زیر تأثیر هیئت‌های تبلیغی اروپایی قرار گرفته و به آینین مسیحیت درآمده بودند.

در این نکته دشوار نیست که چرا این چند اقلیت تشکیل دهنده کشور برمه از حمایت هر نهادی که به سیطره گروه نژادی برمن می‌انجامید، اکراه داشتند. نگرانیهای این اقلیتها با انتخاب یوتون^۲ به عنوان نخست وزیر فدراسیون تازه تأسیس برمه کاهش پیدا نکرد. یونو یک بودایی پرهیزگار بود که برای او برمه‌ای بودن و بودایی بودن یکسان بودند. تصور وی از آینده برمه با یک نوع سوسیالیسم بودایی مرتبط بود. این امر کرن‌ها^۳ را، که اغلب مسیحی بودند و کشور خاص خود را می‌خواستند داشته باشند، به شورش واداشت. پیروزیهای اولیه ایالت

1. Burman.

2. UNu.

3. Karen. نام نژادی که در شرق و جنوب برمه زندگی می‌کنند. م.

نسبتاً کوچک پیرامون بیندرهای بازرگانی شان قانع بودند. بنابراین، به رغم این واقعیت که آنان استعمار و تغییر دین را یک چیز تلقی می‌کردند، فقط توانستند بر نواحی کوچک فیلیپین و اندونزی اثر بگذارند. همان‌گنگی بیشتر در این زمینه مربوط به تلاشهای هلند در اندونزی، فرانسه در ویتنام، کامبوج و لائوس، و بریتانیا در برمه، مالزی و سنگاپور در قرن نوزدهم میلادی بود.

در میان نخستین کشورهایی که مورد توجه ناخوشایند اروپاییان قرار گرفت، کشور برمه بود. در یک رشته جنگهای روزافروز، بریتانیا بتدربیح بیشتر و بیشتر بخشها ای از سرزمین برمه به امپراتوری هندی خویش ملحق می‌کرد. در سال ۱۸۸۰ م. کشور باستانی برمه، عمللاً موجودیت خود را از دست داد. تقریباً در همین زمان، فرانسه هم تلاشهای استعماری اش را در جنوب شرقی آسیا آغاز کرد. فرانسه، ظاهرآ برای محافظت از هیئت‌های تبلیغی کاتولیک رومی در ویتنام، یک رشته جنگ تهاجمی را برای بلعیدن هرچه بیشتر قسمتهایی از قلمرو ویتنام تدارک دید. اگرچه فرانسه وجود امپراتور ویتنام را تا سال ۱۹۵۴ م. تاب آورد، در سال ۱۹۰۰ م. نه تنها بر ویتنام بلکه بر کامبوج و لائوس نیز تسلط یافت. بنابراین یگانه بخش از جنوب شرقی آسیای بودایی که مستقل ماند، تایلند بود، و علت آن‌هم صرفاً این بود که نه بریتانیا در غرب و نه فرانسه در شرق به یکدیگر امکان تصرف آن کشور را نمی‌دادند. همین طور در سری‌لانکا، آینین بودایی به‌ نحوی عمیق با مفهوم ملیت در ذهن عامه مردم تلفیق شده بود و در خلال جنگهای منطقه، برای بازیافتن استقلال سری‌لانکا نقشی ایفا کرد.

تمام منتقلدان رژیم را خواه با ارعاب، خواه با ترور سرکوب کرده است. راهبان بودایی نیز از چنین رفتارهایی معاف نبوده‌اند. در نتیجه، نظام بودایی مورد حمایت دولت، چندان تفاوتی با یک دپارتمان دولتی ندارد. از سوی دیگر، بسیاری از راهبان ناراضی به گروههای مخالف دولت پیوسته‌اند، و در مبارزه برای بازگرداندن برمه به یک دولت برخوردار از نظام مردم‌سالار بسیار فعالند.

ارتباط فرد بودایی با دولت، در تاریخ اخیر ویتنام نیز یکی از عاملهای اساسی بوده است؛ اما تا اندازه‌ای به شیوه‌ای متفاوت. موقعی که فرانسه در اوایل قرن نوزدهم میلادی بر منطقه‌ای که امروز با نامهای ویتنام، کامبوج، و لائوس معروفند، تسلط یافت، دریافت که برای اداره امور خود به کارمندان بومی نیاز دارد. فرانسه برای این کار به شمار اندکی از ویتنامی‌هایی که به آین مسیحیت گرویده بودند، روی آورد. موقعی که منطقه استقلال یافت، طبیعی بود که دولت اداره امور را به کسانی واگذار کند که از تجربه لازم برخوردارند. از این‌رو، ویتنامی‌های پیرو آین کاتولیک رومی، که بیشتر از ده درصد جمعیت را تشکیل نمی‌دادند، بر زندگی بوداییانی که از لحاظ تعداد بمراتب بیشتر از آنان بودند، تسلط یافتند.

بوداییان، به موقع با رهنمودهای راهبان فعال، برای اعاده حقوق مدنی خود به تظاهرات پرداختند. اقلیت کاتولیک کوشید قدرت خود را حفظ کنند، اما پس از یک رشته شهادتهاي خارق العاده، که راهبان در طی آنها به آرامی با ریختن بتنین بر بدنهایشان خود را مشتعل می‌کردند و می‌مردند، دولت کاتولیک را خلع کردند. رویدادهای بعدی، مانند جنگهای هندوچین و تسلط کمونیست‌ها بر ویتنام، فعالیت راهبان را

کرن در اوایل دهه ۱۹۵۰ م. به انتصاب نه وین^۱ به عنوان فرمانده نیروهای دولتی منجر شد؛ این یک انتصاب مهم و حیاتی بود. در ضمن، یونو برای ایجاد وحدت در کشور برنامه‌ای برای احیای آین بودایی تدوین کرد. در سال ۱۹۵۶ م. برمه میزبانی یک کنفرانس جهانی را با دعوت از چهره‌های برجسته بودایی برای برگزاری جشن دوهزار و پانصد مین سال زاد روز بودا به عهده گرفت. این کنفرانس نگرانی گروههای اقلیت را که از تسلط نژاد برمن هراس داشتند از بین نبرد، و به طور روزافزون، این گروههای که تمایل داشتند در شالیزارهای حاصلخیز دامنه کوهستان اطراف دره‌های دارای رود زندگی کنند، در فکر به دست آوردن خودمختاری از دولت مرکزی بودند. این نیز، به نوبه خود، دولت را هرچه بیشتر به سپردن قدرت در دست ارتش سوق داد. در سال ۱۹۵۸ م. ارتش با فرماندهی ژنرال نه وین زمام قدرت را در کشور به دست گرفت. در سال ۱۹۶۰ م. تلاشی بیهوده برای بازگرداندن حکومت به دست غیرنظامیان انجام گرفت. در همین زمان بود که در قانون اساسی برمه برای استقرار آین بودایی، به عنوان دین رسمی کشور، تجدید نظر شد. و اما دولت غیرنظامی یک‌بار نیز بی‌عرضگی خود را اثبات کرد، و در سال ۱۹۶۲ م. نه وین برای دفعه دوم زمام قدرت را به دست گرفت، و تاکنون نیز قدرت در دست نظامیان باقی مانده است.

ارتش اکنون برمه را از حشر و نشر با دیگر کشورهای جهان باز داشته است. برمه، به استثنای یک دوره کوتاه برخورداری از آزادی نسبی، همچنان یکی از منزوی‌ترین کشورهای دنیاست. حاصل اوضاع سیاسی کشور عبارت بوده است از ظلم و ستم مداوم نسبت به حقوق مردم. دولت

1. Ne Win.

حالت ایدا و اذیت آین بودایی در چین

در چین، موقعیت تا اندازه‌ای متفاوت بود. به رغم کامیابی‌های بزرگ اولیه، آین بودایی همواره نسبت به طبقه حاکم کنفوسیوسی که به سلطه بر حکومت چین ادامه می‌داد، مشکوک بود. آین بودایی، همان‌طور که طبقه مذبور آن را تلقی می‌کرد، ارزش‌های خانوادگی سنتی چینی را بتدریج تضعیف می‌کرد، و کمکهای اهدایی به مکتبهای چینی مختلف آین بودایی، پایه مالیات را کاهش می‌داد. از این‌رو، تعجب‌آور نیست که آین بودایی متناباً در چین در معرض ایدا و اذیت قرار می‌گرفت. همراه با گذشت زمان، این اذیت و آزارها باعث تلفات بسیار گردیدند. در حالی که آین بودایی در میان روستاییان با برخوردار بودن از پیروانی با ایمان تداوم پیدا کرد، بیشتر به اتكای قدرت جادویی فرضی اش سودمند افتاد تا به سبب یک اعتقاد عمیق به اصول ماورای طبیعی.

درنتیجه، هنگامی که چینی‌ها دوباره از لحاظ سیاسی قدرت خودشان را نشان دادند، این کار را نیز به‌طرزی خردمندانه انجام دادند. شکلهای جدید آین کنفوسیوسی، اندیشه چینی را زیر نفوذ خود درآوردند. درحالی آین بودایی هرچه بیشتر به صورت آینی روستایی درآمد، که از لحاظ سیاسی مورد توجه کسانی قرار گرفت که از حق آزادی محروم بودند، و هرگز توانمندی معنوی ای را که در قرنها هفتم و هشتم میلادی از آن برخوردار گشته بود، دوباره به دست نیاورد. اما غیرمنتطقی خواهد بود که از این موضوع تیجه بگیریم اندیشه فلسفی بودایی چینی بکلی از بین رفت. کوشش‌های چین برای ممانعت از ورود مهاجمان بیگانه و استقرار مجدد وحدت سیاسی اش، شماری از راهبان جوان را به‌سوی تلاش برای نوگرایی سوق داد. هرچند آنان هرگز یک اکثریت از سانگه

محدود کرد، اما آین بودایی را کاملاً سرکوب نکرد. آین بودایی، به‌رغم سرکوبی از سوی حکومت کمونیست ویتنام، همچنان چه در ویتنام و چه در خارج، در میان اقلیتهای مهاجر ساکن اروپا و ایالات متحده باوضوح تمام رواج دارد.

آین بودایی، تا موقعی که کامبوج در سال ۱۹۵۳ م. استقلال خود را بازیافت، در طی قرنها متمادی، در زندگی مردم این کشور از سهم بسزایی برخوردار بوده است. اما در سال ۱۹۷۵ م. این کشور از چنان ضربه‌ای آسیب دید که ممکن است هرگز التیام نیابد. در آن سال، اربابان جدید کامبوج، خمرهای سرخ، تصمیم گرفتند که برای نوسازی کامبوج همه آن عناصری را که مستقیماً کشور را به‌سوی جامعه‌ای سوسیالیست هدایت نمی‌کنند، از میان بردارند. آنان رهسپار روستاهای شدند و بسیاری از نخبگان فرهیخته را قتل عام کردند. این قتل عام، بیشتر راهبان بودایی را نیز در بر گرفت. در جریان یک سلطه کوتاه مدت حکومت وحشت و ترور، نزدیک به ۱۵ قرن فرهنگ بودایی کاملاً ریشه‌کن گردید. فقط چند راهب به موقع توانستند از کشور فرار کنند. درنتیجه، فرهنگ بودایی در نقاط مختلفی مانند لانگ بیچ^۱، در کالیفرنیا، لول^۲، در ماساچوست، و در پاریس توسط شمار اندکی از راهبان توانست به زندگی خود ادامه دهد. اکنون، کوشش‌هایی به عمل می‌آید تا آین بودایی کامبوجی را در سرزمین اصلی اش نوسازی کنند، اما در این میان سنتهای بسیاری گم و نابود شده‌اند، به‌طوری‌که احیای مجدد این فرهنگ را به شکل باشکوه سابقش تردیدپذیر می‌کند.

1. Long Beach.

2. Lowell.

نیوتن و اغلب از سوی رهبران رسمی جامعه بودایی با مخالفت رو به رو می شدند، برگسترش جدید آیین بودایی در چین مؤثر واقع شدند. نامدارترین این راهبان جوان تای - هسو^۱ (۱۸۹۰ - ۱۹۴۷ م.) بود. وی چندین مدرسه بنیاد نهاد، و به غیر از زبان چینی، آموختن زبانهای بودایی را توصیه می نمود، و از ایجاد یک فدراسیون جهانی بودایی طرفداری می کرد. این کوششها در هنگامی که چین از سوی کمونیست ها تسخیر شد، در حال ثمر دادن بود. کمونیست ها، راهبها و راهبه های بودایی را به سان انگلها یکی که نیروی حیاتی مردم چین را تحلیل می برند، ارزیابی می کردند. در سال ۱۹۵۱ م. آنان زمینهای متعلق به رهبانیت را مصادره کردند و اکثر راهبان و راهبه ها جوان را خلع لباس نمودند. در سال ۱۹۵۳ م. کانون بودایی چینی، برای زیر نظارت دولت درآوردن جامعه بودایی، تشکیل شد. عملیات ادواری سرکوب، مانند آنچه جنبش گارد سرخ انجام می داد، موجب تضعیف بیشتر آیین بودایی در چین شد. در حالی که آیین بودایی بیشتر نیرویش را به واسطه این گونه اذیت و آزارها از دست داده است، همچنان در چین پایداری می کند و احتمالاً در آینده بیش رو نیز به چنین کاری ادامه خواهد داد.

آیین بودایی در کوه و ژاپن امروزی

آیین بودایی در کوه و ژاپن در طی قرن های متعددی از نزدیک با هم مرتبط بوده اند. در واقع، غالباً راهبان بودایی کوه پیوستگی میان فرهنگ چینی و ژاپنی را برقرار می ساختند. در سال ۱۰۰۰ م. سن، یک مکتب ذن آیین

بودایی، مردم پسندترین شکل آیین بودایی در کره شده بود. بدین ترتیب، آیین بودایی از سوی پادشاهان کنفوشیوسی سلسله یون^۱ (۱۳۹۲ - ۱۹۱۰ م.) بشدت سرکوب شد. شگفتی آور اینکه، تصرف کره از سوی ژاپنی ها در سال ۱۹۱۰ م. باعث رواج مجدد آیین بودایی گردید.

هر چند ژاپنی ها رواج دوباره آیین بودایی را در کره امکان پذیر ساختند، به زور می کوشیدند پیش رفت آن را برمبنای الگوهای ژاپنی که غالباً به طور کامل با الگوهای بومی کره ای متفاوت بودند، منطبق سازند. این امر باعث بروز اختلاف نظر شد که سرانجام به شکل گیری یک آیین بودایی کره ای یکسان در سال ۱۹۳۵ م. متعجل گردید. پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ م.) و جنگ کره (۱۹۵۰ - ۱۹۵۳ م.). آیین بودایی در کره شمالی عملاً ریشه کن گردید و در کره جنوبی نیز تا اندازه ای از رواج افتاد. اما آیین بودایی کره ای به رغم این سختیها، نه تنها در میهن بلکه همچنین در خارج از کشور برای رونق یافتن به تلاش خود ادامه می دهد. آیین بودایی در ژاپن، سهم خاص خودش را از سختیها در عصر جدید داشت. در طی دوره پس از اصلاحات میجی^۲ در سال ۱۸۶۸ م. آیین بودایی به نفع آیین شیستوی طرفدار دولت که از امپراتور تجلیل می کرد، مورد بی توجهی قرار گرفت. در طی همین دوره بود که عدم همسر گزینی روحانیون بودایی، با اقامه این دلیل که چون اکنون آیین بودایی ژاپنی یکی از چند مکتب آیین بودایی است که ازدواج روحانیون را حایز می شمارد، غیرقانونی اعلام شد. همچنین در همین دوره بود که آیین بودایی ژاپنی، بسیاری از نوآوریهای غرب مانند مدارس یکشنبه^۳، انجمنهای مذهبی،

۱. Yi dynasty.

2. Meiji Restoration.

3. مدارس مربوط به کلیسا برای آموزش تعالیم مذهبی در روزهای یکشنبه. م.

جهان‌بینی الحادی‌شان، این سرزمین را اشغال کردند، و از فعالیت صومعه‌ها و آزادی عمل آیین بودایی جلوگیری نمودند.

در سال ۱۹۵۹ م. مردم تبت دست به شورش زدند. در همین زمان بود که دالایی‌لامای فعلی، از تبت گریخت و در هند مقیم شد. پس از این، چینی‌ها به قصد ریشه کن کردن کامل آیین بودایی تبتی، یک حکومت وحشت و ترور بوجود آوردند. معبد‌ها را تاراج کردند، صومعه‌ها را با خاک یکسان کردند، راهبان را شکنجه دادند و کشتند، و کتابهای مقدس را سوزانندند. اما اقداماتی که برای نابود کردن آیین بودایی در تبت به عمل آمد، اثبات کرد که رسیدن به این هدف دشوارتر از آن است که کمونیست‌های چینی تصور کرده بودند. راهبان درحالی‌که کتابهای مقدس ارزشمند مذهبی شان را با خود حمل می‌کردند، برای رفتن به هند، در کوههای هیمالیا به یک راهپیمایی طولانی و خسته‌کننده پرداختند. آنان، پس از آمدن به هند، چند مدرسه‌رهبانی بنا کردند و آموزش مراسم و مناسک پیچیده آیین بودایی تبتی را به نسل جدید نوآموزان جوان شروع نمودند.

در ضمن، دالایی‌لاما، یک سخنگوی زبان‌آور و برخوردار از جذبه جادویی برای سرزمین و مذهب خود گردید. وی، با مطرح ساختن دشواریها و مشکلات کشورش، برای جلب توجه مردم جهان، به شناساندن و معرفی آیین بودایی تبتی کمک کرد. بسیاری از غربیان، که مجذوب ماهیت غنی و پرشور این آیین گشته بودند، از تلاش‌های تبتی‌ها برای حفظ میراث فرهنگی شان حمایت کردند. درحالی‌که برای حل و فصل سیاسی اشغال تبت از سوی چین هنوز هم راهی در پیش است، با اطمینان می‌توان گفت که آیین بودایی تبتی توانسته است طوفان را پشت سر بگذارد. این آیین، به واسطه شهامت و پشتکار کارورزان کنونی اش، محفوظ خواهد ماند و سیاسته به نسلهای آینده منتقل خواهد شد.

سازمانهای جوانان و، در بعضی از موارد، نشانهای ظاهری آداب و لباس پیروتستان را اقتباس کرد.

پیشرفت جالب دیگر در آیین بودایی جدید ژاپنی، پیدایش چند سازمان بودایی غیرروحانی نظری سوکاگاکای^۱ و ریشو-کسی کای^۲ بوده است. این سازمانهای جدید، اصول سازمانی قدیم آیین بودایی را موقوف کردند و جای آنها را با روش‌های جدید ستیزند که از سوی اکثر بوداییان سنتی تا اندازه‌ای ناراحت‌کننده تلقی می‌شدند، عوض کردند. در مجموع، آیین بودایی ژاپنی به صورت بخش پویای حیات ملی درآمد. به علاوه، شماری از مدرسه‌های ژاپنی دارند زمینه مساعد را در اروپا و امریکا برای اندیشه‌ها و اعمال‌شان پیدا می‌کنند.

آیین بودایی و نابودی یک فرهنگ در تبت

چینی‌ها در طی قرن‌های متعددی، تبت را به عنوان ایالتی از امپراتوری چین به شمار آورده بودند. چین، راضی از فرمانبرداری تشریفاتی تبت و مبادله هدایای روستایی، مطابق روال قرن‌های گذشته به گروههای رهبانی بزرگ رخصت داده بود تا بر این ایالت فرمانروایی کنند. اما این روال هنگامی که در سال ۱۹۵۰ م. کمونیست‌ها زمام امور را در دست گرفتند، تغییر کرد. رهبران جدید دولت چین، ناخشنود از توافقهای سنتی و با احساس نگرانی از مزه‌های کشور خود، کوشیدند تا به نحو صریح و آشکارتری بر این ایالت حکومت کنند. آنان، برای رسیدن به این هدف، و بر مبنای

1. Soka Gakkai.

2. Risho - Koseikai.

کاشت گلهای تازه: آین بودایی در اروپا و ایالات متحده

آین بودایی، حداقل در سطح ظاهری، آن جنان گسترده به بخشی از فرهنگ جدید مبدل شده است که تصویرش دشوار است، زیرا که تا همین دو قرن پیش، مردم غرب تقریباً هیچ اطلاعی از ماهیت این آین نداشتند. این شناخت درباره آین بودایی تا موقعی که قدرتهای اروپایی، امپراتوریهای استعماری شان را در جنوب و جنوب شرقی آسیا مستقر نکرده و در امور ملت‌های آسیایی شرق به دخالت پرداخته بودند برای غربیان تحقق نیافت، در اینجا بود که توجه آنان به نظامهای اعتقادی مردمان بومی مغلوب و شکست خورده شروع شد. اما، به طورکلی این توجه، بالارزش ذاتی نظامهای اعتقادی مزبور ارتباطی اندک داشت یا اصلاً مرتبط نبود. تقریباً، این اویین سازمان دهنگان [حکومتهای استعماری]، مذهب را به عنوان وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی، مورد ارزش‌شناختی قرار می‌دادند. اما با گذشت زمان، بعضی از اروپاییان به ارزش آین بودایی و دیگر دینهای آسیایی دقیقاً پی برندند. در هنگامی که این عده از اروپاییان به یادگیری زبانهای باستانی مانند سنسکریت، چینی، ژاپنی، و پالی را آغاز نمودند، دیگر پژوهشگران اروپایی هم شروع کردند به تلفیق ساختن آن بخشهایی از این مذاهب که در نظرشان به مثابه یک جهان تو و مسحورکننده فکری بود.

این گروه از پژوهشگران از میان کارمندان مستعمراتی رتبه پایین که بیشتر روزهای خود را وقف رسیدگی به مشکلات اداری توده مردم ساکن در مستعمرات می‌کردند، پدید آمد. نظر به اینکه فقط تعداد انگشت‌شماری اروپایی دیگر بودند که به این‌گونه امور تحقیقاتی می‌پرداختند، کارمندان مزبور کار پژوهش در فرهنگ محلی را نیز



رهبر روحانی جاذبه‌دار آین بودایی تبت، دلایی لاما، که از ۱۹۵۷ در هند در حال تبعید به سرمهی برده بسیاری از غربی‌ها را به سوی این آین جذب کرده است. شخصیت متعالی وی خشنونتهاي استعماری چین را در سرزمینش به نحوی باز مورد توجه قرار داده است.

اما معتقدان به عرفان بر فراز کوه یخ بودند، البته اگر بتوان چنین چیزی گفت. از حدوداً سال ۱۸۵۰ م. به بعد، اروپا و ایالات متحده، به یک دوران بحران مذهبی گام نهادند. به طور روز افزون، روشنفکران و (آنها که خود را روشنفکر می‌پنداشتند) از آیین مسیحیت احساس ناخشنودی می‌کردند. برخی با این عقیده که کتاب مقدس، یک تصویر کامل و دقیق از بشریت و جهان مادی به دست داده است، موافق نبودند. برخی دیگر با این ادعای مسیحیت مبنی بر اینکه اختصاص دادن مقداری از ثروت در راه خدا، باعث رستگاری در دنیا و آخرت است، مخالف بودند. بسیاری دیگر بسادگی می‌خواستند آنچه را خرافه‌پرستی صرف تصور می‌کردند، با این جهان‌بینی علمی‌تر عوض کنند. برای بسیاری دیگر نیز، پیدایش «ناگهانی» آیین بودایی در افق روشنفکرانه، به منزله پاسخی به وضعیت دشوار آنان بود.

اما این نخستین آدمهای پرشور و شوق در اروپا و امریکا، زمینه‌ای را برای غلط درک کردن آیین بودایی فراهم ساختند. همان‌طور که ملاحظه شد، آیین بودایی نمی‌گوید که موجودات قدرتمندتر از انسان وجود ندارند، بلکه این آیین فقط تأکید می‌کند که تأثیرات این موجودات محدودند و رستگاری نهایی در جای دیگر وجود دارد. نخستین هوداران اروپایی و امریکایی گرایش داشتند تا آیین بودایی را به عنوان مکتبی کاملاً الحادی و خودمدار^۱ تعبیر کنند. بی‌تردید، این قضیه برای بسیاری از بوداییان، اگرنه اکثر آنان، چنین نبود. اما شکفتی آور نیست که نخستین نوکیشان آیین بودایی به آیین بودایی تره‌واده که به نظر می‌آید در آن عناصر «فوق طبیعی» کمترین قاطعیت را دارا باشند، تمایل نشان می‌دادند.

1. Self - oriented.

عهده‌دار می‌شدند. یک مثال خوب در میان این دسته از کارمندان، مورد تی. دبلیو. رس - دیویدز^۲ (۱۸۴۳ - ۱۹۲۲ م.) بود. وی، که از کارمندان امور مستعمراتی در سری‌لانکا بود، اوقات فراغتش را صرف آموختن زبان پالی، زبان مقدس آیین بودایی تره‌واده، کرد؛ آنچه او آموخت، متغیرش گردانید. آیین بودایی‌ای که از مطاوی این منتهای مقدس پدیدار شد، (چنین می‌نمود که) همان مذهب خرافاتی‌ای که احاطه‌اش کرده بود نبود، بلکه بیشتر فلسفه‌ای طریف و دقیق بود که با طین اندیشه منطقی و علمی اش، آماده بود تا تفکر اروپایی را تحت الشعاع خود قرار دهد. وی به اندازه‌ای به پژوهشها یش علاقه‌مند شد که کانون کتاب پالی را به قصد ویرایش کل آثار معتبر زبان پالی و ترجمه آنها به انگلیسی بنیاد نهاد. این هدفی است که کانون (که هنوز نیز فعالیت دارد) تقریباً به آن رسیده است. تغییر عمده‌ای دیگر در روابط بودایی - اروپایی در سال ۱۸۷۹ م. موقعی که سرادوین آرنولد^۳، شعر حماسی مشهورش، نور آسیا^۴، را منتشر کرد، به وقوع پیوست. این یک بازنویسی جدید از زندگی بودا بود به شعر انگلیسی، نه از دیدگاهی آکادمیک بلکه دیدگاه از کسی که به ارزش تعالیم بودایی به عنوان بیان مذهبی بی‌برده بود. بزودی پس از این، هلن پی. بلاوتسکی^۵، یک روس، و هنری استیل آلت^۶، یک امریکایی، دو بینانگذار جنبش مذهبی موسوم به عرفان، برای پژوهش در اندیشه شرقی به هند و سری‌لانکا سفر کردند. در سری‌لانکا، این دو، در آیینی که به طور رسمی آنان را به آیین بودایی می‌پذیرفت، شرکت جستند. اگرچه در کشان از آیین بودایی تا اندازه‌ای منحصر به فرد بود، این نوکیشان پرشور و شوق بودند.

2. T.W. Rhys - Davids.

3. The Light of Asia.

5. Henry Steele Olcott.

2. Sir Edwin Arnold.

4. Helen P. Blavatsky.

سرتاسر امریکا را در سال ۱۹۵۰ م. فراگرفت. ذن همراه با حضور راهب ژاپنی سوین شاکو^۱ (۱۸۵۹ - ۱۹۱۹ م.) در مجمع جهانی دینهای بزرگ، در شیکاگو در سال ۱۸۹۳ م. به امریکا وارد شده بود. نخستین نشست آن مجمع با شور و شوق ناشر آثار مذهبی، پل کاروس^۲، مواجه گشت، راهب ژاپنی موافقت کرد یکی از شاگردانش را برای کمک به کاروس همراه با ترجمة متنهای بودایی ذن بفرستد. این شاگرد که بیشتر عمرش را صرف معرفی ذن به غرب کرد، دی.تی. سوزوکی^۳ (۱۸۷۰ - ۱۹۶۶ م.) نام داشت.

دیگر استادان ذن به دنبال سوزوکی در دوره پیش از جنگ دوم جهانی به امریکا رفتند، و بزودی گروههای کوچکی از شاگردان پرشور در پیرامونشان گرد آمدند. اما این نسل بینیک^۴ پدید آمده پس از جنگ بود که از ذن با تمام وجودش استقبال کرد. نویسندهان وابسته به این جنبش، مانند جک کروواک^۵، گری سایندر^۶، و آلن گینزبرگ^۷، مبلغان دلباخته ذن (حداقل همان طور که افراد مزبور آن را درک می کردند) گردیدند. آلن واتس^۸ (۱۹۱۵ - ۱۹۷۳ م.) علاقه مند به همه ادیان، اصول ذن را در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. به حضار فرهیخته پرشور جوان (عمدتاً در کالیفرنیا) می آموخت.

این اقدامهای اولیه، منجر به هجوم معلمان ذن به درون سرزمین امریکا، در دهه هایی که از پی آمدند، گردید. این معلمان مکانهای آموزشی لازم را به وجود آوردند که در آنها ذن را به سبک قدیمی و

1. Soyen Shaku.

3. D.T. Suzuki.

5. Jack Kerouac.

7. Allan Ginsberg.

2. Poul Carus.

4. Beatnik.

6. Gary Snyder.

8. Alan Watts.

هنگامی که اروپایان به طور جدی در اواسط قرن نوزدهم میلادی درباره آینین بودا شروع به تحقیق کردند، بسیار مجدوب نسخه های مقدس پالی، این مکتب از آینین بودایی گردیدند. علت این امر آن بود که آنان در این متون باستانی، اندیشه اروپایی مدرن را به طور مجسم می دیدند.

همان طور که گفتیم، این گونه کاربرد آینین بودایی تره واده با کاربرد آن در محیط بومی اش، از بن متفاوت بود. اما در این دیدگاه اروپایی اولیه، دقیقاً به اندازه کافی حقیقت وجود داشت تا آینین بودایی تره واده را برای بسیاری از محققان اروپایی و امریکایی که نمی توانستند یک جزء غیر دنیوی را در پژوهش معنوی شان پذیرند، به صورت یک گزینه جذاب درآورد. نخستین فرد از میان این نویشان که عملاً مقدر شده بود تا به کسوت یک راهب بودایی درآید، آلن بنت^۱ (۱۸۷۲ - ۱۹۲۵ م.) بود که در برمه راهب شد. بزودی شماری دیگر از بریتانیایی ها و آلمانی هایی که شیفته شیوه زندگی رهبانی شده بودند، از وی تبعیت کردند. اما دیگر مکتبهای آینین بودایی فقط پس از جنگ جهانی دوم توانستند راه خود را به درون جامعه اروپایی و امریکایی باز کنند.

خود جنگ عامل مهم کمک به این دلستگی اروپایی و امریکایی برای تجدید حیات آینین بودایی بود. جنگ، اروپایی ها و امریکایی ها را با دیگر کشورهای بودایی مانند چین و ژاپن مرتبط ساخت. آینین بودایی قبل از این کشورها، یک پل کوچک به هاوایی و وست کست^۲ امریکا زده بود. بدین ترتیب، نزد پرسنی به جدایی این گونه جوامع مهاجر از روند کلی زندگی امریکایی گرایش داشت؛ همه اینها پس از جنگ دگرگون شد.

اولین یورشها بزرگ بودایی به امریکای شمالی، تب ذن بود که

1. Allen Bennett.

2. West Coast.

سختگیرانه ژاپنی آموزش می دادند. در حالی که نسل قدیمی تر پژوهندگان که سخت تحت تأثیر ذن قرار گرفتند آن را به عنوان نوعی مذهب «خودت باش» تلقی کردند، اکنون نیز ذن در امریکا، در نتیجه کوششهای همین هرج دوم معلمان، با حالات سنتی مذهب، بیشتر هماهنگ گشته است. در واقع، شماری از امریکاییان به سبب استعداد خاصشان، به عنوان استادان ذن به رسمیت شناخته شده اند. حتی می توان گفت که نوعی ذن جدید، ذن امریکایی، با ارشاد همین استادان در حال پدیدار شدن است.

در ضمن نباید سهم مکتبهای ذن چینی و کره ای به بوته فراموشی سپرده شود. در کالفرنیا، استاد ذن، هسوان هوا^۱ (۱۹۰۸ م.) انجمن بودایی چینی - امریکایی و صومعه کوه زرین دهیانا^۲ را بنیاد نهاد، که در آنها آموزش ذن به صورت بسیار سنتی و بسیار دقیق انجام می پذیرد. همچنین دیگر معلمان، مانند شنگ ین چنگ^۳، به اشاعه تعالیم ذن چینی در سرزمین امریکا سرگرفتند. علاوه بر این، استادان کره ای نظیر سون سانیم^۴ (۱۹۲۷ م.) مشغول عرضه کردن گنجینه های کمتر شناخته شده سنت ذن کره ای هستند. سون سانیم در سال ۱۹۷۲ م. مدرسه همیشه پر طوفدار کوان آم^۵ را (این نامگذاری به خاطر کوان این، بودیستوای ترجم است) تأسیس کرد. پیش از وی ساموسونیم^۶ در سال ۱۹۶۷ م. در تورتو، جامعه نیلوفر آجی ذن خود را تأسیس کرده بود.

درست همان طور که جنگ جهانی دوم سرآغاز نفوذ ذن را به درون سرزمین امریکا رقم زد، جنگهای هندوچین نیز در اوخر دهه ۱۹۶۰ و

1. Jack Kornfield.

2. Gold Mountain Dhyana.

3. Sheng Yen Chang.

4. Soen Sa Nim.

5. Kwan Um.

6. Samu Sunim.

۱۹۷۰ م. سرآغاز یک ارزشیابی جدید را درباره آینین بودایی تره واده مشخص کرد. در خلال این سالها، نیروهای ارتشر امریکا که در ویتنام مشغول خدمت بودند، از تایلند، کشور همسایه، به عنوان جایی برای استراحت و تفریح استفاده می کردند. در همینجا بود که آنان با آینین بودایی تره واده آشنا شدند. همچنین، حضور رو به افزایش امریکاییان در جنوب شرقی آسیا، منجر به اعزام شمار بیشتری از داوطلبان سپاه صلح به کشورهای با ثبات تر در منطقه شد. همه اینها به یک آگاهی بسیار زیاد درباره تره واده متوجه گشت.

افزون بر این در همین سالها، برخی اشخاص مانند استادان امریکایی مراقبه، جک کورنفیلد^۱ و جوئل گلتشتین^۲، به کشورهای مزبور، و به سریلانکا، برای پژوهش و حتی به کسوت راهبان درآمدن در زیر نظر استادان بزرگ تره واده ای معاصر، نظیر آجاهن چاه^۳ در تایلند و تاونگ پولوسایاداو^۴ در برمه رهسپار گردیدند. سرانجام، بسیاری از آنان به اروپا و امریکا - خواه برای از سرگیری زندگی غیرروحانی، خواه برای کشورهایی که اینان در کسوت راهبان - بازگشتهند. اما آینین بودایی تره واده ای که توسط این افراد آموخته می شد، تا اندازه ای از لحاظ ماهیت با آینین آن کشورهایی که اینان در آنها آموزش دیده بودند، متفاوت بود. در آن کشورها، افراد غیرروحانی، به طورکلی، به مراقبه - که راهبان به آن می پرداختند - نمی پرداختند. اما در امریکا و اروپا، پرداختن به مراقبه به صورت فعالیت مذهبی اصلی، هم برای راهبان و هم برای افراد غیرروحانی، درآمد.

از سوی دیگر، بسیاری از فعالیتهای غیرروحانی سنتی مرتبط با آینین

1. Jack Kornfield.

2. Joel Goldstein.

3. Ajahn Chah.

4. Taungpulu Sayadaw.

و کشتنند، و آثار نفیس هنری را نابود کردند. این گونه فعالیتهای تخریبی در اواخر دهه ۱۹۶۰ م. در دوران انقلاب فرهنگی چین شدت بیشتری یافت. راهبان تبتی نیاز داشتند برای حفظ سنت فرهنگی شان راهی پیدا کنند. پیدا کردن جانشین برای شمار راهبانی که ناپدید گشته بودند، مشکل اساسی بود؛ مطلب عمدۀ این بود که چگونه می‌توان از همین راهبانی که اکنون صومعه‌های بزرگ و اموالشان را در تبت از دست داده بودند حمایت کرد؟ و برای بازگرداندن کتابهای مقدسشان، که برخی از آنها در سنت تبتی منحصر به فرد بودند، چه کار می‌شد انجام داد؟ تبتی‌ها زود دریافتند که پاسخ پرسششان در غرب است.

از این رو در دهه ۱۹۶۰ م. راهبان تبتی در غرب به تعلیم دادن آیین خود پرداختند. یکی از مشهورترین افراد در میان این نخستین هیئت‌های تبلیغی چوگیام ترونگ‌کپا^۱ (۱۹۳۹-۱۹۸۷ م.) یک تولکوی وابسته به نظام کاگیو بود. وی نخستین گنپا^۲ی تبتی (صومعه) را در خارج از آسیا دایر کرد - سامیه لینگ^۳، در دمفریس شایر، اسکاتلند در ۱۹۶۷. از این آغاز فقیرانه، ترونگ‌کپا سازمان گسترشده واجرا دهاتو^۴ را به وجود آورد و آن را وقف ترویج آیین بودایی تبتی کاگیو در غرب کرد. او پس از یک سانحه سخت رانندگی که به واسطه آن هیچ‌گاه کاملاً بهبود نیافت، ازدواج کرد و بریتانیا را به قصد ایالات متحده ترک کرد. پرشاگرد ترتیب مدرسه گلوگپا [کلاههای زرد] در اعزام معلمان پیشناز به اروپا و امریکا تا اندازه‌ای کنتر عمل کرد. اولین دسته از معلمان این مدرسه برای یاری رساندن به شاگردان عبارت بودند از تو بتن‌یشه^۵ (۱۹۳۵-۱۹۸۴ م.) و شاگردش زوبا ریمچ^۶ (۱۹۴۶ م.) که

1. Chogyam Trungpa.

3. Samye Ling.

5. Thubten Yeshe.

2. Gonpa.

4. Vajradhatu.

6. Zopa Rinpoche.

بودایی تره‌واده که در سرزمینهای بومی این آیین معمول بود، در میان اروپاییان و امریکاییان معمول نشدند. اکثر مردمانی که به سوی آیین بودایی تره‌واده جلب می‌شدند، غالباً آدمهایی بودند که از مذهب سنتی، بویژه جنبه‌های سازمانی و فوق طبیعی آن، احساس راحتی نمی‌کردند. همان‌طور که در اوایل قرن نوزدهم میلادی معمول شده بود، این امر حاصل برداشتی بود از آیین بودایی تره‌واده به عنوان یک فلسفه «الحادی» و «علمی»، تا یک مذهب به مفهوم سنتی کلمه، که برای این گروه جدید از پیروان دارای جذابیت بود. درنتیجه، بسیاری از جنبه‌های آیین بودایی تره‌واده از سوی این دسته از پیروان مورد تقلید قرار نگرفت.

اما از دیدگاه بسیاری از مردم، اعمال مراقبه‌ای سخت و جدی گونه‌های مختلف ذن و تره‌واده جذاب و گیرا نبودند. این افراد در جست‌وجوی آیین بودایی پرشورتری بودند تا این دو سنت پیشنهادشده. برای این افراد، پاسخ جست‌وجویشان برای یافتن مذهب دلخواه، عبارت بود از مفهوم غیرروحانی در آیین بودایی واجره‌یانه. این شکل از حالت بودایی، از ناشناخته‌ترین مکتبهای بودایی بود که پس از همه مکتبهای دیگر به غرب رسید. آیین بودایی واجره‌یانه که در سرزمین بومی اش، تبت، به متزوی بودن رضایت داده بود، اگر فاجعه ملی‌ای که در سال ۱۹۵۰ م. اتفاق افتاد، نبود، ممکن بود ارزش و اعتبارش از دید بیگانگان پنهان بماند.

درست از همان آغاز، راهبانی که تبت را به سوی هند ترک گفته بودند، با مشکلی توانفسا مواجه شدند. چیزی‌ها به شکلی روشنند به تخریب کردن کل فرهنگ مذهبی آنان پرداختند. در این میان، گزارش‌های هراس‌آوری به دست می‌رسید، که متأسفانه همه آنها صحت داشت. در این گزارشها گفته می‌شد، صومعه‌ها را سوزانندند، راهبان را شکنجه دادند

این سازمان با کمک شاگرد امریکایی اش اسل تندزین^۱ (۱۹۴۵ - ۱۹۹۰ م.) که سبک زندگی هرزه و بی‌بندوبار وی و به‌دنبال آن، مرگش به‌دلیل بیماری ایدز، بر خطرهای فرمانبرداری بسیار چون و چرا از گورو اعلم روحانی اکه سنت آیین بودایی تبتی را آموزش می‌دهد، تأکید کرد. یکی از افرادی که در روش خویش، درست آیین‌تر عمل می‌کرد استاد گلوگا کالو رینپچ^۲ (۱۹۰۵ - ۱۹۸۹ م.) بود که شخصیت مقدس‌وار و نگرش سنتی سختگیرانه‌اش برای آموزش آیین بودایی تبتی، باعث شد اولین گروه صحیحاً آموزش دیده راهبان و اجره‌یانه غربی که برای اداره کردن نهادهای آموزشی وابسته به خود از شایستگی لازم برخوردار بودند، به وجود آید.

همچنین در امریکا آیین بودایی تبتی نینگ ما^۳ جان تازه‌ای پیدا کرد. در سال ۱۹۶۹ م. تارتانگ تولکو^۴ مؤسسه نینگ ما تبتی را در برکلی و کالیفرنیا، بنیاد نهاد. بزودی معلمان برجسته دیگر این مکتب، از جمله سرپرست الاماقامش دوجم رینپچ^۵ (۱۹۰۴ - ۱۹۸۷) از او تبعیت کردند. یکی از برنامه‌های عمدۀ تارتانگ تولکو ویرایش و چاپ مجموعه مفصل منتهای نینگ ما بود - هدفی که هم اکنون بخوبی در حال تکمیل شدن است - این، پا به پای کارهای مشابه بزرگ دیگر مانند ویزدم پاپلیکیشن، تضمین می‌کند که سنت معنوی بسیار غنی آیین بودایی تبتی برای نسلهای آینده محفوظ خواهد ماند.

سرانجام، مطلبی باید درباره آینده آیین بودایی سرزمین پاک گفته شود. این مکتب از آیین بودایی، از اواسط قرن نوزدهم میلادی هنگامی که

1. Osel Tendzin.

3. Nyingma.

5. Dudjom Rinpoche.

2. Kalu Rinpoche.

4. Tarthang Tulku.

بنیاد حفظ سنت ماهایانا را در سال ۱۹۷۱ م. و مؤسسه ویزدم پاپلیکیشن^۶، یک مؤسسه انتشاراتی بسیار مشهور را که در حال حاضر در شهر بُسْٹُن مشغول به کار است، تأسیس کردند.

اما در ایالت متحده بود که آیین بودایی تبتی واقعاً شکوفا شد. در سال ۱۹۵۱ م. گروهی از کلمیک‌ها پس از جنگ جهانی از سرزمین خود که در آن موقع یکی از متعلقات رومیه بود گریختند، و در امریکا به آنان اجازه داده شد تا در نیوجرسی سکونت اختیار کنند. از آنجا که کلمیک‌ها قرنهای متتمادی از پروان آیین بودایی تبتی بودند، اولین معبد بودایی تبتی در امریکا ساخته شد، که مسئولیت آن را راهب گلوگا گشه ونگال^۳ (۱۹۰۱ - ۱۹۸۳ م.) عهده‌دار شد. این امر به نخستین آموزش رسمی [ازبان] تبتی و آیین بودایی تبتی منجر شد و این در زمانی، سال ۱۹۶۷ م. بود که شاگرد گشه ونگال و گشه سوپا^۴ (۱۹۲۳ م.) از سوی بوداشناس بزرگ کانادایی ریچارد راینسن^۵ دعوت شده بود تا به دانشکده تازه تأسیس برنامه پژوهشی بودایی در دانشگاه ویسکانسن^۶ ملحق شود. گشه سوپا، به نوبت، ترتیبی برای آمدن دالایی لاما به ایالت متحده در سال ۱۹۸۱ م. داد، و در همین سال دالایی لاما مسئولیت پاگشایی کالاچاکرا را که گفته شده است تزدیک به ۱۲۰۰۰ نفر در آن شرکت جسته‌اند، به عهده گرفت.

در سال ۱۹۷۰ م. چوگیام ترونگپا، خسته از اختلافات داخلی مداوم در سازمان اروپایی اش، به ایالات متحده مهاجرت نمود. وی در بلدر و کلرادو، یک سازمان جدید و اجرادهاتو بنیاد نهاد. او به عنوان سرپرست

1. Wisdom Publications.

3. Geshe Wangal.

5. Richard Robinson.

2. Kalmyks.

4. Geshe Sopa.

6. University of Wisconsin.

کارگران چینی و ژاپنی برای کار در راه آهن و مزارع نیشکر هاوایی به ایالات متحده آورده شدند، بخشی از صحته زندگی امریکایی بوده است. با گذشت سالها، این مکتب نشانه‌ای رسمی یادبود بسیار از مسیحیت پروتستان، نه تنها در غرب بلکه در خاستگاه اصلی آش شرق، دریافت کرده است. روی هم رفته، مکتب مزبور در جامعه آسیایی باقی مانده است. بیشتر غیرآسیایی‌هایی که مجذوب آیین بودایی گردیده‌اند به علت فرق بنیادین پیام اصلی این آیین از مسیحیت و یهودیت بوده است. آیین بودایی سرزمین پاک، با بسیاری از شبههای آشکارش با این سنتهای، به نظر نمی‌آید در مقایسه با شکل‌های غیربومی آیین بودایی از جذابیت بیشتری برخوردار باشد. با این همه، پیروان سنتی این مکتب همچنان بسیارند - بویژه مکتب ژاپنی جودوشین - شو^۱، با عنوان کلیساهای بودایی امریکا (تأسیس ۱۸۹۹ م.).

۶

آیین بودایی در قرن بیست و یکم شراب کهن در میانی نو

رویارویی با تعارضهای یک جهان در حال تغییر

آیین بودایی با دیگر مذاهب از لحاظ رویارویی با تعارضهای جهان مدرن و فرصتهای مناسب فرقی ندارد. قرن بیستم میلادی با آیین بودایی به مهربانی رفتار نکرد. نواحی بزرگ جهان بودایی درنتیجه دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی نابود گردیدند. یک مثال درخور در این خصوص، چین است. سرزمینی که زمانی در آن آیین بودایی متدائل بود، پس از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها، آیین بودایی (و همه ادیان دیگر) به شکلی روشنمند سرکوب شدند، به طوری که اکنون پی بردن به آمار بوداییانی که همچنان در این کشور بسیار وسیع باقی مانده‌اند دشوار است. همان‌طور که در صفحات قبل ملاحظه شد، کمونیست‌ها بیزاری شان را از آیین

^۱. Jodo Shin - shu.

تصور خاص خودشان از ماهیت سعادت انسانی، از قبیل در پی «بنجل»^۱ رفتن انجام می‌دهند: با اندیشه‌ای که یک فیلسوف به طور طنزآمیز اظهار داشته است، که «آن شخص که با بیشترین بازیچه‌ها می‌میرد، می‌برد». همراه با این گونه ارزش‌های فرهنگی، جهان‌بینی‌ای که آنان را مورد حمایت قرار می‌دهند، می‌آید. این جهان‌بینی علمی غربی، با اهمیت ندادن به ارزش‌های مذهبی و تأکید‌هایش بر مادیت آنی و زودگذر، تأثیری قوی بر بسیاری از طبقات تحصیل‌کرده کشورهای بودایی گذاشته است. این گروه‌های تحصیل‌کرده در بسیاری از موارد آیین بودایی را مردود دانسته، و آن را با خرافه‌پرستیهای کشاورزان روسیایی یکسان شمرده‌اند.

بنابراین از اینکه آیین بودایی، مانند بسیاری از مذاهب گذشته، نابود شود، نباید ترسید؟ پاسخ این است که چنین اتفاقی نامحتمل است. در طی قرنها، آیین بودایی خود را در برابر شرایط فرهنگی تازه، بسیار انعطاف‌پذیر نشان داده است. همان‌طور که قبلًاً ملاحظه شد، این آیین از خاستگاه اصلی اش هند، در سراسر بیشتر نقاط آسیا اشاعه پیدا کرد، و در برخورد با فرهنگها و زبانهای تازه وارد مقاومت کرد. به مرور زمان، آیین مزبور به صورت جزء مکمل این فرهنگها درآمد. حتی اکنون نیز، این آیین در حال تحول و جرح و تعدیل است. آیین بودایی که همراه با پیش زمینه فرهنگ‌های مختلف آسیایی به امریکا و اروپا آمده است، دوباره مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته و مجددًاً احیا شده است، به طوری که اکنون دارد منحصرًاً به صورت جزئی از فرهنگ‌های امریکایی و اروپایی در می‌آید. همچنین، آیین بودایی دارد خود را با محیط در حال تغییر سرزمینی بومی اش نیز وفق می‌دهد. نظر به اینکه سالهای متتمادی، آیین بودایی

بودایی در تبت در سال ۱۹۵۱ م. نشان دادند و در آنجا کوشیدند تا آیین بودایی را، غالباً با وسائل فوق العاده خشن، متلاشی کنند. همین طور در دوران فجایع هولناک خمرهای سرخ در کامبوج در فاصله سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹ م. عملاً به طور کامل نظام رهبانیت بودایی همراه با تقریباً نصف کل جمعیت این کشور بودایی ترهواده‌ای ناپود گشت. بسیاری حدس می‌زنند که در پایان این دوره، از میان ۸۰۰۰۰ راهب، فقط چند صد نفر توانستند زنده بمانند. در چین، کامبوج، و تبت، معبدها تخریب گشته‌اند، کتابهای مقدس به آتش کشیده شدند، و آثار ارزشمند هنر بودایی به مزایده گذاشته شدند و با بالاترین قیمت به فروش رسیدند.

اگرچه این تلاش آشکار برای نابودی آیین بودایی وحشتناک بوده است، اما به وسیله یک یورش هماهنگ‌تر و دقیق‌تر به مذهب تحت الشاعع قرار گرفته است. این امر به واسطه فرهنگ غربی اتفاق افتاده است. اصول مصرف‌گرایی فرهنگ غربی، با قاچاق وارد کردن آن به وسیله میکی مووس و مایکل جکسون، از بن با ارزش‌های فرهنگ بودایی که سادگی، آرامش خیال، و اجتناب ورزیدن از تمکن پی در پی کالا را اندرز می‌دهد، در تضاد است. اما رهاوید فرهنگ استعماری کوکاکولا بی غرب برای کشورهای آسیایی عبارت بوده است از غرقه کردن این کشورها در راک ویدئوها، تایت کلاب‌های غربی، و کالاهای مصرفی الکترونیک گران‌قیمت. بی تردید این چیزها به خودی خود بد نیستند، اما بالارزش‌های سنتی بودایی، سادگی و آزادی از قید تعلقات مادی، هماهنگی و سازگاری ندارند.

غربی‌ها این کار را به وسیله عوض کردن کمال مطلوبهای بودایی با

جزیره را نقطه‌چین کرده‌اند، شرکت می‌جویند.
بسیاری از راهبان، که به‌طور سنتی وقت خود را صرفًا وقف تعلیم و
تبليغ می‌کنند، اکنون در اموری که بیشتر جنبهٔ دنیوی دارند، شرکت
می‌جویند. دو نمونهٔ خوب از این مشارکت عبارتند از حکیم محترم
والگوواگودا ویمالابودهو ترو^۱، از صومعهٔ سری واردhanarmaya^۲، مذاگاما
دهامماندا^۳ محترم از صومعهٔ آسگیری ماهاویهارا^۴ در کاندی.

حکیم ویمالابودهو عضو عالی مقام شورای کلیساي بودایی در
سری لانکاست، اما دلبستگی‌هایش از امور صرفًا روحانی فراتر می‌رود.
یکی از برنامه‌هایی که وی به‌طور مؤثر به حمایت از آن برخاسته بود،
برنامهٔ مشترکی بود بناهادهای بودایی ژاپن برای مبارزه با بیماری‌های چشم
در مناطق روستایی. این بیماریها، که اگر بدون مداوا به حال خود رها
شوند باعث کوری می‌گردند، همواره یکی از مشکلات آب و هوای
استوایی مرطوب جزیره بوده است. درمان این بیماریها، که مستلزم
صرف سادهٔ پماد آتنی بیوتیک است، درحالی که نسبتاً ارزان تمام می‌شود
همچنان فراتر از قدرت خرید یک کشاورز متوسط فقیر است، حتی اگر او
از فوت و فن معالجه بیماری خود آگاه باشد. به‌واسطهٔ سخاوت
بودایی‌های ژاپنی، این گونه پمادها به سری لانکا ارسال می‌شوند و در
میان روستاهای توزیع می‌گردند.

و این تنها نمونهٔ یکار فرد بودایی با مشکلات دنیای معاصر در
سری لانکا نیست. دهامماناندای محترم، مظہر تحولی است که سرتاسر
سانگه بودایی را در بر می‌گیرد. دهامماناندای محترم، یک مرد جوان با

1. Walgottwagod Wimalabuddho Thero.

2. Sri Wardhanarmaya.

4. Asgiri Mahavihara.

3. Medagama Dhammananda.

به عنوان چیزی جدا از جریان عادی جامعهٔ غیرمذهبی تلقی گردیده بود،
گروههای بودایی که مهمترین موضوع مورد علاقه‌شان معطوف به مسائل
غیرمذهبی است، اکنون دارند به‌طور ناگهای در جامعهٔ تشکل پیدا
می‌کنند. یک نمونهٔ خوب از این وضعیت اخیراً در تایلند اتفاق افتاد.
تایلندی‌ها دارند اقتصاد خود را از اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد عمدهٔ
صنعتی تبدیل می‌کنند. بدختانه، همان‌طور که تجربهٔ اروپایی در دوران
انقلاب صنعتی به مردمان غرب نشان داد، این تغییر و تحول اغلب به
بهای جان شمار کثیری از افراد انسانی تمام شده است. تایلند این موضوع
را دریافتی است. یک مثال جدی استثنایی در این مورد دشواری‌های مربوط
به بوم‌شناسخی است که اکنون این کشور با آن رو به روست. درختان
بخشی‌های وسیعی از جنگلهای این سرزمین را برای چوبی که مورد
تقاضای کارخانه‌های فراورده‌های چوبی در ژاپن و جاهایی دیگر است،
قطع کرده‌اند. این امر، به‌نوبهٔ خود، به دشواری‌های دیگری از قبیل
فرسایش خاک منتج گردیده است. برای مقابله با این وضع، گروههای
بودایی با سرپرستی راهبان دربارهٔ مسائل مربوط به محیط زیست که از
صنعتی کردن سریع کشور ناشی شده‌اند، به سخنرانی می‌پردازند. این
گروههای، با استفاده از روش‌های عاری از خشونت، اما ایداعی، مانند
تقدیس درختان (حتی تایلندی‌های اروپایی مأب همچنان سانگه را محترم
می‌شمارند و یک درخت "تقدیس شده" را قطع نمی‌کنند)، پیوسته با
مقامهای قانونی برای استفادهٔ بهینه از منابع طبیعی بر مبنای احترام به
ارزش‌های بودایی در مورد حفظ سلامتی کل موجودات زنده بحث و
مذکره می‌کنند.

در سری لانکا، نهادهای رهبانی به‌طور روزافزون در امور بهداشتی و
دیگر مسائل مربوط به بسیاری از روستاهای کوچک که سرتاسر این

مواد مخدر را با سرنگ به خود تزریق می کردند شیوع پیدا کرد، این ارتباط کلیشه‌ای بین «گناه» و ایدز باشد تی پیشتر رایج گردید.

در میان نخستین گروههای مذهبی که به مقابله با این گرایش رایج برخاستند، بوداییان امریکایی بودند. چون آیین بودایی، روی هم رفته، مفهوم گناه را در بر ندارد و همجنس‌گرایی را فی‌نفسه محکوم نکرده است، ایدز را به عنوان یک بیماری شرم آور و در خور مجازات تلقی نکرد. بلکه، این را نیز درست مانند یک نمونه دیگر از ماهیت رنج آور هستی به شمار آورد، و کسانی را که از آن در رنجند، در شمار همنوعانی دانست که نیازمند رفتاری ترحم آمیزند. بنابراین، پزشکان بودایی، خواه همجنس‌گرا خواه غیرهمجنس‌گرا، در صفت مقدم کمک به بیماران ایدز قرار داشتند. بدیهی است، پرداختن به این‌گونه کارها، همراه با دیگر فعالیت‌های مشابه، از قبیل کمک به بی‌خانمانها، باعث افزایش شهرت بسیار برای این آیین در ایالات متحده و اروپا گردید.

پیام جاودانی بودا

آن عواملی که به تداوم جاذبه آیین بودایی کمک می‌کنند، کدامند، بویژه از همه پیشتر آن دسته که موجب جاذبه روزافزونش در میان اروپاییان و امریکاییان شده‌اند؟ ساده‌ترین پاسخ در این واقعیت پنهان است که مسائلی که نخستین بار آیین بودایی در حدود ۲۵۰۰ سال پیش به آنها پرداخت، همچنان تا به امروز کم یا بیش بدون تغییر با ما هستند. مردم هنوز هم می‌پرستند ماهیت زندگی و معنی نهایی آن چیست. هنوز هم

تحصیلات کافی، به مانند در سری‌لانکا قانع نبود و از این‌رو به تایوان برای تجربه کردن آیین بودایی در آن محیط سفر کرد. وی، در بازگشت به سری‌لانکا، با مردم غیرروحانی در مورد مسائل مختلف اجتماعی شروع به کار کرد. وی به طور کلی نماد یک تحول نظری در میان نسل جوانتر راهبان بودایی است، بدین معنی که آیین بودایی می‌خواهد با جهان مراوده داشته باشد، نه اینکه از آن رخ برتابد؛ در عین حال، این تحول نظری را به خبرگان مذهبی منحصر نکرده‌اند. در سری‌لانکا جنبش سروادایا¹، از سوی افراد غیرروحانی بودایی برای پرداختن به مشکلات وابسته به اقتصاد اجتماعی موجود در روستاهای تشكیل پیدا کرد. تمام اینها خبر از روزی نو در وابستگی آیین بودایی به محیط‌ش در این جامعه باستانی می‌دهد.

این جهت‌یابی مجدد آیین بودایی صرفاً در کشورهایی که به طور سنتی بودایی هستند، اتفاق نمی‌افتد. در ایالات متحده، معلمان بودایی و اشخاص غیرروحانی در بسیاری از موارد مربوط به مسائل اجتماعی نفوذی متقدعاً دارند. یک مثال مناسب از این مورد، طرز کار بودایی در برخورد با بیماران مبتلا به ایدز است. هنگامی که بیماری همه‌گیر ایدز برای نخستین بار در عرصه زندگی امریکایی ناگهان پدیدار شد، چنین به نظر می‌رسید که این بیماری تقریباً منحصر به مردان همجنس‌گراست. از آنجاکه رفتار همجنس‌گرایانه از سوی مسیحیت سنتی محکوم شناخته شده بود و از این‌رو از سوی پیشتر مردم امریکا به طور بدی درک و تلقی می‌شد، بیماران ایدز اغلب از کمک پرستاران مذهبی سنتی محروم می‌مانندند. افزون براین، همین‌که این بیماری همه‌گیر در میان معتادانی که

1. Sarvodaya.

حیرانند که چرا آدم خوب رنج می‌کشد و آدم بد بدون مجازات به راه خود می‌رود. هنوز هم از نیروهای شکست‌ناپذیر طبیعت و ارتباطشان با هستی انسان احساس شگفتی می‌کنند. از نظر بسیاری از این پژوهندگان، تحلیل بودایی، واقعیت و برنامه عملی اش برای نیل به تفوق در برابر رنجهای زندگی بشری، از جاذبه‌ای بسیار برخوردارند. اما سایر مذاهب هم، از جمله اسلام، مسیحیت، و هندوئیسم، درباره این پرسشها پاسخهای پیشنهاد می‌کنند. اما چه چیزی در آیین بودایی منحصر به فرد است؟

یکی از ویژگیهای آیین بودایی که برای بسیاری از مردم، بخصوص کسانی که در محیط علمی جامعه غربی پرورش یافته‌اند، جذاب است این است که آیین بودایی، از اندیشه «ماوراء الطبيعة»، شکافی بین این دنیا و یک واقعیت نامرئی کلاً متفاوت، اعراض کرد. بودایی می‌گوید، کیهان یک منظومة عظیم فرآیندهاست، نه اشیا.

از نظر بودایی، هیچ‌کس نمی‌تواند قوانین انعطاف‌ناپذیر علت و معلول را بیشتر از کسی که می‌تواند برای الغای قانون ثقل امیدوار باشد، تغیر دهد. چنین دیدگاهی برای ذهن غربی‌ای که بر مبنای اصول علمی پرورش یافته است، فوق العاده جذاب است. در حالی که سایر مذاهب به یک مفهوم اثبات نشده (و شاید اثبات‌ناپذیر) از یک خدای اعلیٰ متکی‌اند، آیین بودایی از اتکا به چنین مفهومی بی‌نیاز است. به علاوه، به نظر می‌رسد فرضهای بودایی به آسانی بیشتر از قوانین عموماً پذیرفته شده فیزیک ناشی می‌شوند. قوانینی که به نظر می‌آید به طور روزافزون بسیاری از استدلالهای بودایی را درباره ماهیت کیهان تأیید می‌کنند. تا از فرضهای مبتنی بر خداشناسی. از بسیاری جهات، به نظر می‌آید اصول بودایی، نظری علت و معلول، صرفاً قوانین فیزیکی دارای کاربرد در حوزهٔ متفاوتی کی باشند. بدین سان برای شمار کثیری از مردم، آیین بودایی یک

گزینهٔ مذهبی فوق العاده خوشایند است زیرا این آیین بسیار «غیرمذهبی» است - فاقد بسیاری از ویژگیهایی است که غربی‌ها برای دین ضروری می‌دانند، مثل متکی بودن آن به یک خدای اعلا.

دلیل دیگری که باعث شده است تا آیین بودایی محبوبیتش را حفظ کند این است که به حالات فردی بیشتر از حالات گروهی مذهبی بودن، گرایش دارد. در میان مذاهب غربی، اصل اعمال مذهبی به متحقق شدن این اعمال در جامعه تعریف شده است. فردی که معتقد به دین مسیحی یا بهودی است همراه با سایر همکیشان خود در مراسم نیایش هفتگی شرکت می‌کند. از سوی دیگر، آیین بودایی فعالیت مذهبی را متشکل از اعمال خصوصی می‌داند. البته فرد از فرسته‌ایی برای شرکت جستن و تسلی یافتن در جامعه همکیشان خود برخوردار است، اما وی می‌تواند بدون مواجه شدن با یک همکیش دیگر، بنتهایی یک بودایی خوب به شمار آید؛ این اعمال باطنی فرد است که اهمیت دارد.

در جامعه‌های فوق العاده فردگرای اروپا و امریکا، این امر یک امتیاز مشخص است، بخصوص از آنجایی که اضافه وقت شخص و دوره‌های موسمی باشکوه مناسکی که جزو عالیم مشخصه یهودیت و مسیحیتند ایجاب می‌کنند، بوداییان با حرکت گند جامعه‌های کشاورزی هماهنگی داشتند، در دنیای صنعتی در ۲۴ ساعت شبانه‌روز، و در هفت روز هفته بندرت در مناسک جمعی شرکت می‌جویند.

از این گذشته فرد می‌تواند کم یا زیاد، آن‌طور که صلاح می‌داند، مناسک مذهبی را برگزار کند. درحالی که قسمت عمدهٔ فعالیت مذهبی در محدودهٔ متن مناسک رسمی صورت می‌گیرد، بوداییان می‌توانند به مذهبشان بدون هیچ‌گونه توصلی به مناسک، هر طور که می‌پسندند به نیایش پردازند (گرچه شماری اندک در یک کشور نسبتاً بودایی می‌توانند

کیفیت یا اهمیت یکسانی هستند، بلکه به این معناست که زبان مذهبی ممتازی در آین بودایی وجود ندارد. کتابهای مقدس در ترجمه نیز کاملاً از همان شکوه و ابهت خود در زبانهای اصلی برخوردارند. افزون بر این، فقدان یک مقام روحانی میانجی گری کننده، به این معناست که هر فرد بودایی از استعدادی یکسان برای نیل به درک واقعیت نهایی بدون احتیاج به وابستگی به فردی دیگر بهره مند است.

اما شاید بزرگترین توان آین بودایی، تعهدش در قبال صلح باشد. در عصری که دو جنگ جهانی و تعداد بسیاری منازعات کوچکتر را در صد سال گذشته از سرگذرانده است، فراخوان بودایی برای صلح و آشتی انسانی، فوق العاده دارای گیرایی و جاذبه است. رهبران بودایی از جمله راهب بودایی تیج نهایت هانه^۱ و دلایی لاما، به کرات نامزد دریافت عالی ترین لوحه های افتخار به علت فعالیتهاشان به خاطر صلح گردیده اند. این رهبران صرفاً به انتشار پیام صلح در میان انسانها اکتفا نمی کنند. آنان در عین حال در مبارزه به خاطر سعادت بیشتر جمعیت خاموش سیاره ما فعالند، و می خواهند که ما با دیگران و محیطشان به طور کلی همان رفتاری را داشته باشیم که مایلیم دیگران با ما داشته باشند. برای تحقق این هدف، آنان یک گزینه مشخص را به جای الگوی انسانی رایج بهره برداری، هم در قبال یکدیگر و هم در قبال محیط زیست، پیشنهاد می کنند.

بنابراین درباره اینکه آین بودایی به عنوان یک مدافعان پرشور برای ایجاد جهانی خوشایندتر به حیات خود تداوم خواهد داد، اندک تردیدی ممکن است وجود داشته باشد. تا هنگامی که مشکلاتی که هستی بشری را خدشه دار می کنند پابرجا هستند، آین بودایی نیز در میان هر نسل

هر طور که صلاح می دانند، نیایش کنند. از سوی دیگر، کسانی که می خواهند عمل مراقبه شان را با مناسک رسمی بیشتری تأیید کنند به آسانی می توانند چنین کنند. یک سبک دیگر از مناسک وجود دارد که با تمام سلیقه ها در آین بودایی جور درمی آید، این سبک میان اعمال نسبتاً افراطی سخت و شاق تره واده تا اعمال متکلف و پیچیده آین بودایی تبیش در نوسان است.

ارزش قابل شدن برای فرد در آین بودایی در سایر موارد نیز نقش دارد. آین بودایی در حد سیار زیادی فاقد تعصب نهادی شده ای است که در دیگر مذاهب وجود دارد. از این رو، مردم متعلق به نژادها، جنسیت ها، تمایلات جنسی، و دارای سبکهای زندگی مختلف در آین بودایی یک فضای قابل تحمل پیدا می کنند که در سایر مذاهب غربی نمی توانند آن را پیدا کنند. این معنایش آن نیست که آین بودایی بکلی از قید تعصباتی که بر سایر ادیان حاکمند، آزاد است - وجود چنین تعصباتی را منازعات کنونی در سری لانکا به اندازه کافی اثبات می کند - بلکه معنایش آن است که از لحاظ کتبی و عرفی مجوزی برای چنین تعصباتی در دست نیست، و در واقع، بیشتر محکومیت هایی که در کتابهای مقدس برای انجام دادن این گونه رفتارهای تعصب آمیز مندرج است، در این آین وجود ندارد. هیچ بودایی نمی تواند درباره اصول شرعاً سایر مذاهب به نحوی موهنه اظهار نظر کند، در واقع در این مورد کاملاً بر عکس رفتار می کند.

ویژگی دیگر جذاب بودایی، تاریخ استفاده طولانی اش از زبان مادری روزمره است تا استفاده از یک زبان مقدس که فقط چند تن از خبرگان آن را درک می کنند. این معنایش آن است که کتابهای مقدس مربوط به این آین برای همه پیروانش جهت تحقیق و اظهار نظر به آسانی قابل دسترسی است. این به آن معنا نیست که کتابهای مقدس بودایی همگی دارای

1. Thich Nhat Hanh.

افرادی را پیدا خواهد کرد که پیامش را درباره امید، صلح، و ترجم همچنان بشنوند. این آیین تداوم خواهد یافت تا به چنین افرادی راهی برای فایق آمدن بر بسیاری از ناکامیها و مصیتها، و یک الگوی دیگر از رفتار متقابل انسانی را در برخورد با کل جهان پیشنهاد کند. برای این‌گونه افراد، آیین بودایی همواره آیین طریقتهای بسیار، اما با یک هدف - هدف صلح - خواهد بود.

توكیب فرهنگی در آیین بودایی غربی

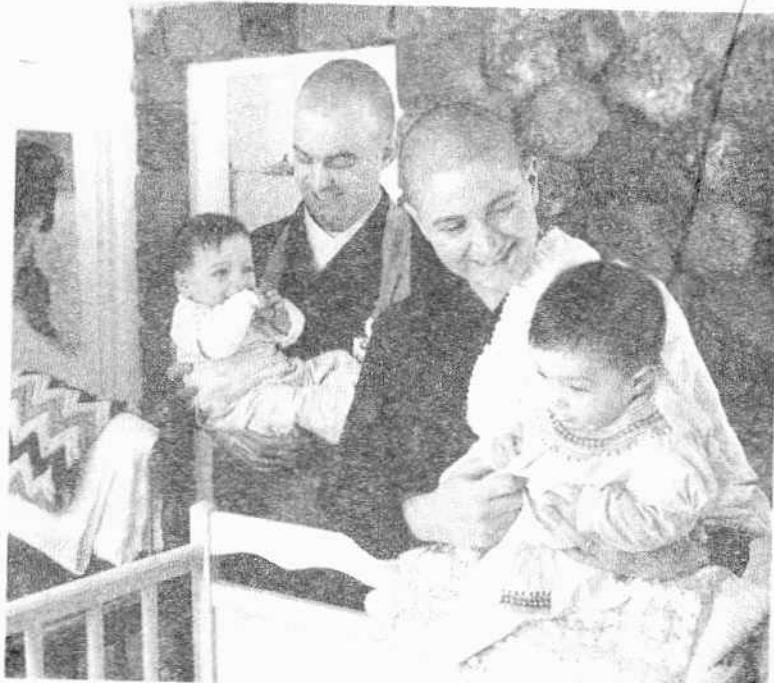
یکی از ویژگیهای بر جسته گسترش آیین بودایی در غرب، منزلتی است که زنان معلم به خاطر نقش عمده‌ای که در کارهای آموزشی ایفا کرده‌اند، به دست آورده‌اند. در حالی که زنان هیچ‌گاه در آیین بودایی نادیده گرفته نشده بودند، ماهیت مردگرایی اکثر جوامع آسیایی، یک نقش درجه دوم را در مسائل مذهبی برای آنان در نظر گرفته است. در غرب، قضیه چنین نیست؛ در واقع، درباره بسیاری از پیشگامان دانش‌پژوهی بودایی، مانند خانم کرولین رایس - دیویدز^۱ (۱۸۵۸ - ۱۹۴۲ م.) و خانم آی. بی هرنا^۲ (۱۸۹۶ - ۱۹۸۱ م.) همچنان به عنوان پژوهندگانی بر جسته از آنان یاد می‌شود. اما، در کسوت معلمان مذهبی است که زنان غربی از همه هوش و استعداد خود بهره جسته‌اند.

یک نمونه فوق العاده جالب از میان این زنان، جیو که نت روشنی^۳

1. Mrs. Caroline Rhys - Davids.

2. I.B. Horner.

3. Jiyu Kennett Roshi.



یک راهبه و راهب در صومعه شاستا، کالیفرنیای شمالی، سرگرم پرستاری از نوزادان هستند. این صومعه می‌کوشد تا کردار بودایی را با سنتهای کلاسیک غرب با هم پیوند دهد.

سرود مذهبی کلیسای کاتولیک رومی است، نه مطابق الگوهای موسیقیایی شرقی. ممکن است شخص بدروستی سؤال کند که با در نظر گرفتن این واقعیت که این راه و رسمها دیگر در میان توده‌های مردم متداول نیست، آیا برای وفق دادن آین بودایی با سنتهای غرب پرداختن به چنین کارهایی صحیح است. با این‌همه، تلاش‌های که نت روشنی برای جاده دادن روحانیت بودایی درون یک متن غربی سنتی، نشان دهنده روحیه پویای آین بودایی امریکایی است، و حاکی از خط سیرهایی است برای پشرفت در آینده.

(پگی تهرزا ننسی که نت^۱، ۱۹۲۴ - ۱۹۹۶ م.) بود. که نت روشنی، که در بریتانیا به دنیا آمده بود، نخست در ترینیتی کالج لندن^۲ در رشته موسیقی به تحصیل پرداخت. وی، درحالی که به طور فزاینده‌ای از شیوه زندگی غربی ناخشنود گشته بود، درباره آین بودایی به تحقیق پرداخت. این خانم که یکی از نخستین زنانی بود که مورد تأیید استادان ذن ژاپنی و کره‌ای قرار گرفت، از سوی آنان اجازه یافت تا به تدریس پردازد. در سال ۱۹۶۹ م. وی به ایالت متحده رفت و صومعه شاستا^۳ را در کالیفرنیای شمالی بنیاد نهاد. از آن زمان به بعد، سازمان واپسیه به وی، نظام بودایی مستفکران، صومعه‌ها و معبدهای دیگر بنا کرده است. وی چندین کتاب نوشته است که از میان آنها می‌توان از کتابهایی مانند ذن زندگی ابدی است، چگونه یک بیلوف آبی می‌شکند، و یادداشت‌های روزانه سالهای سکونت در ژاپن یاد کرد. شخص ممکن است گمان برد که صومعه شاستا باستی یک بازارآفرینی از روی صومعه‌ای ژاپنی بوده باشد، اما قضیه چنین نیست. که نت روشنی در اوایل زندگی اش به این نتیجه رسید که آین بودایی نیازمند آن است تا با شرایط خاص دنیای غرب تطبیق داده شود. از دیدگاه وی، که در رشته هنر و موسیقی کلاسیک غرب تحصیل کرده بود، پرداختن به چنین کاری به این معنا بود که شکلهای غربی را برگیرد و آنها را از روح بودایی آکنده سازد.

به این دلیل است که می‌بینیم در صومعه شاستا راهبه‌ها و راهبه‌ها، رداهایی بر تن می‌کنند که به رداهایی که مقامهای مذهبی مسیحی می‌پوشند، شبیه‌اند. علاوه بر این، موسیقی دعاهای مختلف، براساس

1. Peggy Teresa Nancy Kennett.

2. London's Trinity College.

3. Shasta.

فهرست جشنواره‌ها

جشنواره‌ها	فصل / روز
جشنواره‌های تردد واده	
روزهای پویا: اشخاص غیرروحانی	هر دو هفته یک بار
به پنج پند احتراز از دروغ، قتل،	با رویت بدرو
سرقت، انجام دادن اعمال جنسی	هلال ماه
نامناسب، و صرف و نوشیدن مواد	
مخدر و مشروبات الکلی عمل	
می‌کنند. همچنین به موقعه گوش	
می‌دهند و اندکی نیز به مراقبه	
می‌پردازند.	
وساک: جشن تولد، روش نگری، و	یک روز بعد از
مرگ بوداکه اعتقاد بر این است که	بدر در ماه مه
همگی در یک روز (اما در سالهای	

مادر یکی از شاگردان بودا از یکی از گناهان بودایی برگزار می‌گردد. در ژاپن این جشن تبدیل به مراسم یادبود خاطره یکی از نیاکان درگذشته گردید.

بزرگداشت ریتزایی ذنجی (معلم ذن ژاپنی) برگزار می‌گردد.

بزرگداشت شیبرن، بنیانگذار آئین بودایی سرزمن پاک، برگزار می‌گردد.

روز بزرگداشت خاطره کیزان ذنجی است.

روز بزرگداشت خاطره دگن ذنجی است.

جشن بزرگداشت بودهیدهارما، نخستین معلمی که ذن را به چین آورد، برگزار می‌گردد.

روز بزرگداشت دایتو زنجی است.

جشنواره‌های ذن

دهم ژانویه

بیست و یکم مه

پانزدهم اوت

بیست و هشتم اوت

بیست و هشتم اکتبر

بیست و دوم نوامبر

جشنواره‌های تتبی

(تقویم تبتی، قمری است بنابراین، روزهایی که در آنها حوادثی رخ داده است بسیار تغییر پذیرند.)

مختلف) اتفاق افتاده‌اند.

معرف آغاز سه ماه طولانی

کناره‌گیری باران (روزه بودایی)

است: راهبان برای پرداختن به

مراقبة عمیق از جامعه کناره

می‌گیرند. این ایام با کاتینا، موقعی که

اشخاص غیرروحانی به راهبان

رداهای نو تقدیم می‌کنند، پایان

می‌یابند.

پوسون: مراسمی است مربوط به

آوردن تعالیم بودایی به سریلانکا

قرن دوم قبل از میلاد

اسالا: فقط در سریلانکا برگزار

می‌شود و به وسیله یک پاراج

بسیار بزرگ در کاندی نشان داده

می‌شود (Esala Perihara).

یک روز بعد از

بدر در ماه ژوئن

جشنواره‌های ماه‌هایانا

هشتم آوریل

پانزدهم فوریه

هشتم دسامبر

سیزدهم ژوئیه

هاتا ماتسوری: جشن تولد بودا

نهان: جشن روشن‌نگری بودا

روهاتسو: سالروز مرگ بودا. با یک

هفته مراقبه عمیق همراه است.

ابون: یک جشن مهم چهار روزه که

به خاطر گرامی داشتن سالروز رهایی

واژه‌نامه

ایداره: سومین بخش از سه بخش تریسکایا اصول آین بودایی. این بخش عمدتاً به بحث درباره مسائل فلسفی می‌پردازد.

ایشیکه: (تحت‌اللفظی به معنی "شمار اندک") مراسمی است که عمدتاً در آین بودایی واجره‌یانه برای به عضویت پذیرفتن شاگرد در سطح عالی تر تحقیق و پژوهش برگزار می‌شود. شمار اعضای تازه وارد در سایر نحله‌های این آین متفاوت است.

آهیمه: اصل عدم خشونت نسبت به سایر موجودات زنده - این اصل نخستین بار در آین جین ابراز شد - اعمالی نظریگیاهخواری از این اصل نشئت گرفته است. اکنون اصل مزبور جزو اصول اساسی آین بودایی است.

امی ده بوتسو: ("بودای همیشه روش") چهره اصلی آین بودایی سرزمین پاک. فرمانروای سرزمین پاک، همان‌جا که برای بوداییان نیل به نیروها بی‌اندازه آسانتر است.

چهارمین روز نخستین ماه سال مونلان چنmo شروع می‌شود.
نهمین روز چهارمین ماه جشن‌زادروز بودا برگزار می‌گردد.
پانزدهمین روز چهارمین ماه جشن روش‌نگری بودا و سالروز مرگ وی برگزار می‌گردد.
پانزدهمین روز پنجمین ماه روز برگزاری تقدیم هدایا به خدایان و بانو خدایان محلی است.
پیست و پنجمین روز دهمین ماه مراسم یادبود درگذشت جی‌تسونگ خاپا، بنانگذار فرقه گلوگا برگزار می‌گردد.
ششم ژوئیه جشن‌زادروز دالایی لاما کنو نی
(مطابق تقویم فرنگی) برگزار می‌گردد.

حالت مراقبه به سر می‌برد، مشاهده می‌شوند. آنها در میان سرزمین پاک مهم به شمار می‌آیند.

درجی: یک عصای کوچک، معمولاً در دست راست قرار می‌گیرد، که بسیاری از بوداییان تبتی در برگزاری مناسک آن را در دست می‌گیرند.
دوکه: (رنج) مفهومی است بودایی مبنی بر اینکه صفت مشخصه جهان عبارت است از تجربه‌هایی بیشتر ناخوشایند تا تجربه‌هایی خوشایند.
مسیر هشتگاه: پاسخ عملی بودا، در هشت مقوله، به ماهیت ناخوشایند زندگی.

روشن‌نگری: هدف کردار بودایی. به استثنای این واقعیت که روش نگری انسان را به یک جهان کاملاً متفاوت سوق می‌دهد، بوداییان نسبتاً درباره این مفهوم چیزی اندکی برای گفتن دارند.

پنج پند: اصول اخلاقی بودایی که همه بوداییان خود را به اجرای آنها موظف می‌دانند. این اصول عبارتند از خودداری از کشتن، دروغ، دزدی، عمل جنسی نامناسب، و استفاده از چیزهای سکرآور.

چهار اصل: اساس اندیشه بودایی: ۱. زندگی رنج است، ۲. رنج آن به مخاطر داشتن آرزوز است، ۳. راهی برای رهایی از زنجیره‌بی‌پایان تولد مجدد وجود دارد، ۴. آن راه عبارت است از مسیر هشتگاه.

شانه: یک زنگ کوچک که در دست چپ قرار می‌گیرد و زمان استفاده از آن در بسیاری از مراسم‌های بودایی تبتی است.

غورو: معلم، بویژه معلم آئین بودایی. در این آئین، معلم به عنوان یک عنصر کاملاً اساسی برای پیشرفت معنوی تلقی شده است.

سوترای دل: یک متن اصلی آئین بودایی ذن. متن سوترا دل به اندازه‌ای موجز است که ممکن است، و در واقع چنین می‌کنند، کل آن را در اکثر مراسم‌های ذن بودایی به صورت ورد بخوانند.

اتفاق: بودایی معتقد است که روان نامیرا وجود ندارد، اما تقریباً «ابری» از احساسها و فرآیندها وجود دارند که انسان آنها را به اشتباه روان نامیرا تصور می‌کند.

اینبا: بودایی اعتقاد دارد که هر چیزی در جهان آنگونه که ما تجربه می‌کنیم ناپایدار است.

آرهنت: در آئین بودایی توهاده، کسی است که به نیروانا رسیده است.
آتفن: عقیده هندو مبنی بر اینکه یک روان انسانی وجود دارد که، تا اندازه‌ای، با مامن در ارتباط است.

بودیاتوا: در آئین بودایی ماهایان، انسانی که همه چیزهای لازم را برای ورود به نیروانا انجام داده است، اما تصمیم می‌گیرد پاداش خود را برای کمک به سایر انسانها به تعویق اندازد تا آنان نیز بتوانند به نیروانا برسند.

بومان: در آئین هندو، اصل برانگیزاندۀ نهفته‌کیهان. واقعیت نهایی.

مکتب بومان نخستین مرحله آئین هندو که با مشخصه مناسک متنضم قربانی مفصل تحت نظر برامین‌ها توصیف شده است.

برامین‌ها: والاترین کاست در آئین هندو. طبقه روحانی.

کاست عقیده هندو مبنی بر اینکه جامعه باید به چهار طبقه موروثی تقسیم شود.

دالایی‌لاما: رهبر مکتب گلوگایی آئین بودایی تبتی. اکنون، رهبر روحانی معروف آئین بودایی تبتی. دالایی‌لامای کنونی چهاردهمین نفر این دودمان است.

دانه: در آئین بودایی توهاده، مهمترین فضیلت فرد غیرروحانی عبارت است از پیشکش کردن کالاهای مادی با سخاوت تمام به راهبان بودایی.

دیاهه بودا: بوداهای جهانهای دیگر به استثنای جهان خودمان. نامهایشان از این واقعیت نشئت می‌گیرند که آنها عمدهاً در موقعی که شخص پیرو در

باید «بیدار» باشد و زندگی را هشیارانه و آگاهانه بگذراند.

مودره: حرکاتی که با دست انجام می‌گیرند. انجام دادن این حرکات بویژه

در مناسک بودایی تبتی دارای اهمیت هستند.

نیروافا: نقطه مقابل سامسار است، دنیایی که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم.

هدف کردار بودایی نیل به نیروافاست. جدای متفاوت بودن نیروافا در تمام

جهات از هر چیزی که در این جهان تجربه می‌شود، بوداییان در هنگام

سعی برای توصیف آن دو دل و مردندند.

پالی: گویشی است از زبان سنسکریت. پالی زبان نوشتاری کمترین

مجموعه کتابهای بودایی و زبان مقدس آیین بودایی تردداده است.

پوره: یک دشنه تشریفاتی است که برای قطع کردن «نادانی» در مناسک

بودایی تبتی مورد استفاده است.

روزهای پووا: «یکشنه‌ها»ی آیین بودایی تردداده. این روزها دو روز از یک

ماه قمری را شامل می‌شوند روز بعد از ماه بدر و روز بعد از هلال ماه نو.

در این روزها بوداییان پرهیزگار اعمال مذهبی مختلفی از جمله دادن غذا

به راهبان، شنیدن موعظه، و دقیقاً در ارتباط با پنج پند، انجام می‌دهند.

پره تیترا - ساموتپاده: مفهومی است بودایی مبنی بر اینکه جهان جامد

نیست، بلکه از یک رشته بی‌پایان رویدادهای به هم پیوسته تشکیل یافته

است.

پوجا: عقیده به اینکه کردار نیک باعث شایستگی می‌شود. این شایستگی،

در آیین بودایی تردداده حداقل، می‌تواند «دادوستد» با خدایان در عرض

الطف مادی باشد.

سوترای سرزمنی پاک: مجموعه متنهایی که سرزمنی پاک را توصیف می‌کنند.

اساس کتبی مکتبهای مختلف سرزمنی پاک.

تناخ: این عقیده، مشترک در میان همه ادیان هندی، که انسانها عمر از پس

جان‌ها؛ نخستین گروه ساماراها که تشکیلات و آموزه‌هایشان شباختهای

بسیار با آیین بودایی دارند.

جانکه‌ها: داستانهای زندگی پیشین بودا که به دوران قبل از بودا شدن وی

مربوطند. این داستانها اغلب در بر دارنده پامی آموزنده‌اند، اما در عین

حال در جوامع بودایی یک نقش سرگرم‌کننده را نیز ایفا می‌کنند.

کارمه: مبنی است بر این اعتقاد که اعمال به تابعی حتمی منجر می‌شوند،

حتی اگر در زندگی کنونی نتیجه ندهند. کارمه پاسخ آینهای هندی است

به مسئله گناه.

سوآن: یک فن، معمولاً به صورت پرسش، مورد استفاده در آموزش بودایی

ذن برای واداشتن کارورز جهت «متوقف کردن» ذهن منطقی و معقول

خود در اغلب اوقات، پاسخی واقعی برای پرسشها یی که گوآن مطرح

می‌کند وجود ندارد.

سوترای نیلوفر آبی: کتاب اصلی مکتب تین - تای. سوترا نیلوفر آبی در هند

آغاز شد، اما بیشترین پیشرفت اساسی اش در چین تحقق یافت.

حالت نیلوفر آبی: حالت چهارزانو نشستن که غالباً برای عمل مراقبه انجام

می‌شود.

ماهابیانا: (به طور تحت‌اللفظی، «گردونه بزرگ») یکی از مکتبهای آیین

بودایی که پیروان آن در چین، کره، ویتنام، و ژاپن اکثریت دارند.

مانده: یک تصویر یا نقش مقدس که کارورز را با یک نوع «نقشه راه» واقعیت

مجهر می‌کند. این تصویر یا نقش بیشتر در نیایشها بودایی تبتی کاربرد

دارد.

مانتره: یک ورد مقدس که در بعضی از شکل‌های مراقبه بودایی کاربرد

دارد، از این ورد مخصوصاً در نیایشها تبتی استفاده می‌شود.

آغاها: اصل مهم برای همه کارهای معنوی بودایی. اعتقاد به اینکه شخص

سوتو: دومین مکتب بزرگ ذن. برخلاف رینزایی، ذن سوتوبه عدم استفاده از گوآنگرایش دارد و بر «نشستن محض» تأکید می‌کند.

سوانحه: یک جنبش مذهبی که از مکتب برهمایی رایج آین هندو جدا شد. از همین سوانحه‌ها بود که هر دو آین بودایی و جین به وجود آمدند. استوپه: تلی از خاک که بر بالای یادمانهای باقیمانده از بودا ایجاد کردند. مکانهای عمومی برای زیارت کنندگان.

سونینه: یک مفهوم ماهایانا، حاکی از اینکه هیچ چیز فی نفسه موجود نیست.

سوترها: دومین بخش تریتیکه. موعظه‌ها و داستانهایی از بودا.

تنره: شکلی از عمل مذهبی مشترک در هر دو آین بودایی و هندو که اهمیت خاصی برای مناسک مفصلی که از سوی کارورز به صورت انفرادی انجام می‌گیرد قابل است.

تره‌واده: (به طور تحتاللفظی به معنی "طريقت بزرگان") کهترین شکل آین بودایی دارنده تشکیلات رسمی. تره‌واده بر مراقبه و زندگی توأم با انسپباط تأکید دارد. شکل رایج آین بودایی در سری لانکا، برمه (میانمار)، تایلند، لاوس، و کامبوج.

سه مشخصه هستی: اساس فلسفی آین بودایی مبنی بر اینکه ۱. جهان مادی پیوسته در حال دگرگونی است، ۲. زندگی انسانی در نهایت ناخوشایند است، ۳. هیچ‌گونه روان نامیرایی که از یک یک زندگی به زندگی دیگر انتقال یابد وجود ندارد.

سه پناهگاه: اظهار علی و فادری شخص نسبت به بودا، تعالیم، و نظام بودایی.

تریتیکه: شریعت بودایی. اشاره دارد به سه بخش شریعت بودایی که عبارتند از وینیه، سوتراها، و ایدارمه، هر کدام از این سه بخش در یک

عمر «بازیافته» می‌شوند. این امر که به هیچ وجه چیز خوبی نیست، به عنوان وضعی که باید به هر وسیله‌ای که شده از آن گریخت، تلقی گردیده است.

ریگ ودا: کهترین کتب مقدس هندو.

رینزایی: یکی از دو مکتب عمده آین بودایی ذن. مکتب رینزایی از فن گوآنگ در آموزش خود به دیگران بسیار استفاده می‌کند.

سامسارا: جهانی که در آن زندگی می‌کنیم. چیزی که تا آنجا که ممکن است باید از آن گریخت.

سانگه: به معنی دقیق کلمه، همه بوداییان. عملاً، این اصطلاح فقط شامل بوداییانی می‌شود که در کسوت راهبه‌ها و راهیه‌ها به انجام دادن وظیفه مشغولند.

سنگریمت: زبان مقدس آین هندو و مردم سرزمین هند به طور کلی. در گذشته‌های دور با زبانهای انگلیسی، اسپانیایی، و فرانسوی خوشاوند بوده است.

سماadi: دو مرحله پاییشی مراقبه بودایی. این دو مرحله اساساً آرام ساختن ذهن را در بر می‌گیرند.

ابزار استادانه: اصطلاحی که در میان همه مکتبهای بودایی، مشترک است اما در آین بودایی ماهایانا کاربرد بیشتری دارد. این اصطلاح مبتنی بر این مفهوم است که یک حکیم بودایی متعالی می‌تواند از همه اموری که غلط یا غیراخلاقی به نظر می‌رسند، برای هدایت شاگردان برای نیل به یک زندگی مذهبی بسیار خوب استفاده کند.

گذاشتن مردگان در هوای آزاد: بودایی تئی عقیده دارد که گذاشتن جسد مردہ در محوطه باز برای اینکه پرنده‌گان بتوانند آن را بخورند عملی است که به شخص متوفی در زندگی دیگر کارمه نیک خواهد داد.

بیش از آموزش مدرسی تأکید می‌کند. این مکتب بیشتر در چین، کره، و ژاپن رواج دارد، ذن در سالهای اخیر در امریکا و اروپا بسیار نفوذ پیدا کرده بود.

صندوقد جداگانه نگاهداری می‌شدند.
توبیانه: عقیده بودایی حاکی از اینکه رنج از آزو نشئت می‌گیرد، (معنی تحت‌اللفظی "تشنگی") یا از آزمندی برای تحصیل مال و ثروت.
تولکو: رهبر دوباره متولدشده دودمان رهبانی در تبت، دلایلاما تولکوی بسیار مشهور در جهان غرب است.

زبان مبهوم: در آیین بودایی واجره‌یانه، یک سبک تعمداً مبهوم در نگارش به منظور محفوظ داشتن آموزه‌هایش از اشخاص غیر مجاز.

اوپانیشادها: یک رشته نوشه‌های فلسفی که نخستین بار در اوآخر عصر بودایی (۴۰۰ - ۸۰۰ ق.م.) تفسیر شد. نظری برخی از اندیشه‌های مندرج در اوپانیشادها در ادبیات بودایی و جاین نیز دیده می‌شوند.

واجره‌یانه: سومین و آخرین بخش عمدۀ آیین بودایی، واجره‌یانه تأکید بسیار زیاد بر اعمال مذهبی مبتنی بر مناسک می‌کند. واجره‌یانه، که در گذشته بیشتر از زمان کنونی گسترش داشت، در حاضر عمدتاً در تبت رواج دارد.

وینیه: نخستین بخش تربیتیک، وینیه به مقررات حاکم بر راهیها و راهبه‌ها در آیین بودایی می‌پردازد.

ویپاسنه: دومین و سطح بالاتر مراقبة بودایی به منظور هدایت کارورز به سوی روشن نگری.

بیدام: در آیین بودایی تبتی، یک خدای خصوصی که نقش عمدۀ‌ای در زندگی مراقبه‌ای و عبادی کارورز ایفا می‌کند.

یوگا: یک رشته تمرینهای عملی به منظور امکان دادن به کارورز برای نفوذ به ماهیت واقعیت. از یوگا هم در آیین هندو و هم در آیین بودایی استفاده می‌شود.

ذن: یک مکتب وابسته به آیین بودایی ماهایانه بر عملیات مراقبه‌ای

خوانندگان خود توصیه می کند

General References

- I. FISCHER-SCHREIBER, F.-K. EHRAND, and M. S. DIENER, *The Shambhala Dictionary of Buddhism and Zen*, Trans. by Michael H. Kohn (Boston: Shambhala, 1991)
An indispensable reference text.
- RICHARD H. ROBINSON and WILLARD L. JOHNSON, *The Buddhist Religion*, 3rd ed. (Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company, 1977)
The standard scholarly introduction to Buddhism.
- SANGHARAKSHITA, *The Eternal Legacy: An Introduction to the Canonical Literature of Buddhism* (London: Tharpa Publications, 1985)
An excellent introduction to the extensive Buddhist collection of scriptures.
- JOHN SNELLING, *The Buddhist Handbook: A Complete Guide to Buddhist Schools, Teaching, Practice, and History* (Rochester, VT: Inner Traditions, 1991)
Full of practical information on current Buddhist masters and organizations.
- JOHN S. STRONG, *The Experience of Buddhism: Sources and Interpretations* (Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company, 1995)
An excellent introduction to Buddhist thought based on primary texts.

4: Modern Buddhism: Many Paths, One Goal

- STEPHAN BATCHELOR, *The Jewel in the Lotus: A Guide to the Buddhist Traditions of Tibet* (Boston and London: Wisdom Publications, 1987)
A comprehensive overview.
- ALFRED BLOOM, *Shinran's Gospel of Pure Grace* (Tucson, AZ: University of Arizona Press, 1965) Still a valuable resource.
- RICHARD H. GOMBRICH, *Buddhist Precept and Practice: Traditional Buddhism in the Rural Highlands of Ceylon* (Oxford: Oxford University Press, 1971)
A useful study of Theravada Buddhism as it is actually practiced.
- TREVOR LEGGETT, *Zen and the Ways* (London: Routledge and Kegan Paul, 1978)

5: Buddhism and the Challenge of the Modern World

- RICHARD H. GOMBRICH, *Theravada Buddhism* (London and New York: Routledge, 1988)
A study of the development of Theravada Buddhism in India and Sri Lanka.
- SHIGEYOSHI MURAKAMI, *Japanese Religion in the Modern Century*. Trans. by H. Byron Earhart (Tokyo: University of Tokyo Press, 1980)
- DONALD K. SWearer, *The Buddhist World of Southeast Asia* (Albany: The State University of New York Press, 1995)
An examination of Buddhism in modern Southeast Asia.
- CHRISTOPH VON FÜRER-HAIMENDORF, *The Renaissance of Tibetan Civilization* (Oracle, AZ: Synergetic Press, 1990)
A sympathetic study of the Tibetans' efforts to reconstruct their religion after the Chinese invasion.
- HOLMES WELCH, *The Practice of Chinese Buddhism, 1900–1950* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1967)
Takes up where Ch'en leaves off.

6: Buddhism in the Twenty-First Century: Old Wine in New Bottles

- CHRISTINE FELDMAN, *Women Awake* (London: Arkana, 1989)
Looks at the emerging role of women in Buddhism.

Current Buddhist Practice

- ROBERT E. BUSWELL Jr., *The Zen Monastic Experience* (Princeton: Princeton University Press, 1992)
A detailed examination of the life of a Zen monk by a scholar who lived it.
- JACK KORNFIELD, *Living Buddhist Masters* (Boulder, CO: Prajna Press, 1983)
Discussion of a number of Theravada Buddhist teachers and their practices.
- GLENN H. MULLIN, *The Practice of Kadachakra* (Ithaca, NY: Snow Lion Press, 1991)

2: The Roots of Buddhism

- MICHAEL CARRITHERS, *The Buddha* (Oxford: Oxford University Press, 1983)
- WALPOLA RAHULA, *What the Buddha Taught*, 2nd rev. and expanded ed. (New York: Grove Press, 1974)
Still one of the best introductions to early Buddhist thought.
- NINIAN SMART, *The Religions of Asia* (Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 1993)
An excellent introductory overview of the Asian religious milieu from which Buddhism emerged.

3: The Early Historical Development of Buddhism

- KENNETH CEE'EN, *Buddhism in China: A Historical Survey* (Princeton: Princeton University Press, 1964)
Still the best introduction to the subject.
- AKIRA HIRAKAWA, *A History of Indian Buddhism: From Sakyamuni to Early Mahayana*. Trans. and edited by Paul Groner (Honolulu: University of Hawaii Press, 1990)
A clear discussion of the subject.
- JOSEPH M. KITAGAWA, *Religion in Japanese History* (New York: Columbia University Press, 1990)
- DAVID SNELLGROVE and HUGH RICHARDSON, *A Cultural History of Tibet*, rev. ed. (Boston and London: Shambhala, 1968)
- PAUL WILLIAMS, *Mahayana Buddhism* (London and New York: Routledge, 1989)
A good examination of the doctrinal development of this school.

RICK FIELDS, *How the Swans Came to the Lake*, 2nd rev. and expanded ed. (Boston: Shambhala, 1986)

The definitive study on the spread of Buddhism in North America.

KEN JONES, *The Social Face of Buddhism: An Approach to Social and Political Activity* (Boston and London: Wisdom Publications, 1989)

DON MORRALE (ed.), *Buddhist America: Centers, Retreats, Practices* (Santa Fé, CA: John Muir Publications, 1988)

For those who want to pursue a more "hands on" study of Buddhism, this is the place to start.

THICH NHT HNH, *Being Peace* (Berkeley, CA: Parallax Press, 1987)

Anything by this great contemporary Vietnamese Buddhist teacher is worth reading.